

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پرسمان بهارستان ۱۱

پاسخ به ۱۰۰ سوال درباره انتخابات اسفند ۹۸

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه  
زمستان ۱۳۹۸

# پرسمان بهارستان ۱۱

پاسخ به ۱۰۰ سوال درباره انتخابات اسفند ۹۸

---

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

---

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

---

× چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸ × شمارگان: ۲۰,۰۰۰ نسخه

---

## فهرست

۸..... مقدمه:

۹..... گفتار اول: جایگاه مردم در انتخابات

۹..... ۱- مشارکت سیاسی چه معنایی دارد و از چه اشکالی برخوردار است؟

۱۰..... ۲- در جمهوری اسلامی رای ملت از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱۱..... ۳- حضرت امام(ره) فرمودند، میزان رای ملت است. مبنای این سخن چیست؟

- ۴- چرا مردم از قدرت خود برای نظارت بر مسئولین کشور و از جمله نمایندگان مجلس استفاده نمی‌کنند؟ ..... ۱۲
- ۵- جایگاه نخبگان در انتخابات چیست؟ آیا مردم احتیاج به قیّم دارند؟ ..... ۱۳
- ۶- آیا در جمهوری اسلامی، دخالت در سیاست مختص قشر خاصی است و روحانیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؟ ..... ۱۴
- ۷- آیا شرکت در انتخابات اجباری است یا اختیاری؟ ..... ۱۵
- ۸- انتخابات حق است یا تکلیف؟ ..... ۱۶
- ۹- آیا تحت هر شرایطی در انتخابات باید شرکت کرد! ..... ۱۷
- ۱۰- آیا کاهش مشارکت و نیامدن مردم بای صندوق رای به معنای مخالفت با جمهوری اسلامی است؟ ..... ۱۸
- ۱۱- راه افزایش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات چیست؟ ..... ۱۹

### گفتار دوم: اهمیت و کارکرد انتخابات ..... ۲۱

- ۱۲- انتخابات دارای چه فایده و کارکردی است؟ ..... ۲۱
- ۱۳- مهمترین دستاورد شرکت در انتخابات چیست؟ ..... ۲۲
- ۱۴- در نگاه امام خمینی(ره) شرکت در انتخابات از چه اهمیتی برخوردار است؟ ..... ۲۳
- ۱۵- رهبر معظم انقلاب تاکید فراوانی بر حضور در انتخابات دارند. از نگاه ایشان برگزاری انتخابات پرشور چه دستاوردی برای کشور خواهد داشت؟ ..... ۲۴
- ۱۶- چرا شرکت در انتخابات به معنای رای به نظام اسلامی است؟ ..... ۲۵
- ۱۷- انتخابات مطلوب، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ ..... ۲۶
- ۱۸- دوقطبی سازی فضای انتخاباتی آیا مثبت است یا منفی؟ ..... ۲۷

### گفتار سوم: چگونه رای دهیم؟ ..... ۲۹

- ۱۹- چگونه می‌توان به حجت شرعی در رای دادن رسید؟ ..... ۲۹
- ۲۰- مهمترین موانع انتخاب عقلانی چه مواردی می‌تواند باشد؟ ..... ۳۰
- ۲۱- معیارهای لازم برای گزینش مسئولین با چه منطقی مطرح شده است؟ ..... ۳۰
- ۲۲- اصلح‌گزینی از چه ملاحظاتی برخوردار است؟ ..... ۳۲
- ۲۳- با توجه به وجود دستگاه نظارتی شورای نگهبان و تأیید صلاحیت نامزدها، چرا اینقدر بر تلاش برای انتخاب اصلح تاکید شده است؟ ..... ۳۳
- ۲۴- حرف حساب آنهایی که به جای کاندیدای «اصلح» از رای دادن به «صالح مقبول» سخن می‌گویند، چیست؟ ..... ۳۴
- ۲۵- تاکتیک «اعتماد به لیست» و «رای دادن لیستی» مبتنی بر چه مبنایی طرح‌ریزی شده است؟ ..... ۳۵
- ۲۶- منطق «اصلح‌گزینی» چگونه با منطق «رای لیستی» قابل جمع است؟ ..... ۳۶
- ۲۷- آیا می‌توان به فردی فاقد صلاحیت با منطق لیستی رای داد؟ ..... ۳۷

## گفتار چهارم: به چه کسی رای دهیم؟..... ۳۹

- ۲۸- مثنی و مرام رهبری در انتخابات چگونه است؟ ..... ۳۹
- ۲۹- آیا رهبری اصرار بر انتخاب افراد خاصی دارند؟ ..... ۴۰
- ۳۰- نماینده اصلح از نگاه حضرت امام(ره) دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ..... ۴۱
- ۳۱- نماینده اصلح از نگاه امام خامنه‌ای(مدظله العالی) دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ..... ۴۱
- ۳۲- یک نماینده مجلس چگونه می‌تواند تکیه گاه مردم باشد؟ ..... ۴۲
- ۳۳- تحقق اهداف انقلاب اسلامی از نگاه رهبری چگونه ممکن خواهد بود؟ ..... ۴۳
- ۳۴- روحیه انقلابی‌گری به چه کار کشور می‌آید؟ ..... ۴۳
- ۳۵- روحیه انقلابی چه تاثیری در پیشرفت کشور دارد؟ ..... ۴۴
- ۳۶- روحیه انقلابی در معرض چه آفاتی قرار دارد؟ ..... ۴۵
- ۳۷- چه عواملی موجب تضعیف روحیه انقلابی در جامعه می‌گردد؟ ..... ۴۶
- ۳۸- مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جوانگرایی تا چه اندازه می‌تواند شاخص انتخاب نماینده مجلس باشد؟ ..... ۴۷
- ۳۹- در مقوله جرخش نخبگان و جوانگرایی چه ملاحظات باید رعایت شود؟ ..... ۴۸

## گفتار پنجم: مساله صلاحیت و نظارت در انتخابات..... ۵۱

- ۴۰- با کدام مبنا باید صلاحیت‌ها در انتخابات بررسی شود؟ ..... ۵۱
- ۴۱- چه نیازی به شورای نگهبان وجود دارد؟ ..... ۵۲
- ۴۲- چرا باید ۱۲ نفر بتوانند برای ۸۰ میلیون نفر تصمیم بگیرند؟ ..... ۵۳
- ۴۳- نظارت استصوابی چیست و بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ ..... ۵۴
- ۴۴- چرا اعضای شورای نگهبان عمدتاً دچار کھولت سن و پیری هستند؟ ..... ۵۴
- ۴۵- با وجود انتصابی بودن اعضای شورای نگهبان، آیا تصمیمات و نظرات شورای نگهبان مستقل از رهبری است؟ ..... ۵۵
- ۴۶- چرا اعضای شورای نگهبان از یک گروه و جناح سیاسی اند؟ ..... ۵۵
- ۴۷- سلیقه سیاسی اعضاء و تصمیمات شورای نگهبان چقدر دخیل است؟ ..... ۵۶
- ۴۸- ناکارآمدی مجلس و دولت به دلیل نظارت استصوابی شورای نگهبان است؟ ..... ۵۶
- ۴۹- چرا شورای نگهبان یک نفره است و تصمیمات و نظرات شورای نگهبان تابع نظرات آیت‌الله جنتی است؟ ..... ۵۷
- ۵۰- تفاوت رداصلاحیت با عدم احراز صلاحیت چیست؟ ..... ۵۷
- ۵۱- هیئت‌های اجرایی و نظارت صلاحیت‌های داوطلبان را چگونه بررسی می‌کنند؟ ..... ۵۷
- ۵۲- چگونه کاندیداهایی که قبلاً تایید شده بودند، در بررسی مجدد دور بعد رد می‌شوند یا بالعکس؟ ..... ۵۸
- ۵۳- چرا دلایل رد صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان اعلام عمومی نمی‌شود؟ ..... ۵۸
- ۵۴- رویکرد سیاسی کاندیدها چه نقشی در بررسی صلاحیت‌ها دارد؟ ..... ۵۹

- ۵۵ - چرا شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها بعضاً مامشات می‌کند و مردم باید تاوان آن را پس بدهند؟ ..... ۵۹
- ۵۶ - نمایندگان به دلیل ترس از نظارت استصوابی از انجام وظایف نمایندگی ناتوان شده اند، آیا این اظهار نظر صحیح است؟ ..... ۶۰
- ۵۷ - آیا شورای نگهبان از نظرات کارشناسی و تخصصی بهره می‌برد؟ ..... ۶۱
- ۵۸ - شورای نگهبان قوانین ناکارآمد را تأیید و قوانین کارآمد را رد می‌کند؛ آیا این اظهار نظر صحیح است؟ ..... ۶۱

### گفتار هشتم: جایگاه و اهمیت مجلس و نمایندگی مجلس ..... ۶۳

- ۵۹ - از نگاه حضرت امام (ره) مجلس از چه جایگاهی برخوردار بود؟ ..... ۶۳
- ۶۰ - مجلس از چه اختیارات و وظایفی برخوردار است؟ ..... ۶۴
- ۶۱ - قوانین مصوب مجلس باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا نرم‌افزار مدیریت کشور به خوبی عمل نماید؟ ..... ۶۵
- ۶۲ - مجلس در تحقق توسعه اقتصادی چه نقشی می‌تواند ایفا نماید؟ ..... ۶۵
- ۶۳ - مجلس چه نقشی در عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی می‌تواند انجام دهد؟ ..... ۶۶
- ۶۴ - مجلس چگونه و با چه ابزارها و مکانیزم‌هایی می‌تواند با نمایندگان متخلف مقابله کند؟ ..... ۶۷
- ۶۵ - آیا مجلس می‌تواند رئیس جمهور را عزل کند و چرا با وجود مشکلات، بیان می‌شود که دولت باید تا آخر به کار خود ادامه دهد؟ ..... ۶۸
- ۶۶ - نمایندگان مجلس در قبال چه اموری در برابر مردم باید پاسخگو باشند؟ ..... ۷۰
- ۶۷ - چه مواردی جزو وظایف نماینده مجلس نیست؟ ..... ۷۱
- ۶۸ - علنی و شفاف شدن رأی نمایندگان مجلس چقدر اهمیت دارد؟ ..... ۷۲
- ۶۹ - وظایف مجلس یازدهم در چپش صحیح مولفه‌های حوزه سیاست خارجی چه خواهد بود؟ ..... ۷۳
- ۷۰ - مجلس یازدهم به صورت جدی باید بر روی چه مواردی در حوزه سیاست خارجی متمرکز شود؟ ..... ۷۳
- ۷۱ - وظیفه کمیسیون سیاست خارجی مجلس در تحقق اهداف سیاست خارجی چیست؟ ..... ۷۴
- ۷۲ - مجلس دهم چه کارنامه‌ای از خود به جای گذاشته است؟ ..... ۷۵

### گفتار هفتم: اولویت‌های کشور در آستانه انتخابات ..... ۷۷

- ۷۳ - اولویت‌های کشور در نگاه رهبری کدام است؟ ..... ۷۷
- ۷۴ - آیا فرهنگ، جز مسایل حائز اهمیت این روزهای کشور است؟ ..... ۷۸
- ۷۵ - مهمترین راه برون‌رفت از وضع فعلی اقتصاد چیست؟ ..... ۷۹
- ۷۶ - آیا امکان اجرای اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ ..... ۷۹

- ۷۷ - چرا با وجود آنکه در حوزه‌هایی مانند توان دفاعی، پیشرفت‌های راهبردی داشته‌ایم، در حوزه‌هایی، مانند اقتصاد پیشرفت چشمگیری نداشته‌ایم؟ ..... ۸۰
- ۷۸ - در وضعیت کنونی کشور فسادستیزی از چه ضرورت‌هایی برخوردار است؟ ..... ۸۱
- ۷۹ - در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، دشمنان ملت ایران از یک سو برای افزایش فشارهای اقتصادی و از سوی دیگر برای ناامیدکردن مردم از آینده تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند، با توجه به این وضعیت، چه آینده‌ای پیش‌روی انقلاب اسلامی وجود دارد؟ ..... ۸۱
- ۸۰ - استکبارستیزی چه منافعی برای ملت ایران داشته است؟ آیا به جز تحریم و انزوی بین‌المللی، ثمره دیگری هم داشته است؟ ..... ۸۲
- ۸۱ - آیا تداوم مبارزه با استکبار و آمریکا، در حالی که مشکلات معیشتی در داخل کشور به طور جدی وجود دارد، به مصلحت است؟ ..... ۸۴
- ۸۲ - در سیاست خارجی ما منافع ملی و مردمی اولویت دارد یا مسائل ایدئولوژیک؟ ..... ۸۴
- ۸۳ - جمهوری اسلامی چگونه از نفوذ منطقه‌ای در تقویت اقتصاد خود بهره برد؟ ..... ۸۵
- ۸۴ - در شرایطی که در داخل کشور با مشکلات اقتصادی مواجهیم، چرا باید در منطقه هزینه کنیم؟ ..... ۸۵

#### گفتار هشتم: آرایش گروه‌های سیاسی در آستانه انتخابات. .... ۸۷

- ۸۵ - نواصولگرایان چه می‌گویند؟ ..... ۸۷
- ۸۶ - آیا گروه‌های اصولگرا در انتخابات پیش رو به وحدت می‌رسند؟ ..... ۸۹
- ۸۷ - شورای ائتلاف برای ایجاد وحدت حداکثری چه تمهیداتی اندیشیده است؟ ..... ۸۹
- ۸۸ - آیا همه گروه‌ها و اضلاع ائتلاف فرآیند مورد نظر شورا را پذیرفته‌اند؟ ..... ۹۰
- ۸۹ - تا چه اندازه صدور یک لیست از سوی شورای ائتلاف که همه اصولگرایان به آن پای بند باشند متصور است؟ ..... ۹۰
- ۹۰ - چرا فعالیت انتخاباتی اصولگرایان کمتر رسانه‌ای شده است؟ ..... ۹۱
- ۹۱ - اصلاح‌طلبان در انتخابات چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ ..... ۹۱
- ۹۲ - چرا برخی اصلاح‌طلبان درون نظام، نقش اپوزیسیون نظام را برعهده می‌گیرند؟ شیوه برخورد با این گروه چگونه می‌تواند باشد؟ ..... ۹۲
- ۹۳ - طرفداران مشارکت مشروط در اردوگاه اصلاح طلبان چه می‌گویند؟ ..... ۹۳
- ۹۴ - طرفداران مشارکت غیر مشروط در اردوگاه اصلاح طلبان چه می‌گویند؟ ..... ۹۴
- ۹۵ - چرا برخی اصلاح طلبان از عدم ارائه لیست سخن می‌گویند؟ ..... ۹۴
- ۹۶ - تداوم حمایت یا جدایی اصلاح طلبان از دولت اعتدال چه تبعاتی برای این جریان خواهد داشت؟ ..... ۹۶
- ۹۷ - درباره چگونگی مواجهه اصلاح طلبان با اعتدالیون در انتخابات ۱۳۹۸، چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟ ..... ۹۷
- ۹۸ - چرا دولت مورد حمایت اصلاح طلبان نتوانست اقتصاد مقاومتی را در کشور عملیاتی کند؟ ..... ۹۹
- ۹۹ - حامیان احمدی نژاد در انتخابات پیش رو چگونه شرکت خواهند کرد؟ ..... ۱۰۰

۱۰۰- خط تبلیغاتی اپوزیسیون برای انتخابات مجلس جمهوری اسلامی ایران ..... ۱۰۱

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همه عرصه‌ها، دارای مواضع انقلابی و رفتار خردمندانه در چارچوب قانون و بر اساس دکترین رفتار سیاسی خود است. «انتخابات» یکی از عرصه‌های مهم و تعیین‌کننده در ساخت سیاسی کشور است. انتخابات مظهر مردم‌سالاری دینی و عاملی بسیار مهم در ایجاد انسجام داخلی، تقویت وحدت ملی و تأمین منافع و امنیت ملی به شمار می‌آید. بنابراین سپاه در چنین عرصه‌ای، به دور از دوگانه‌های افراط یا تفریط و به دور از بی‌تفاوت بودن یا داشتن رفتارها و رویکردهای حزبی و مصداق‌گرایی، با نقش‌آفرینی فعال و رویکرد انقلابی، تلاش می‌کند تا هر انتخاباتی در تراز انقلاب اسلامی و در شأن ملت ایران برگزار شود. سپاه در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در اسفند ماه سال جاری برگزار خواهد شد، سه هدف راهبردی زیر را دنبال می‌کند:

۱- کمک به تحقق مشارکت حداکثری و تلاش برای حضور هر چه بیشتر مردم در انتخابات؛

۲- کمک به تأمین امنیت و آرامش انتخابات؛

۳- کمک به شکل‌گیری مجلس تراز انقلاب اسلامی.

برای تحقق اهداف سه‌گانه، مبنای اصلی حرکت و رفتار سیاسی سپاه، بیانات و رهنمودهای امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب است. براساس این سیاست کلی در انتخابات از یک‌سو بر داشتن بینش و بصیرت سیاسی تأکید می‌شود و از دیگر سو، ورود به دسته‌بندی‌های سیاسی و انتخاباتی به شدت نهی شده است. با توجه به این سیاست و رویکرد، اقدامات روشنگرانه و بصیرت‌افزایی نسبت به انتخابات و موضوعات مرتبط، مهم‌ترین وظیفه معاونت سیاسی در سپاه به شمار می‌آید. در همین راستا، کتاب «پرسمان بهارستان یازدهم» از سوی این معاونت تهیه و در اختیار فرماندهان، مسئولان، مربیان و هادیان برای بهره‌برداری در امر مهم بصیرت‌افزایی و روشنگری قرار می‌گیرد. ضمن تشکر از گروه نویسندگان که در تهیه این متن پرسمان همت کردند، امید است همه علاقه‌مندان عرصه روشنگری، نقطه نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را درباره موضوع، به معاونت سیاسی ارسال کنند.

سرتیپ دوم پاسدار دکتر یدالله جوانی

معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



گفتار اول:

# جایگاه مردم در انتخابات

۱- مشارکت سیاسی چه معنایی دارد و از چه اشکالی برخوردار است؟

در دنیای امروز زندگی اجتماعی با مشارکت همگانی شهروندان معنا می‌یابد که در این میان عالی‌ترین سطوح مشارکت را می‌توان در «مشارکت سیاسی» جست‌وجو کرد. مشارکت سیاسی یکی از شاخصه‌های مهم «توسعه سیاسی» است و در ادبیات سیاسی امروز جهان، نظام‌های سیاسی مختلف را نسبت به سطوح و دایره مشارکت به نظام‌های سیاسی استبدادی تا دموکراتیک تقسیم می‌کنند.

مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی و انتخاب کارگزاران است. این مشارکت سطوح گوناگونی دارد که تحقق آن در نظام‌های سیاسی مختلف مبتنی بر شرایط سیاسی- اجتماعی آن کشورهاست. در مجموع سطوح زیر را می‌توان برای مشارکت سیاسی برشمرد:

۱- حق رأی و شرکت در انتخابات؛

۲- حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی؛

۳- حق کاندیداتوری در انتخابات؛

۴- دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری.

در همه این سطوح، وجود برخی صلاحیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. البته هر چه سطح مشارکت و تأثیرگذاری بر سیاست افزایش یابد، باید انتظار داشت که به همان اندازه

شاخصه صلاحیت‌ها بالا رفته و بدین معنا جمع کمتری از افراد می‌توانند بالفعل در آن سطح از مشارکت نقش‌آفرین باشند، مگر آنکه قبل از آن صلاحیت‌های لازم را کسب کنند. شرکت در انتخابات عام‌ترین، سهل‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است و یکی از معیارهای مناسب برای کشف میزان مشارکت سیاسی مردم ولو به شکل کمی آن است و تا حدودی انگیزه‌ها و عوامل تشدیدکننده مشارکت، همچنین موانع مشارکت مردم را در عرصه فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد. انتخابات هرچند اولین سطح مشارکت سیاسی است؛ اما از آنجا که فراگیرترین سطح آن به شمار می‌آید، مهم‌ترین آن نیز هست و یکی از ملاک‌ها و معیارهای مهم برای ارزیابی سلامت نظام‌های سیاسی برشمرده می‌شود.

## ۲- در جمهوری اسلامی رای ملت از چه جایگاهی برخوردار است؟

جمهوری اسلامی نظامی سیاسی است که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و متکی بر اراده توده‌های ملت شکل گرفته است. نقش کلیدی ملت در نظام اسلامی را می‌توان در جلوه‌های مختلفی از نظام اسلامی مشاهده کرد. نقش مردم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نظام سیاسی جمهوری اسلامی، مکلف بودن مسئولان در برابر مردم، بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در اعتلای کشور و نقش مردم در انتخاب مسئولان، نمادهای تجلی جایگاه ملت در نظام اسلامی است.

در این میان، نقش ملت در انتخاب مسئولان، مهم‌ترین تجلی‌گاه مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی است. در چهار دهه گذشته، کم و بیش هر سال یک انتخابات با حضور حداکثری ملت برگزار و صدها میلیون رأی به صندوق‌ها ریخته شده است و هیچ مسئولی نیست که با انتخاب ملت به قدرت نرسیده باشد. این حقیقتی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی به آن چنین اشاره می‌کنند: «امروز در جمهوری اسلامی همه مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیر مستقیم منتخب خود مردمند؛ حتی رهبری. یعنی در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست؛ بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است و بدون انتخاب مردم امکان ندارد.» (۱۳۷۰/۱۱/۱۳)

در این نگاه همان‌طور که در عبارت فوق آمد، رأی ملت حتی در مشروعیت‌بخشی مسئولان نظام اسلامی نقش داشته و وجود صلاحیت‌ها شرط لازم برای قرار گرفتن در مسند قدرت بوده، ولی شرط کافی نیست! به واقع صرف وجود صلاحیت فرد را صاحب حق نمی‌کند، بلکه حق حاکمیت وقتی جاری می‌شود که صاحب صلاحیت از طریقی مشروع به حکومت برسد و این راه مشروع در نظام مردم‌سالاری عبور از کانال انتخاب و رضایت ملت است.

ایشان در عباراتی به صراحت اعلام می‌دارند: «در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است.» (۱۳۷۷/۱۲/۴)

ایشان در عباراتی در تبیین معنای «مردمی بودن» حکومت و جایگاه رفیع «رأی ملت» در آن چنین می‌فرمایند: «مردمی بودن حکومت اسلامی به دو معناست: یکی اینکه مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین حاکم و شاید در تعیین رژیم حکومتی و سیاسی نقش

دارند. دیگر آنکه حکومت اسلامی در خدمت مردم است، آنچه برای حاکم اسلامی مطرح است، منافع عامه مردم است نه منافع اشخاص یا قشر و طبقه معین. اسلام به هر دو معنا دارای حکومت مردمی است. اما تا وقتی که حکومت مردمی به معنای اول تأمین نشود و مردم در حکومت نقشی نداشته باشند، نمی‌شود گفت حکومت، مردمی و در خدمت مردم است. این ادعا که يك حکومت بدون آنکه با مردم خود ارتباط مستقیم داشته و به آرای مردم متکی باشد، خود را مردمی بشمارد، ادعای پذیرفتنی نیست. نمی‌توانند ثابت کنند که مردمی‌اند، چون حکومت‌های تحمیلی هم خود را مردمی قلمداد می‌کنند.»

البته در این نگاه خاستگاه و اعتبار رأی ملت نه همچون نظام‌های سیاسی غرب مبتنی بر قرار اجتماعی، بلکه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بنا نهاده شده است.

۳- حضرت امام(ره) فرمودند، میزان رأی ملت است. مبنای این سخن

### چيست؟

با پیروزی انقلاب اسلامی مردم به خانه‌های خود باز نگشتند و زمام امور را به نخبگان و سیاسیون نسپردند تا آنها برای‌شان تصمیم بگیرند و آنها تنها در وضعیت انفعالی نظاره‌گر مسائل باشند. این جهت‌گیری برخاسته از نگاه رهبری الهی بود که در رأس این نهضت قرار داشت و ایشان با تمام وجود به ملت خویش باور داشتند. به همین دلیل از روز اول پیروزی نهضت کار را به مردم سپردند و از آنها خواستند تا در گام به گام فرایند شکل‌گیری نظام رأی خود را اعلام کنند. همه‌پرسی جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست‌جمهوری، در دو سال ابتدایی شکل‌گیری این نظام سیاسی با حضور پرشکوه مردم همراه بود و نظام سیاسی مبتنی بر خواست و رأی ملت قانونی شد.

حضرت امام(ره) در آستانه شکل‌گیری مجلس خبرگان با صراحت اعلام می‌دارند، اعضای مجلس خبرگان تنها وکیل ملت بوده و قانون تدوین شده باید به تأیید ملت برسد؛ چرا که «میزان رأی ملت است، ملت يك وقت خودش رأی می‌دهد، این اساس، يك وقت يك عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است، والا مرتبه اول، حق مال خود ملت است.» (۱۳۵۸/۳/۲۵)

حضرت امام(ره) با صراحت ضمن مذمت هرگونه رفتار استبدادی و تأکید بر اینکه «اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم!» اعلام می‌دارند: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان يك چیزی را تحمیل بکنیم، بلکه ممکن است گاهی وقت‌ها ما يك تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضایی که خادم يك ملت از ملت می‌کند، لکن اساس این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است.» (۱۳۵۸/۸/۱۹)

این تعابیر به خوبی جایگاه رفیع مردم را در اندیشه حضرت امام(ره) نشان می‌دهد و حکایت از آن دارد که رأی نخبگان برتر از رأی ملت نیست و در نهایت این مردم هستند که باید برای سرنوشت خود تصمیم بگیرند!

#### ۴- چرا مردم از قدرت خود برای نظارت بر مسئولین کشور و از جمله

نمایندگان مجلس استفاده نمی‌کنند؟

ایفای نقش مردم در قدرت سیاسی وجوه مختلفی دارد و گاه مردم به صورت مستقیم، از طریق همه‌پرسی و گاه به صورت غیرمستقیم، از طریق انتخاب نمایندگان مجالس در قدرت سیاسی مشارکت و نقش ایفا می‌کنند؛ اما این ایفای نقش زمانی تکمیل می‌شود که مردم بتوانند بر قدرت سیاسی نیز نظارت کنند، هرچند نمایندگانی که انتخاب می‌کنند، از جانب آنان این وظیفه را انجام می‌دهند، اما این موضوع احساس حضور مردم در قدرت و نظارت بر آن را تماماً تکمیل نمی‌کند. مردم نیاز دارند در حوزه سیاست به صورت نسبتاً دائمی دیده شوند و احساس کنند نقش‌آفرینی آنها در قدرت سیاسی تنها به‌واسطه مکانیسم همه‌پرسی و انتخاب نماینده اعمال نمی‌شود. در اینجا کارکرد احزاب و گروه‌های سیاسی مشخص می‌شود. احزاب و گروه‌های سیاسی که با مجوز نهادهای قانونی در کشورها ایجاد می‌شوند گروهی از افراد با اصول و اهداف سیاسی مشخصی هستند و بر اساس این اصول و اهداف، بر قدرت سیاسی نظارت و خواسته‌های مردم را بازتعریف می‌کنند و آنها را به صاحبان قدرت انتقال می‌دهند.

احزاب و گروه‌های سیاسی قانونی با گسترش دفاتر خود در جامعه از مردم عضوگیری و آنان را صاحب نقش سیاسی می‌کنند. از طرف دیگر، هنگام انتخابات نیز بر اساس سازوکارهای درون حزبی خود نامزدهای انتخابات را معرفی و اعضای خود را در جهت گسترش مقبولیت نامزد مطرح شده در جامعه بسیج می‌کنند و مردم را به انتخابات و رأی به فرد مورد نظر دعوت می‌کنند. یکی از ابزارهای این نهادها مطبوعات وابسته به خود است که از آن طریق پیام خود را در افکار عمومی منتشر می‌کنند، از همین رو مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی نامیده‌اند.

به این ترتیب، حزب و گروه سیاسی سازوکار نسبتاً پایداری برای ایفای نقش سیاسی آحاد جامعه شمرده می‌شود و اگر مردم بخواهند فارغ از انتخابات و همه‌پرسی بر قدرت سیاسی، از جمله نمایندگان مجلس نظارت کنند، تنها از طریق فشار احزاب و گروه‌های سیاسی و مطبوعات وابسته به آنها این امکان فراهم است. این موضوع در حالی است که به سبب سابقه نه چندان مثبت احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران معاصر، به‌ویژه در دوران بعد از مشروطه، در جامعه کنونی ایران نیز احزاب و گروه‌های سیاسی در فرهنگ سیاسی مردم چندان جا باز نکرده‌اند و هنوز جامعه ایران از احزابی که بتوانند میان منافع ملی و سیاست‌های حاکمیت با خواست مردم ترکیب منطقی ایجاد کنند، برخوردار نیست. نکته دیگر اینکه یک حزب و گروه سیاسی زمانی می‌تواند هویت یابد که از منابع اقتصادی مشخص و غیردولتی برخوردار باشد؛ اما در جامعه ایران به سبب وابستگی اقتصاد به نفت و سایه سنگین اقتصاد دولتی، امکان شکل‌گیری بخش خصوصی قدرتمند چندان وجود ندارد و به تبع آن، منابع اقتصادی لازم برای شکل‌گیری احزاب و گروه‌های مستقل از قدرت چندان فراهم نیست.

بنابراین قدرت مردمی نمی‌تواند جز در مواقع انتخابات بر قدرت سیاسی و به‌ویژه نمایندگان مجلس نظارگر و اثرگذار باشد. البته با توجه به ایجاد سازوکارهای دموکراتیک بعد از انقلاب اسلامی و نداشتن تجربه طولانی‌مدت در این زمینه و در مقابل تجربه مدید زندگی جامعه ایران در نظام‌های استبدادی تا پیش از انقلاب اسلامی، باید گفت در همین وضعیت هم فرصت‌های مشارکت و نظارت مردم بر قدرت سیاسی بی‌سابقه

است. از سوی دیگر در شرایط کنونی، اولاً، اصل ضرورت حزب و گروه‌های میانجی پذیرفته شده است؛ ثانیاً، با تصویب قانون احزاب در سال ۱۳۹۵، ساختار سیاسی کشور فعالیت احزاب را در وضعیت مشروع‌تر و قانونی‌تری ساماندهی کرده است؛ بنابراین نهاد حزب و گروه‌های میانجی به تدریج در حال گسترش معقول و منطقی در کشور است. علاوه بر این موضوع، تجربه ایفای نقش سیاسی مردم از طریق پایگاه‌های مذهبی، همچون مساجد، هیئت‌های مذهبی و راه‌پیمایی‌ها که دستاورد دوران انقلاب اسلامی است، امکان اثرگذاری مردم ایران از این طریق بر قدرت سیاسی را نیز فراهم کرده است. اگر یک نماینده مجلس خود را فارغ از نظارت احزاب و گروه‌های میانجی، در ترویج منافع شخصی بر منافع ملی آسوده خاطر می‌بیند، مردم انقلابی از طریق پایگاه‌های مذهبی مذکور می‌توانند او را از این آسودگی بیرون آورند و خواسته‌ها و سوالات خود را مطرح کنند؛ به عبارت دیگر در جمهوری اسلامی، پایگاه‌های مذهبی می‌توانند کارکردی شبیه احزاب و گروه‌های میانجی داشته باشند، اما این موضوع نیز نیازمند ایجاد سازوکارهایی است تا این نهادها را به گروه‌های دارای نظم و ثبات سیاسی نزدیک کند و مردم کارکرد میانجی‌گرانه آنها میان خود و حاکمیت را احساس کنند. شکل دادن به این موضوع با دشواری‌هایی همراه است، اما در هر حال اگر نیروهای انقلابی در این زمینه به صورت جدی وارد عمل شوند، می‌توانند یک نهاد سیاسی مردمی با هدف میانجی‌گری میان جامعه و حاکمیت ایجاد کنند که چون در پایگاه‌های مذهبی ریشه دارد، به تبع آن ارزش‌ها و فضایل دینی و انقلابی در آن پررنگ خواهد بود و در نتیجه آسیب‌های نهاد حزب را، همچون نخبه‌گرایی یا مسلط شدن روابط و معاملات اقتصادی بر اهداف حزب، نخواهد داشت.

#### ۵- جایگاه نخبگان در انتخابات چیست؟ آیا مردم احتیاج به قیم دارند؟

یکی از مسائلی که مردم‌سالاری و حضور و حق انتخاب ملت را تهدید می‌کند، آرا و نظرانی است که به نوعی نخبه‌گرایی معتقد بوده و بر نقش پررنگ نخبگان در انتخابات و کم‌رنگ کردن رأی ملت تأکید دارد. این نگاه در طول چهار دهه اخیر با صورت‌های متنوعی خودنمایی کرده و گاه احزاب و گروه‌های سیاسی، به نحوی تلاش کرده‌اند تا انتخاب و نظر خود را بر مردم تحمیل کنند.

در این نگاه همه امور جامعه اسلامی باید به نخبگان سپرده شود و مردم تنها باید به منزله پشتیبان نظر ایشان در صحنه حضور داشته و آنان را در تصمیمات اتخاذ شده همراهی کنند؛ چرا که بدون همراهی ملت، تصمیمات نخبگان کارآیی لازم را نخواهد داشت و عملی نمی‌شود!

در این نظریه با نوعی بی‌اعتمادی به توده‌های مردم در تشخیص مسائل مواجه هستیم؛ به گونه‌ای که همه اختیارات تنها در اختیار نخبگان قرار دارد و مردم از هرگونه تشخیصی ناتوانند و کار را باید به کارشناس سپرد! این نظر به بهانه اجرای ایده‌آل همه انتخاب‌ها و اتخاذ «بهترین تصمیمات»، علاقه‌مند است که به تدریج همه امور را بر عهده کارشناسان و نخبگان جامعه سپرده و توده‌های ملت را منتظر تصمیم نخبگان قرار دهد تا بر تصمیم اتخاذ شده تأکید کنند. در این رویکرد به تدریج نخبگان به جای مردم قرار گرفته و نوعی ولایت بر آنان می‌یابند، به گونه‌ای که می‌توانند به جای آنها تصمیم بگیرند!

حضرت امام(ره) در عبارات فراوانی این نگاه «قیم‌آبانه» را در عرصه‌های گوناگون به نقد کشیده‌اند که مشهورترین آنها در آستانه انتخابات دور سوم مجلس شورای اسلامی بود. ایشان در عباراتی در نقد این نگاه قیمت‌آبانه که معتقد بود مردم باید به افرادی که جناح‌های سیاسی(به عنوان نخبگان و خبرگان سیاسی!) معرفی می‌کنند رأی دهند، چنین فرمودند: «همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به بیعت و این پیمان بزرگ و وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند.»(۱۳۱۷/۱/۱۱)

نکته مکمل آن است که رأی ارزش دارد که برآمده از علم و آگاهی باشد؛ از این رو هرچند افراد در دادن رأی مستقل هستند و به قیم نیاز ندارند، اما یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای انتخاب شایسته‌ترین و بهترین نامزدها، مشورت گرفتن از دانایان، متخصصان و نخبگان است. عقل سلیم حکم می‌کند که باب مشورت با نخبگان بسته نشود و انتخاب نهایی با راهنمایی ایشان انجام شود، هرچند این مشورت‌دهی سلب اختیار از صاحب رأی نخواهد کرد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در عباراتی به صراحت انتخابات مختلف را از اختیارات و حقوق مردم دانسته و تأکید می‌کند فرض و احتمال خطا و اشتباه موجب آن نمی‌شود که مردم را صاحب صلاحیت ندانسته و این حق را در اختیار نخبگان قرار دهیم: «اینجا هیچ‌کس- نه رهبری، نه دولت، نه منتفذین حزبی- به مردم ما امر و نهی نمی‌کند؛ مردم به قدر سعه اطلاعات خودشان تحقیق و مطالعه و مشورت می‌کنند و فرد مورد نظرشان را برمی‌گزینند. ممکن است آنچه آخر سر به نظرشان می‌رسد، درست هم نباشد- اشتباه باشد- اما خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند و اگر این کار را برای خدا و حاکمیت ارزش‌های الهی بکنند، اجر و افری هم پیش خدای متعال دارند؛ این خیلی اهمیت دارد.»(۱۳۸۴/۳/۲۵)

۶- آیا در جمهوری اسلامی، دخالت در سیاست مختص قشر خاصی است

و روحانیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؟

نظام اسلامی نظامی طبقاتی و متعلق به قشر خاصی نیست که در آن به عنوان مثال روحانیت از جایگاه ممتازی برخوردار باشد. سیاست و سیاست ورزی هرچند کاری تخصصی است که هر که بیشتر تلاش علمی کرده باشد، با آگاهی و بصیرت و دقت بیشتری تشخیص و تصمیم خواهد گرفت، اما امری عمومی و متعلق به همه اقشار جامعه بوده و ممنوعیت و انحصاری در آن وجود ندارد. این سخن مستند به رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی است. حضرت امام(ره) در عباراتی حکیمانه در برابر جریان انحرافی که در آستانه انتخابات دوم مجلس مدعی شده بود از آنجا که در اسلام سیاست امری تخصصی است تنها اسلام‌شناسان باید در آن دخالت کرده و دیگران باید از آنها تبعیت کنند، چنین هشدار می‌دهند:

«از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده‌اند،

حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است، اینکه می‌گویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاسی هم حق مجتهدین است هر دویش غلط است. انتخابات سرنوشت يك ملت را دارد تعیین می‌کند، انتخابات بر فرض اینکه سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی‌شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند، این معنی دارد که مثلاً يك دویست تا مجتهد در قم داشتیم و يك صد تا مجتهد در جاهای دیگر داشتیم، اینها هم بیایند انتخاب کنند، دیگر مردم بروند کنار؟! ... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همانطوری که يك مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، يك دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند. فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه‌ای و اینها نیست، همه‌شان با هم هستند. اینکه در دانشگاه رفتند و يك همچو مطلبی را گفتند، این يك توطئه‌ای است برای اینکه شما جوان‌ها را مایوس کنند.» (۱۳۶۲/۱۲/۹)

#### ۷- آیا شرکت در انتخابات اجباری است یا اختیاری؟

یکی از مهم‌ترین سطوح مشارکت سیاسی، حضور در «انتخابات» است. در انتخابات با موضوعی به نام «رای» و «رای‌گیری» مواجه هستیم که خود نیازمند بررسی و تفسیر است. در نظام اندیشه‌ای غرب درباره ماهیت رای، دو دیدگاه اصلی را می‌توان مورد توجه قرار داد. دیدگاه اول رای دادن را حق افراد می‌داند و دیدگاه دیگر آن را یک عمل اجتماعی و یک تکلیف برای افراد اجتماع معرفی می‌کند.

نظریه اول مبتنی بر نظریه «حاکمیت تقسیم شده» است. توضیح آنکه اگر حاکمیت مردم، حاصل جمع سهم حاکمیت هر شهروند باشد، پس صاحب سهم حاکمیت، یعنی شهروند حق دارد که در سازماندهی حکومت و صورت‌بندی اقتدار عالی سیاسی همکاری و مشارکت کند. اگر این همکاری و این مشارکت از راه انتخابات تحقق یابد، پس هر شهروند حق دارد رای بدهد و هیچ مقامی نباید این حق را از او بگیرد. از سوی دیگر چون رای دادن متعلق به فرد است، وی مخیر است از آن استفاده کند یا خیر.

نظریه دوم ناشی از اندیشه «حاکمیت ملی» است. ملت کلیتی است تقسیم‌ناپذیر و حاکمیت متعلق به این کلیت یعنی ملت است نه شهروندانی که جزء عوامل سازنده آن هستند. اگر قدرت انتخاب کردن به یکایک شهروندان سپرده شده باشد نه از باب این است که خود اصالتاً صاحب این حق هستند، بلکه با انجام یک عمل در گزینش کارگزاران حکومتی شرکت می‌جویند. در واقع شهروندان با رای دادن وظیفه اجتماعی خود را انجام می‌دهند. بنابراین اگر منافع جامعه ایجاب کند، می‌توان رای دادن را به مثابه تکلیف صرف اجتماعی الزامی کرد و امتناع از آن را ممنوع و حتی مجازات برای آن در نظر گرفت.

در برخی از کشورهای جهان، شرکت در انتخابات اجباری است که در این زمینه می‌توان به کشورهای چون انگلیس، هلند، بلژیک، استرالیا، ایتالیا، سوئیس، اتریش، یونان، ترکیه، برزیل، آرژانتین و لوکزامبورگ اشاره کرد. در انگلیس مردم موظفند در رای‌گیری شرکت کنند؛ در غیر اینصورت جریمه نقدی خواهند شد. انتخابات در کشور استرالیا نیز اجباری است، به این معنا که اگر فردی واجد شرایط بدون دلیل موجه در انتخابات شرکت نکند، با جریمه نقدی مواجه می‌شود. در ایتالیا بر روی شناسنامه کسانی

که رأی ندهند، مهر «رأی نداده» می‌زنند که گاه مشکلاتی برای استخدام دولتی آنها یا بهره‌برداری از مزایای دولتی ایجاد می‌کند.

در کشورهای چون بلژیک، در صورتی که شهروندشان به شکل مستمر در انتخابات شرکت نکند، ممکن است با لغو بعضی از حقوق مدنی خود - همچون حق رأی - مواجه شود. سنگاپور نیز در صورتی که شهروندش در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نداشته باشد، حق رأی وی را باطل کرده و تنها با ارائه دلیل قانونی این حق را بار دیگر به وی خواهد داد. یونان و پرو در زمینه مجازات سختگیری بیشتر کرده و محصولات و خدماتی را که دستگاه‌های عمومی این کشور به مردم ارائه می‌کنند، برای شهروندانی که در رأی‌گیری شرکت نکنند قطع می‌کنند (همچون دریافت گواهی‌نامه رانندگی و روادید). برزیل نیز حق دادن روادید را به شهروندانی که در انتخابات شرکت نداشته باشند، نمی‌دهد. کشور بولیوی هم با ممنوعیت خارج کردن پول از حساب بانکی افراد، مردمی را که در انتخابات شرکت نداشته باشند، مجازات می‌کند.

در این کشورها این ایده وجود دارد که اگر منافع جامعه ایجاب کند که شهروندان باید در انتخابات شرکت کنند لازم است شرکت کنند و در صورتی که به این الزام عمل نکنند، مجازات می‌شوند. بر اساس این، افراد در هر صورت باید به تکلیف اجتماعی خود عمل کنند و در انتخابات شرکت کنند نه اینکه با استدلال‌هایی از قبیل اینکه با رأی دادن آنها چیزی تغییر نمی‌کند، از شرکت در انتخابات سر باز زنند. در نتیجه به این وسیله اطمینان حاصل می‌شود که اکثریت مردم در تشکیل نهادهای انتخابی نقش داشته‌اند.

در جمهوری اسلامی شرکت در انتخابات اختیاری و از حقوق عموم مردم می‌باشد.

#### ۸- انتخابات حق است یا تکلیف؟

در نظام سیاسی اسلام از مشارکت سیاسی به عنوان حق و تکلیف مردم یاد شده است. طبق تعابیر بزرگان، انتخاب کردن و رأی دادن هم به منزله يك حق برای مردم معرفی شده و هم به منزله يك تکلیف شرعی در ردیف دیگر تکلیف شرعی و شاید بالاتر از برخی تکلیف دیگر یاد شده است.

در نگاه اسلامی منشأ همه حقوق خداوند است و اوست که نظام حقوق و تکالیف را برای زندگی بشر تعریف کرده و از طریق فطرت و ارسال شریعت نبوی در اختیار بشریت قرار داده است. یکی از این حقوق، «حق تعیین سرنوشت» است که در نظام سیاسی اسلام به مثابه یکی از ارکان مهم شکل‌گیری حکومت اسلامی محوریت دارد. از آنجا که در اسلام رأی و انتخاب ملت در عرصه نصب کارگزاران حکومت اسلامی اعتبار دارد، ملت حق دارند در انتخابات حاضر شده و به نامزد مورد علاقه خود رأی دهند. هیچ کس نیز در جایگاهی نیست که بتواند مانع تحقق این حق شود. به واقع آنچه در نظام‌های غربی مبتنی بر منشأیی خیالی، چون «قرارداد اجتماعی» شکل گرفته است، در اسلام اساس و بنیانی محکم داشته و مستظهر به آموزه‌های الهی است.

از سوی دیگر، بر مشارکت سیاسی فعال در جامعه که مصداق بارز آن حضور در عرصه انتخابات است، به منزله یک ضرورت شرعی و تکلیف الهی تأکید شده است، چرا که اولاً، نظام سیاسی اسلام بدون حضور ملت در صحنه معنا نمی‌یابد و ثانیاً، این حضور موجب حفظ و تقویت نظام اسلامی که به فرموده حضرت امام حفظ آن از اهم واجبات است، شده و آن را در برابر تهدیدات مختلف مصون می‌کند.



امام خامنه‌ای به این حقیقت چنین اشاره دارند: «هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به‌دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذاران‌شان را در قوه مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این‌طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حق استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته به احقاق و استنفاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند.» (۱۳۷۸/۱۱/۲۶)

در به کارگیری تعبیر تکلیف نکته دیگری نیز نهفته است و آن، اینکه عمل به تکلیف مستلزم رعایت چارچوبی است و با رعایت اصول و قواعد معنا می‌یابد؛ از این‌رو مکلف باید ضمن آشنایی با الزامات تکلیف مورد نظر، کار را به بهترین نحو به ثمر رساند. در نگاه تکلیف‌مدارانه حضور در انتخابات، فرد باید به اصول دیگری نیز توجه کند که از آن جمله می‌توان به اصل شایسته‌سالاری و انتخاب کاندیدای اصلح اشاره کرد. به تعبیر رهبری: «همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است.» (۱۳۷۶/۲/۳۱)

به واقع با نگاه تکلیف‌مدارانه به انتخابات، رأی و گزینش ملت با توصیه‌ها و رهنمودهای دینی در مسیری صحیح و کم اشتباه قرار گرفته و این «حق انتخاب» با رهنمودهای الهی بارور شده و به سوی کمال و شایسته‌گزینی سوق می‌یابد.

#### ۹- آیا تحت هر شرایطی در انتخابات باید شرکت کرد!

مهم‌ترین مؤلفه اقتدار ملی جمهوری اسلامی که تا به امروز توانسته این نظام مقدس را در برابر تهدیدات و نیرنگ‌های اردوگاه سلطه و استکبار جهانی مقاوم و استوار نگه دارد، دو مؤلفه «نصرت الهی» و «مقبولیت مردمی» آن بوده است (ایدک بنصره و بالمؤمنین). مقبولیت و مستظهر بودن به حمایت ملت که سنت الهی تجلی حمایت الهی نیز هست، همان سلاح برنده‌ای است که تا به امروز دشمنان بیگانه را ناامید و خشمگین کرده است.

دشمن نیز با شناخت این پشتوانه عظیم انقلاب اسلامی از همان روز اول تلاش کرد تا صفوف متحد ملت را از پشتیبانی جمهوری اسلامی خارج کرده و آنگاه درصدد نابودی نظام برآید، فرایندی که با نصرت الهی و بصیرت ملت تا به امروز در همان گام اول ناکام مانده است. تلاش برای کمرنگ نشان دادن حضور ملت در راهپیمایی‌های بزرگ روز قدس و ۲۲ بهمن، تلاش برای بزرگنمایی برخی نارضایتی‌های طبیعی مردم ناشی از وجود برخی کمبودها و سوءمدیریت‌ها، تلاش برای بی‌ثمر بودن شرکت در انتخابات، تلاش برای پر هزینه نشان دادن حمایت ملت از جمهوری اسلامی و ایستادگی در برابر دشمن، بخشی از تاکتیک‌های رسانه‌ای و تبلیغات استکبار جهانی است که در طول چهار دهه اخیر به کار گرفته شده و ناکام مانده است.

تلاش برای کمرنگ کردن حضور مردم در پای صندوق‌های رأی را می‌توان مهم‌ترین اقدام دشمن برای بی‌پشتوانه کردن نظام اسلامی در طول این دوران دانست که در تمامی انتخابات برگزار شده به طور مستمر پیگیری شده است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی - حضرت امام خمینی (ره) - در طول عمر پربرکت خود همواره به اهمیت حضور ملت در پای صندوق‌های رأی برای ناکام گذاشتن سناریوی دشمن در این زمینه تأکید ورزیده‌اند.

ایشان در آستانه مجلس دوم خطاب به ملت می‌فرمایند: «از خارج چشم دوخته‌اند به اینکه این انتخابات درست نشود. اعلامیه‌ها، و... که مردم شرکت نکنید، و شرکت کردند الحمدلله... فرضاً که ما بد باشیم اما اسلام که خوب است، اسلام را که قبول دارند همه، این يك وظیفه اسلامی است که ما حفظ کنیم جمهوری اسلامی را. اگر مجلس لطمه‌ای بر آن وارد بشود به جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌شود.» (۱۳۶۳/۲/۲۵)

بنیانگذار انقلاب در ادامه نتیجه حضور حداکثری را «شکل‌گیری مجلس مقتدری» دانسته که «می‌تواند با دنیا که در مقابل ایران واقع شده است کارهایش را به شایستگی عمل بکند.»

حضرت روح‌الله (ره) در انتخابات دور سوم نیز با تأکید بر تأثیر مشارکت حداکثری بر شکست برنامه‌های دشمن می‌فرماید: «از هم اکنون هم باید مطمئن باشیم رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخن‌ها خواهند گفت و با تحلیل‌های موزیانه و القانات توأم با تهدید و ارباب تلاش خواهند نمود ذهن‌ها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آنکه امت اسلامی ایران سال‌هاست نشان داده‌اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها می‌ایستند و به یاری خداوند متعال، ملت شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می‌کنند و مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوق‌ها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود و اینجانب تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم.» (۱۳۶۷/۱/۱۱)

این تذکرات به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند که شرکت در انتخابات فریضه عینی است که به هیچ وجه نباید نسبت به آن کوتاهی کرد و بستر را برای بهره‌برداری دشمن فراهم آورد و به بهانه‌های کم اهمیت از حضور در انتخابات طفره رفت و سرنوشت کشور و ملت را در ابهام گذاشت.

## ۱۰- آیا کاهش مشارکت و نیامدن مردم پای صندوق رای به معنای مخالفت

### با جمهوری اسلامی است؟

معمولاً دشمن با مصادره به مطلوب میزان عدم مشارکت، مدعی است همه آنها که پای صندوق‌های رای حاضر نشده‌اند، از مخالفان نظامند! این در حالی است که افراد معمولاً به علل متعدد رفتار مشابهی را از خود نشان می‌دهند که با دقت نظر می‌توان آنها را واکاوی کرد. در انتخابات نیز علل متعددی سبب می‌شود که بخشی از جامعه در پای صندوق رای حاضر نشوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی با نکته‌سنجی تمام در جمع دانشجویان این مسئله را واکاوی کرده و چنین اشاره می‌کنند:

«نه اینکه اگر عده زیادی شرکت نکردند، اینها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به هیچ وجه اینطوری نیست. آنهایی که به‌خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی‌اند. يك عده به‌خاطر بی‌حالی نمی‌آیند؛ يك عده به خاطر بی‌حوصلگی نمی‌آیند؛ يك عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ اینها را شما راه ببندازید. و آلا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دل‌شان برای بیگانگان و نفوذ آنها پر می‌زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی‌اند.» (۱۳۸۴/۳/۵)

برای شناخت این موانع بد نیست تا برای این پرسش که «چرا یک شهروند در روز انتخابات به پای صندوق رای حاضر نمی‌شود؟» پاسخی درخور بیابیم. در اینجا می‌توان

گفت، در مجموع سه دسته علت برای حضور نیافتن افراد در پای صندوق‌های رأی می‌توان در نظر گرفت که توجه به آنها می‌تواند رمز عبور از موانع مشارکت حداکثری باشد. این عوامل را می‌توان به ترتیب چنین برشمرد: ۱- ناآگاهی، ۲- بی‌اعتمادی، ۳- نارضایتی.

۱- اولین مانعی که موجب می‌شود فرد با بی‌حوصلگی و تنبلی از حضور در پای صندوق رأی طفره رود، ناآگاهی است. بخشی از افراد جامعه آنقدر از جایگاه اجتماعی خود بی‌اطلاعتند که نمی‌دانند تأمین بخش قابل توجهی از حقوق خود با مشارکت در امور سیاسی، از جمله انتخابات حاصل می‌شود. گاه فرد اطلاعاتی از این جایگاه دارد، ولی این آگاهی تا آن حد نیست که فرد را به اقدام وادار کند.

۲- دسته دیگری از افراد جامعه کسانی هستند که نسبت به اهمیت مشارکت سیاسی و حضور در انتخابات آگاهند، اما به دلیل «بی‌اعتمادی» حاضر نیستند در رأی‌گیری شرکت کنند. منشأ این بی‌اعتمادی را می‌توان در تجربیات تلخ فردی، برخی حوادث در انتخابات گذشته و القانات و شبهه‌افکنی‌های دشمنان نظام اسلامی دانست که ذهن افراد را تحت تأثیر قرار داده و اراده آنان برای حضور در انتخابات را سست می‌کنند. تلاش‌های رسانه‌های دشمنان انقلاب اسلامی در قالب طرح ادعای تقلب، رقابتی نبودن، نمایشی بودن، فرمایشی بودن، مهندسی شده بودن آرا و...، از جمله ترفندهایی است که اذهان عمومی را نشانه رفته است. اوج این سناریوی تبلیغاتی را می‌توان در قالب کودتای مخملین سال ۸۸ مشاهده کرد که چطور «ادعای تقلب» به «رمز آشوب» فتنه‌گران مبدل شد.

۳- بخش دیگری از کسانی که در روز انتخابات به پای صندوق‌های رأی نمی‌آیند، آنهایی نیستند که بی‌اطلاع بوده یا تحت تأثیر القانات بی‌اعتماد شده باشند؛ بلکه کسانی هستند که به دلیل مشکلات متنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که وجود بخشی از آن طبیعی و بخشی دیگر به دلیل سوءمدیریت‌هاست، حاضر نیستند پای صندوق‌های رأی بروند. فشارهای اقتصادی، بروکراسی تنبل و اذیت‌کننده ادارات، وجود بیکاری و معضلات این چنینی آنان را در صف عدم رأی‌دهندگان قرار داده است.

دقت در کالبدشکافی فوق به خوبی نشان می‌دهد، هر سه طیفی که به دلایل مطروحه ممکن است در پای صندوق‌های رأی حاضر نشوند، جزء همین ملت و از معتقدان و هواداران نظام اسلامی هستند که عواملی ثانوی ممکن است موجب حضور نیافتن ایشان در پای صندوق‌های رأی شود.

البته اقلیتی نیز ممکن است یافت شود که با اصل نظام اسلامی مخالف بوده و در صف معاندان نظام قرار می‌گیرند. کسانی که آمال و آرزوهای خود را در وابستگی به استکبار جهانی و شکل‌گیری نظام‌های سیاسی سکولار غربی دنبال می‌کنند و هر نوع تلاش برای همراهم‌سازی آنها جز صرف هزینه، نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

## ۱۱- راه افزایش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات چیست؟

برای مقابله با ناآگاهی، بی‌اعتمادی و نارضایتی به مثابه عوامل اصلی نداشتن مشارکت سیاسی، باید آگاه‌سازی، اعتمادسازی و رضایتمندسازی را در پیش گرفت.

۱- آگاه‌سازی: راه مساعد برای حضور افراد ناآگاه در پای صندوق رأی، «آگاه‌سازی» است. شرح اهمیت جایگاه مجلس شورای اسلامی در نظام تصمیم‌گیری کشور، شرح

اهمیت حضور و مشارکت حداکثری در پای صندوق‌های رأی، شرح میزان تأثیرگذاری رأی تکتک افراد در انتخابات مجلس و اینکه گاه یک رأی می‌تواند سرنوشت انتخاباتی را دگرگون کند، شرح ابعاد شرعی ضرورت حضور در انتخابات، شرح وضعیت حساس کشور در مواجهه با استکبار جهانی در آستانه انتخابات مجلس و نقشی که مشارکت حداکثری می‌تواند در شکست نقشه‌های شوم دشمن داشته باشد، تبیین نقش مشارکت حداکثری در افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی، بخشی از آگاهی‌هایی است که می‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

وظیفه اصلی آگاه‌سازی در این زمینه بر عهده اصحاب رسانه است که در رأس آن صاحبان منبر و تریبون، مطبوعات، پایگاه‌های خبری و رسانه ملی قرار دارند که انتظار می‌رود با انجام وظیفه قانونی خود در این زمینه مثمر ثمر باشند.

**۲- اعتمادسازی:** راه مقابله با معضل دوم، اعتمادسازی است. اعتمادسازی هم از طریق ارائه پاسخ‌های اقناعی و مستدل حاصل می‌آید که این امر بر عهده رسانه‌های عمومی و تریبون‌های مختلف است و هم اینکه در اعتمادسازی گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و ذی‌نفوذ در میان توده‌های ملت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، چرا که در بیشتر مواقع فرد بی‌اعتماد از این گروه‌های مرجع حرف‌شنوی دارد.

ضمن آنکه برای اعتمادسازی نهادهای قانونی متولی برگزاری انتخابات نیز باید ضمن شفاف‌سازی و پاسخگویی به شبهات احتمالی مطروحه، با حساسیت کامل از هر اقدامی که به ترویج شایعات کمک می‌رساند، پرهیز کنند.

**۳- رضایتمندسازی:** برای کسب رضایت افراد جامعه و رفع کدورت‌های ایجاد شده، بیش از هر کس مسئولان و دستگاه‌های اجرایی وظیفه دارند که با اصلاح رفتار و ارائه پاسخ و عذرخواهی از سوءمدیریت‌ها و تلاش برای جبران کاستی‌ها به منظور کسب رضایت تلاش کنند. ضمن آنکه معتمدان ملت و کارشناسان متخصص نیز وظیفه دارند با توجیه این بخش از جامعه، این مهم را برای افراد جا بیندازند که اتفاقاً راه صحیح حل معضلات موجود مشارکت سیاسی و تلاش برای انتخاب کاندیدای اصلح و کنار گذاشتن ناکارآمدان است نه قهر با صندوق‌های رأی!

# اهمیت و کارکرد انتخابات

## ۱۲- انتخابات دارای چه فایده و کارکردی است؟

انتخابات در نظام مردمسالار کارکردهای ممتازی دارد که اهمیت انتخابات و ضرورت توجه به آن را بیش از پیش آشکار می‌کند. در مروری سطحی به مسئله می‌توان موارد زیر را به منزله اهم کارکردهای انتخابات برشمرد:

۱ - انتخابات عالی‌ترین مظهر حضور مردم در عرصه سیاسی و مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت مردم است. نظام مردمسالار نظام حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، نظام داشتن حکومتی برخاسته از مردم و پاسخگو در برابر مردم است.

۲ - انتخابات فرصتی است برای مردم که نظر خودشان را نسبت به شیوه حکومت و مدیریت یک دولت ابراز کنند و اگر نسبت به آن نارضایتی داشته باشند، کسی یا گروهی دیگر را که مناسب‌تر و با کفایت‌تر می‌شناسند، جایگزین کنند. بدین وسیله سیستم سیاسی رو به اصلاح و بهبودی و تکامل تدریجی پیش می‌رود.

۳ - یکی از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند کردن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. فقدان قاعده‌ای برای انتقال و توزیع قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه، مصائب سیاسی گوناگونی به دنبال می‌آورد. انتخابات به گروه‌هایی که برای تصاحب قدرت سیاسی رقابت می‌کنند، تضمین می‌دهد که بهترین راه و شیوه کسب قدرت، حضور در انتخابات است. کسب قدرت از راه انتخابات ضمن دارا

بودن مشروعیت لازم از سوی مردم، مسالمت‌آمیزترین شیوه در رسیدن به اریکه قدرت است.

۴ - انتخابات زمینه‌های لازم برای چرخش نخبگان و دگرگونی در بخش‌هایی از گروه حاکمه را به طور مستمر فراهم می‌کند. در یک نظام مردم‌سالار قدرت در چرخش است و به طور مداوم دست به دست شده و هیچ کس برای همیشه از دستیابی به قدرت محروم نمی‌شود.

۵ - برگزاری انتخابات مشارکت‌آمیز و رقابتی، احساس مسئولیت نظام در مقابل خواست‌های جامعه را افزایش می‌دهد.

۶ - انتخابات و فضای شور رقابتی پیش از آن موجب افزایش آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی ملت شده و فضای مناظرات و میتینگ‌های تبلیغاتی نامزدها، زمینه آگاهی مردم از وضعیت کشور در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد.

۷ - سازماندهی انتخابات واقعی با افزایش مشارکت و گسترش رقابت سیاسی بین گروه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، بستری مناسب برای رقابت تشکل‌های موجود در جامعه به وجود می‌آورد و حتی شرایط و زمینه‌های لازم برای ظهور گروه‌های جدید سیاسی - اجتماعی فراهم می‌شود. بر اساس این، انتخابات به منزله عرصه مبارزه در رقابت گروه‌ها با بسط علایق سیاسی در بین آحاد مردم، آنها را با حقوق سیاسی خودشان آشنا کرده و باور شهروندان را به رعایت ارزش‌های مردم‌سالارانه تقویت می‌کند. از سوی دیگر، رقابت مسالمت‌آمیز بین گروه‌های سیاسی را برای تصاحب قدرت نهادینه کرده و موجب تقویت آنها می‌شود.

۸ - در نهایت مهم‌ترین کارکرد ویژه انتخابات و مشارکت سیاسی مردم، خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمنان است که در عین حال موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت ملی کشور شده و پیامدهای مثبت منطقه‌ای و بین‌المللی برای هر نظام سیاسی خواهد داشت.

### ۱۳- مهمترین دستاورد شرکت در انتخابات چیست؟

آنچه به عنوان محور کلیدی بحث انتخابات می‌توان مورد توجه قرار گیرد، مسئله «کارآمدی» است. کارآمدی تا آنجا در مسئله مدیریت کشور اهمیت دارد که می‌توان شاخصه‌ای برای مشروعیت داشتن یا مشروعیت نداشتن کارگزاران در نظام اسلامی قرار گیرد. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره نسبت بین کارآمدی و مشروعیت می‌فرماید: «مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسنونان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند.» (۱۳۸۳/۶/۳۱)

از یک منظر می‌توان گفت، همه ملاک‌ها و معیارهایی که برای انتخاب کارگزاران نظام اسلامی مشخص شده، معطوف به کارآمدی است؛ یعنی وجود ملاک‌ها و معیارها حتی در حاکم اسلامی نیز لازمه رسیدن به اهداف حکومت اسلامی است. وگرنه خداوند متعال در

این فکر نبوده است که برای افراد یا تباری خاص یا طبقه خاص، شائیتی متمایز از دیگران قائل شده و دیگران را به تبعیت از ایشان سوق دهد؛ چرا که در بحث حکومت اسلامی، مسئله اصلی، پذیرش مسئولیت است؛ مسئولیتی که قرار است کاری را به انجام رساند که همانا تحقق اهداف حکومت دینی باشد؛ وگرنه ذات مسئولیت در نظام اسلامی برای فرد مسئول، جایگاه و شأن خاصی به همراه ندارد؛ به همین دلیل حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «اینجا صحبت از مقام نیست بلکه صحبت از وظیفه است.» معظله بر این باور هستند: «اگر مردم، کارآمدی را در مسئولان کشور مشاهده کنند، اعتقادشان به آنها و به نظام اسلامی و اسلام روزبه‌روز بیشتر خواهد شد.» (۱۳۸۱/۱۲/۱۳)

ایشان تأکید دارند: «آنچه که برای مردم در این انتخابات و همه گزینش‌های ملی و انتخابات‌ها مهم است، این است که سطح کارآمدی نظام روزبه‌روز ارتقا پیدا کند؛ این اساس مسئله است. اگر مردم دنبال رئیس‌جمهور یا دنبال نماینده مجلس می‌گردند یا دنبال دیگر کسانی هستند که می‌خواهند آنها را با انتخاب تعیین کنند، در پی آن هستند که انسان‌های کارآمدی را بر اریکه مسئولیت بنشانند تا آنها بتوانند سطح کارآمدی نظام را افزایش بدهند و مشکلات مادی و معنوی مردم را حل کنند؛ این خواست مردم است. حالا گروه‌ها و احزاب و عناصر سیاسی هم هر کدام نقطه‌نظرهایی دارند؛ آن نقطه‌نظرات برای خودشان است. مردم می‌خواهند کسانی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرند که دلسوز، با کفایت و کارآمد باشند. بحمدالله امروز کارهای زیادی شده؛ زیربنای مهمی از کشور آماده بهره‌برداری شده است. بازوان قوی و باکفایت یک مسئول مؤمن و وفادار به آرمان‌های انقلاب، که آرمان‌های مردم است، خواهد توانست بسیاری از گره‌ها را باز کند؛ مردم دنبال این هستند.» (۱۳۸۳/۸/۲۴)

در نتیجه کارآمدسازی نظام جمهوری اسلامی را می‌توان مهمترین دستاورد انتخابات دانست. انتخاباتی که در آن رای دهندگان با آگاهی کامل و مبتنی بر فهم صحیحی از شرایط و نیازها و اولویت‌های کشور، به نامزدهایی رای دهند که شایسته‌ترین افراد برای تصدی قدرت در قوه مقننه باشند. لذا بنظر می‌رسد به جای توجه به مولفه‌های فرعی و بزرگنمایی برخی شاخصه‌های ثانوی و برای تعیین مجلسی که در دهه پنجم انقلاب اسلامی با وجود مشکلات متعدد و دشمنی‌های فراوان، راه دشواری را در پیش رو دارد، بیش از پیش به تشکیل مجلسی کارآمد با حضور نمایندگان باتجربه و کارآمد نیازمندیم و باید مراقب بود با شعار زدگی، کسانی را به مجلس نفرستیم که از توانایی لازم برای انجام امور نمایندگی در حد کافی برخوردار نیستند.

۱۴- در نگاه حضرت امام خمینی(ره) شرکت در انتخابات از چه اهمیتی

برخوردار است؟

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) همواره در پیام‌ها و سخنرانی‌هایشان بر اهمیت انتخابات و ضرورت مشارکت حداکثری ملت در انتخابات تأکید داشتند.

ایشان در باره اهمیت شرکت مردم در انتخابات می‌فرمایند: «این وظیفه‌ای است الهی، وظیفه‌ای است ملی، وظیفه‌ای است انسانی، وظیفه‌ای است که ما باید به آن عمل بکنیم، همه‌مان باید در انتخابات شرکت بکنیم.» (۶۲/۱۲/۱۴)

امام خمینی (ره) درباره لزوم بالا بودن سطح مشارکت مردم می‌فرماید: «شما چنانچه سطح رای‌تان از زمان سابق خدای نخواستہ کمتر بشود، بوق‌های تبلیغاتی خارج و شکست خورده‌های فراری به خارج خواهند گفت که ایران از اسلام رو برگردانده و از جمهوری اسلامی رویبر گردانده است» (۶۰/۷/۷)

آن حضرت همبستگی میان مردم را عامل اصلی خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان در داخل و خارج می‌دانستند، لذا به دعوت همه اقشار ملت برای حضور در پای صندوق‌های رای پرداخته و می‌فرماید: «عزیزان من! که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید، و به صندوق‌ها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید و با کمال آرامش و مراعات کامل اخلاق انسانی - اسلامی، این امر مشروع را انجام دهید.» (۵۸/۱۲/۲۱)

حضرت امام (ره) به عنوان مرجه عالیقدر شیعه هشدار می‌دهند: «اگر خدای نخواستہ پر اسلام یا کشور اسلامی از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسنول خواهیم بود و نسل‌های آینده که ممکن است از کنارگیری‌های کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند ما را نبخشند. یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور حضور در حوزه‌های انتخابیه و رای دادن به نمایندگان صالح و کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد و مجلس محتاج به متخصصین رشته‌های مختلفی است که کشور احتیاج به آنها دارد.» (۶۲/۱۱/۲۲)

۱۵- رهبر معظم انقلاب تاکید فراوانی بر حضور در انتخابات دارند. از نگاه

ایشان برگزاری انتخابات پرشور چه دستاوردی برای کشور خواهد داشت؟

انتخابات یکی از نمادهای حاکمیت مردم در یک نظام سیاسی است. حضور و مشارکت بالای مردم در انتخابات گوناگون نماد رضایت آنها از حاکمیت و توانایی کارگزاران در مدیریت و اداره کشور است. افزایش رضایت و مشروعیت مردمی نظام سیاسی، اعتبار بین‌المللی را برای کشور به همراه داشته و نظام را در مواجهه با تهدیدات و زیاده‌خواهی‌های دشمنان توانا می‌کند. از سویی دیگر اعتماد به نفس و شجاعت مسنولان را برای تحقق برنامه‌ها و پیشبرد برنامه‌های توسعه بالا برده، آنان را در برنامه‌ریزی و تلاش همه‌جانبه برای ساختن کشور مصمم می‌کند.

با مروری بر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی برخی از دستاوردهای برگزاری باشکوه انتخابات ریاست‌جمهوری را به شرح زیر می‌توان بررسی کرد:

۱- تجلی تأثیرگذاری مردم در سرنوشت اجتماعی: «انتخابات جلوه بسیار زیبا و جذاب مشارکت عمومی است؛ مؤثرترین وسیله برای این است که هر فردی بتواند آرمان‌ها و خواست‌ها و مطلوب خود را در قالب اجرایی قرار دهد و آن را به تحقق نزدیک کند. اگر کسی را طبق آرمان‌ها و آرزوهای خودتان انتخاب کردید، این امکان که آن آرزوها تحقق پیدا کند، به واقعیت نزدیک می‌شود. کسی که فکر می‌کنید برای تحقق خواست‌ها و آرزوها و گشودن گره‌های مهمی که برای شما در زندگی مطرح است، مناسب و شایسته است، وقتی او را انتخاب کردید، در واقع بلندترین قدم را برداشته‌اید، برای اینکه این مشکلات از بین برود.» (۱۳۸۴/۲/۱۱)



۲ - نماد حاکمیت اسلام در کشور: «انتخابات از جهت دیگر هم مهم است، و آن این است که انتخابات نماد حرکت اسلامی در کشور ماست. انتخابات، هدیه اسلام به ملت ماست. امام بزرگوار ما حکومت اسلامی به روش انتخاباتی را به ما یاد داد. حکومت اسلامی در ذهن‌ها و خاطره‌ها به شکل خلافت‌های موروثی به یادگار مانده بود؛ خیال می‌کردند حکومت اسلامی یعنی مثل خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس یا خلافت ترکان عثمانی؛ یک نفر با نام و شکل ظاهری خلیفه، اما با باطن و عمل فرعون و پادشاهان مستبد؛ بعد هم که از دنیا می‌رود، یک نفر را به جای خود معین کند. در ذهن مردم دنیا، حکومت اسلامی به این شکل تصویر می‌شد؛ که بزرگترین اهانت به اسلام و حکومت اسلامی بود. امام، حکومت اسلامی به روش انتخابات مردم و حضور مردم و تعیین منتخب مردم را - که لب اسلام است - بار دیگر برای مردم ما معنا کرد و در جامعه ما تحقق بخشید.» (۱۳۸۴/۳/۱۴)

۳ - ایجاد مصونیت و اقتدار: «انتخابات می‌تواند برای کشور و ملت ما یک وسیله مصونیت و یک نمودار اقتدار باشد و ملت و نظام اجرایی کشور را در مقابله با چالش‌های گوناگون جهانی، از گذشته مستحکم‌تر کند. انتخابات می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را جوان‌تر از آنچه هست، بکند. انتخابات پرشور از سوی مردم می‌تواند روز نویی را برای آنها رقم بزند. انتخابات، هم در صحنه خارجی و در مقابل چشم بیگانگان، هم در صحنه داخلی، و هم برای پیشرفت کشور، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویدادهاست.» (۱۳۸۴/۲/۱۱)

۴ - ابطال‌کننده ترفندهای دشمنان انقلاب اسلامی: «کسانی که با نظام جمهوری اسلامی و با هویت اسلامی ملت ایران به شدت مخالفند و آن را بر خلاف منافع خودشان می‌دانند، به خاطر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، درمانده‌اند؛ و الا قدرت‌های مادی دنیا بمب اتم و توپ و تانک و اراده‌های خبیث و خدانشناسی و بی‌رحمی و سنگلی کم ندارند. آن چیزی که تا امروز مثل سدی جلوی تعرض آنها را به نظام جمهوری اسلامی گرفته، حضور شما مردم است. حضور مردم در روز انتخابات، حضوری واضح‌تر از همه جای دیگر است. همه مردم کشور پای صندوق‌های رأی می‌آیند و می‌توانند بیابند؛ این یک حضور همگانی است. هر کس پای صندوق رأی می‌آید، در واقع رأی به جمهوری اسلامی، رأی به قانون اساسی و رأی به مواد غیرقابل تغییر قانون اساسی - یعنی اسلام و ارزش‌های اسلامی - می‌دهد. حضور مردم، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی؛ یعنی دفاع از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی. این برای دشمنان ملت ایران مطلوب نیست؛ لذا سعی می‌کنند حضور مردم را کم رنگ کنند.» (۱۳۸۴/۳/۲۵)

## ۱۶ - چرا شرکت در انتخابات به معنای رأی به نظام اسلامی است؟

واقعیت در حوزه مسائل سیاسی آن است که مشارکت مردم در هر انتخاباتی به نوعی پذیرش چارچوب نظام سیاسی و اعتماد به آن است. به واقع اگر ملت به نظام سیاسی، قوانین و انتخابات آن اعتماد نداشته باشد، حاضر نخواهد شد در آن چارچوب بازی کند، پای صندوق‌های رأی بیاید، نامزدی را از میان نامزدهای احراز صلاحیت شده برگزیند و به وی رأی دهد. به همین سبب است که ضد انقلاب در طول چهار دهه اخیر همواره تلاش کرده است توده‌ها را متقاعد کند به دلیل وجود برخی نابسامانی‌ها، مشروعیت نظام را نشانه برونند و با حضور نداشتن در پای صندوق‌های رأی، به نوعی رأی منفی خود را به نظام سیاسی کشور اعلام کنند. سیاست سوخته‌ای که تاکنون در هیچ انتخاباتی نتیجه نداده است.

اتفاقاً، گذشت زمان در طول دو دهه اخیر از روندی برعکس حکایت دارد، به نحوی که در ادوار انتخابات شاهد رشد فزاینده جمعیت شرکت‌کننده هستیم. این نشان می‌دهد نسل سوم انقلاب به خوبی دانسته است وجود برخی ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها از طریق قهر با صندوق‌ها و بازی در پازل دشمن حل نمی‌شود، بلکه اتفاقاً با اعتماد به نظام سیاسی و حضور و مشارکت در صحنه انتخابات، ضمن تأیید جمهوری اسلامی می‌تواند بر ضعف‌ها غلبه کند و نامزدهای مطلوب خود را به قدرت رساند تا چاره‌ساز مشکلات و تأمین‌کننده مطالبات باشند.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی می‌فرماید: «هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدید، رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است» (۱۳۹۲/۳/۱۴)

### ۱۷- انتخابات مطلوب، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

انتخابات مطلوب انتخاباتی است که دارای مولفه‌های متعددی به طور توأمان باشد و از دل یک رقابت سیاسی صحیح و سالم بیرون بیاید. به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی: «رقابت سالم این است که همه خوب بازی کنند، همه خوب حرکت کنند.» فراموش نکنیم مجلس مطلوب نیز از دل انتخابات مطلوب حاصل خواهد شد؛ لذا با رعایت این ملاحظات خواهیم توانست انتخاباتی در تراز انقلاب اسلامی در ابتدای دهه پنجم محقق کنیم:

۱ - تلاش برای مشارکت حداکثری: تلاش برای تحقق مشارکت حداکثری و آوردن همه اقشار ملت به پای صندوق‌های رأی، یکی از ملاحظات است که باید مقدم بر رأی آوردن این یا آن جناح لحاظ شود و همه فعالان سیاسی باید به مثابه یک شاخص مهم در منافع ملی به آن توجه کنند؛ لذا هر اقدامی که به این اصل حیاتی در انتخابات لطمه زند باید کنار گذاشته شود. دشمن در این روزها به شدت این مشارکت حداکثری را نشانه گرفته است. اغتشاشات طراحی شده به بهانه گرانی بنزین اقدامی همه‌جانبه برای بی‌اعتمادسازی و کاهش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات بود که برای خنثی‌سازی عوارض آن باید تلاش دوچندان داشت.

۲ - آرامش انتخابات: حفظ آرامش انتخابات یکی از دغدغه‌هایی است که برای تحقق آن همه گروه‌های سیاسی باید تلاش کنند. انتخابات همواره باید مظهر وحدت و انسجام ملی باشد و لازمه و نشانه آن وجود آرامش در انتخابات است. تشنج، درگیری و ناامن‌سازی فضای انتخاباتی، اقداماتی است که از تبدیل فرصت انتخاباتی به تهدیدی برای انسجام و امنیت ملی کشور حکایت دارد. اقدامی که معمولاً با تحرکات و سناریوهای طرح‌ریزی شده در بیرون از مرزها و حمایت‌ی داخلی دشمن و غفلت و سوءتدبیر جناح‌های سیاسی داخلی و گاه هواداران نامزدها به وجود می‌آید.

۳ - حفظ سلامت انتخابات: ملاحظه دیگر با توجه به افزایش فعالیت‌های انتخاباتی، تلاش برای حفظ سلامت رقابت‌های انتخاباتی در چارچوب اخلاق است. مسائلی، از قبیل پرهیز از دروغ، تهمت و افترا، تخریب، بزرگ‌نمایی مشکلات، اسراف، هزینه‌های غیر شرعی، دادن وعده‌های غیر واقعی، خرید رأی و... نمونه‌هایی از دغدغه‌هایی است که توجه به آن می‌تواند متضمن سلامت انتخابات باشد. باید به این اصول در سطوح مختلف رقابت

انتخاباتی، همچون تبلیغات، مناظرات و گفت‌وگوها و مصاحبه‌ها با رسانه‌های مختلف، یادداشت‌ها و تحلیل‌های مطبوعات وابسته به جریان‌های سیاسی و همچنین رقابت نزد طرفداران و هواداران توجه شود.

۴ - صیانت از رأی ملت: صیانت از رأی ملت و حفظ سلامت برگزاری انتخابات یکی از دغدغه‌های مهم در این زمینه است. فراموش نباید کرد که رأی ملت امانتی است که در اختیار مسئولان امر قرار دارد و ایشان موظفند با تمام توان در حفظ و سلامت آن بکوشند. سلامت انتخابات هم به مرحله پیش از انتخابات و هم حین انتخابات و هم پس از انتخابات توجه دارد. به واقع باید به تمام فرایندهای انتخابات از زمان آغاز فعالیت سیاسی جناح‌ها تا اعلام و تأیید نتایج نهایی انتخابات توجه شود. مسئولیت حفظ سلامت انتخابات تنها با ستاد انتخابات کشور و شورای نگهبان نیست، بلکه همه جناح‌های سیاسی، نامزدهای انتخاباتی، رسانه‌ها، هواداران و توده‌های رأی‌دهنده در این میان نقش خواهند داشت.

۵ - قانون‌گرایی در انتخابات: یکی دیگر از ارکان برگزاری انتخابات تراز انقلاب اسلامی، قانون‌گرایی و پایبندی به ضوابط قانونی است. این قانون‌گرایی نیز از اصولی است که همه فعالان صحنه انتخابات، از مجریان و ناظران و نامزدها تا هواداران و انتخاب‌کنندگان باید بدان پایبند باشند. بازیگران سیاسی با تسلیم بودن به قانون می‌توانند مسیر مشارکت واقعی ملت در انتخابات را فراهم کنند. تجربیات تلخ عدم پایبندی به قانون، هنوز از خاطرات ملت به فراموشی سپرده نشده است و این خواست همچنان در صدر مطالبات ملت از جناح‌های سیاسی در انتخابات اسفند ماه ۱۳۹۸ قرار دارد.

۶ - رقابتی بودن انتخابات: ملاحظه دیگر، تلاش برای حفظ رقابتی بودن انتخابات و حضور همه فعالان سیاسی است که به نظام اسلامی، اسلام، قانون اساسی و حضرت امام(ره) معتقدند. نباید فراموش کرد یکی از شاخصه‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی رقابتی بودن انتخابات است. رقابتی بودن بدین معنا که با تکثر و تعدد نامزدهای انتخاباتی حق انتخابات و گزینش برای رأی‌دهندگان وجود داشته باشد. این مسئله خود یکی از عوامل مؤثر در جدی شدن انتخابات و پرشوری آن خواهد بود که موجب افزایش اشتیاق شرکت‌کنندگان در انتخابات خواهد شد.

۷ - اصلاح‌گرایی: ملاحظه آخر آنکه همه تلاش‌ها در میدان رقابت سیاسی باید سرانجام به گزینش بهترین‌ها و نامزد اصلاح بینجامد؛ چراکه بدون شک «شایسته‌سالاری» است که می‌تواند به کارآمدسازی و روند رو به رشد نظام اسلامی کمک کند و بر توان و اقتدار آن بیفزاید.

## ۱۸ - دوقطبی سازی فضای انتخاباتی آیا مثبت است یا منفی؟

ذات انتخابات، مبتنی بر رقابت سیاسی شکل گرفته است. انتخابات میدان ارائه آراء و نظرات مختلف و مواجهه افکار عمومی با آنها است. آن کالایی که جذاب‌تر و مقیدتر برای مشتریان باشد، با اقبال عمومی مواجه خواهد شد. طبیعی است که رقابت سیاسی گاه با هیجاناتی برای پیروزی و کسب رای بیشتر همراه باشد و جریان‌های سیاسی از برخی شگردهای تبلیغاتی و عملیات روانی بهره بگیرند. نکته اساسی در این میان آن است که حاصل رقابت نباید تبدیل به دوقطبی شود که جامعه را به دودستگی و تقابل بکشاند.

دوقطبی‌سازی فضای سیاسی کشور هرچند ممکن است برای احزاب و گروه‌های سیاسی دستاوردهایی، به ویژه در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی داشته باشد، اما بی‌شک تبعاتی نیز برای نظام سیاسی و جامعه خواهد داشت. در این میان تجربیات انتخابات ریاست‌جمهوری نهم و دهم چندان خوشایند نبوده است. این مدل وقتی خطرناک می‌شود که بازی آن به جای برد - برد به بازی برد - باخت و حتی باخت - باخت بدل شود؛ بازی‌های پرشدتی که فضای جامعه را از وضعیت عقلانی به سوی احساسی - عاطفی سوق می‌دهد و زمینه‌های مناقشات اجتماعی و درگیری و آشوب را فراهم می‌آورد.

گفتار سوم:

# چگونه رای دهیم؟

۱۹ - چگونه می‌توان به حجت شرعی در رای دادن رسید؟

بنیان رای و انتخاب در نظام مردم‌سالاری دینی بر داشتن «حجت شرعی» بنا نهاده شده است. در ادبیات و آموزه‌های دینی، آدمی برای شناخت و تشخیص گزینه اصلح و رای دادن به وی باید حجت شرعی داشته باشد و از توجه به معیارهای ناصواب یا نداشتن شناخت و تحقیق و گزینش مبتنی بر ظواهر و احساسات و فارغ از معیارهای غیر عقلی پرهیز کند. این مسئله به شیوه‌های مختلف مورد تأکید بزرگان دینی نیز قرار گرفته است، از جمله رهبر معظم انقلاب اسلامی که با صراحت در این زمینه می‌فرماید: «باید بگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رای دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رای بدهید.» (۱۳۷۶/۲/۳۱)

طبیعی است که حجت در شرع در این زمینه یا از طریق یقین فردی حاصل می‌شود یا آنکه افراد امین و صاحب صلاحیت فردی را معرفی کنند. رهبری تأکید دارند: «اگر می‌توانید، تشخیص بدهید؛ اگر نمی‌شناسید، از دیگری که می‌تواند امین باشد، سؤال کنید.» (۱۳۸۲/۲/۲۸)

همان‌طور که مشخص می‌شود داشتن حجت شرعی در حالت اولیه با داشتن دلیل و برهان اقناعی قرین و ملازم شده است. به واقع انتخابی مبتنی بر حجت شرعی خواهد بود که با نوعی منطق و عقلانیت همراه باشد و بتوان آن را «انتخابی هوشمندانه» نامید.

#### ۲۰ - مهمترین موانع انتخاب عقلانی چه مواردی می‌تواند باشد؟

در مسیر انتخاب عقلانی دامها و راهزنانی پنهان هستند که اجازه رسیدن به هدف را به رأی‌دهندگان نمی‌دهند و نسبت به آنان باید هوشیار بود.

۱- اولین آفت در این مسیر میل افراد به «تقلید و پیروی کورکورانه» است؛ چراکه انتخاب عقلانی در سراسر راهی دارد، از جمله آن وقت گذاشتن برای تحقیق و بررسی و تلاش برای شناخت نامزدهای انتخابی است. این هزینه‌ای است که اغلب افراد از آن گراه دارند و ترجیح می‌دهند که در این مسئله تقلید کنند.

۲- راهزن دیگر هوشمندی در رأی دادن، نشناختن معیارها و شاخصه‌های گزینه مطلوب است. بهترین معیار در این زمینه رجوع به رهنمودها و توصیه‌هایی است که بزرگان مورد اعتماد جامعه در اختیار ملت و توده‌ها قرار داده‌اند که در رأس آنان رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار دارد.

۳- یکی دیگر از موانع انتخاب مطلوب، تکیه بر یک مؤلفه و بی‌توجهی به شاخصه‌های دیگر نامزد اصلح است. نتیجه این رویکرد، انتخاب گزینه‌ای است که شاید دارای ویژگی برجسته‌ای باشد، اما فاقد حد مطلوب شرایط دیگر خواهد بود. به واقع باید تلاش کرد تا به همه شرایط توجه شود و از نگاه تک‌بعدی به نامزدها پرهیز کرد.

۴- غلبه احساسات و عواطف، راهزن دیگری است که مسیر عقلانیت انتخابات را ناکام خواهد گذاشت. متأسفانه شور و هیجانات رقابت‌های انتخابی آنقدر بالا می‌گیرد که گام‌های تعقل در نیمه راه رها می‌شود و احساسات و حب و بغض‌ها بصیرت و انتخاب آگاهانه را از آدمی سلب می‌کند.

۵- دو قطبی شدن فضای انتخابات، بستری آلوده است که زمینه را برای حذف عقلانیت از صحنه انتخابات فراهم خواهد کرد. با دوگانه شدن فضای انتخابات و سیاه و سفید شدن نامزدها، دیگر معیارها و ملاک‌های واقعی سنجش کنار می‌رود و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ساختگی و غیر واقعی، معیار گزینش افراد خواهد شد. این در حالی است که معمولاً تفاوت گزینه‌ها آنقدر زیاد نیست که یکی را کاملاً صالح و دیگری را فاسد دید، یکی را منجی و دیگری را ویرانگر!

این البته به معنای تفاوت و تفوق نامزدها بر یکدیگر نیست که اگر چنین بود، دیگر انتخابات معنی و هویت خود را از دست می‌داد، بلکه تأکید بر آن است که رقابت‌های انتخابی نباید تا جایی بالا بگیرد که به قربانگاه عقل و آوردگاه عواطف و حب و بغض‌ها تبدیل شود.

توجه به این موانع و عبور از آنها، نویدبخش انتخاباتی معقول و هوشمندانه خواهد بود که رأی‌دهنده در آن بر حجت شرعی خود عمل خواهد کرد و نتیجه آن نیز انتخاب فردی کارآمد و شایسته خواهد بود که موجبات تحقق مجلس اسلامی را فراهم خواهد آورد.

#### ۲۱- معیارهای لازم برای گزینش مسئولین با چه منطقی مطرح شده است؟

روح و جوهره حکومت اسلامی، تحقق عملی احکام و فرامین مترقی است که در سایه آن زمینه رشد و تعالی افراد جامعه آماده خواهد شد. لازمه چنین جامعه‌ای وجود افراد شایسته و باصلاحیتی است که توانایی اداره جامعه را داشته باشند و بتوانند اهداف حکومت اسلامی را محقق کنند؛ به همین سبب در اسلام معیارها و صلاحیت‌هایی برای حاکمان و مسئولان نظام اسلامی عنوان شده است که وجود آن در مسئولان، شرط لازم برای مشروعیت‌یابی ایشان است و اعتبار حاکمان نیز به تداوم این معیارهاست. به عبارتی می‌توان نظام اسلامی را «نظام معیارها» دانست، بدین معنی که به معنای حقیقی کلمه معیارها حاکمیت دارند، نه افراد.

در مرحله تعیین معیارها نیز باید گفت، این دین است که شاخصه‌هایی را مشخص کرده است و مردم نقشی در جعل معیارها نخواهند داشت. در اینجا حکم اسلام در باب شرایط حاکم اسلامی تفاوتی با دیگر احکام شرعی ندارد و وظیفه مسلمین - که تبعیت از احکام شرعی است - حکم می‌کند در باب حکومت نیز از احکام دینی که آیات و روایات دینی آن را مشخص کرده است، پیروی شود.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در باب این سؤال که «مردم در کدام یک از مراحل شکل‌گیری حکومت اسلامی نقش دارند» چنین پاسخ می‌دهند: «شارع مقدس، معیارها را بیان کرده است. بنابراین مردم که عبارتند از مکلفین اسلامی - و فرض قضیه این است که حکومت، مال آنهاست - برخوردشان با این مرحله، مثل برخوردشان با همه احکام دیگر شرعی است. شارع مقدس، این قضیه را تبیین و معیارها را معین کرده است. اینجا مردم، نقش مؤمن و معتقد و عامل به این حکم و معرفت شرعی را دارند.» (۱۳۶۶/۱۱/۱۵)

نکته قابل ملاحظه در این بین آن است که در نگاه اسلام تمامی ملاک‌ها و معیارهایی که برای حاکمان نظام اسلامی و به عنوان شاخصه صلاحیت ایشان مشخص شده، همگی معطوف به کارآمدی است. بدین معنی که وجود این ملاک و معیارها در حاکم اسلامی را، لازمه رسیدن به هدف حکومت اسلامی می‌داند.

با برشمردن سه شاخصه اصلی حاکمان و مسئولان نظام اسلامی، متوجه می‌شویم که همگی شرطها، لازمه موفقیت عملی نظام سیاسی اسلام در رسیدن به اهداف است و لاغیر، وگرنه خداوند متعال در این فکر نبوده است که برای افراد یا تباری خاص یا طبقه خاص، شأنیتی خاص از دیگران قائل شود و دیگران را به تبعیت از ایشان سوق دهد؛ چراکه در بحث حکومت مسئله اصلی، مسئله پذیرش مسئولیت است، مسئولیتی که قرار است کاری را به انجام رساند که همانا تحقق اهداف حکومت دینی باشد؛ وگرنه ذات مسئولیت در نظام اسلامی برای فرد مسئول جایگاه و شأن خاصی به همراه ندارد.

توجه به معیارها و صلاحیت‌ها حقیقتی است که غفلت از آن به یکی از عوامل مهم انحطاط نظام‌های سیاسی مغرب زمین تبدیل شده است. تقلیل دادن صلاحیت‌ها و محدود کردن آن تنها به صلاحیت‌های صرفاً علمی، مدیریتی و سیاسی و بی‌توجهی به ملاک‌هایی چون «سلامت نفس» و «پایبندی به اخلاق» که محصول تفکر جدایی اخلاق از سیاست و دین از حوزه حکومتی در غرب است، امروزه به چالشی در نظریه‌پردازی سیاسی در غرب مبدل شده است که راهی برای حل آن پیدا نمی‌شود. در واقع باید گفت سکولاریسم تنها دین را از حوزه قانونگذاری و حقوق اجتماعی - سیاسی به حاشیه نرانده، بلکه اخلاق را نیز از حوزه سیاست و از ملاک و معیارهای حکومتگران حذف کرده است.

## ۲۲- اصلح‌گزینی از چه ملاحظاتی برخوردار است؟

شاید بتوان گفت که دومین اصل مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از اصل مشارکت حداکثری، اصل «انتخاب اصلح» باشد. معظم له در باب اهمیت انتخاب اصلح می‌فرماید: «همچنان که اصل انتخابات يك تكليف الهی است، انتخاب اصلح هم يك تكليف الهی است.» (۱۳۷۶/۲/۳۱) البته اصلح‌گزینی با ملاحظاتی همراه است که بدون توجه به آن نمی‌توان به هدف رسید.

۱- یکی از مسائل مهم در انتخاب اصلح توجه به این حقیقت است که تشخیص و انتخاب اصلح برعهده مردم گذاشته شده است، نه بر عهده مسنولان و نخبگان و در تعبیری از رهبری، اصلح‌گزینی «هنر مردم» خوانده شده است. این تعبیر البته بدان معنی نیست که توده‌های ملت نیازمند راهنمایی و مشورت با نخبگان و آگاهان نیستند، بلکه بدان معناست که قرار نیست نخبگان به جای توده‌ها تصمیم بگیرند و ملت در امر انتخابات مقلد نخبگان باشند. به واقع رهنمود و توصیه نخبگان و آگاهان ملت تنها در سطح ارشاد و راهنمایی باقی است و تصمیم نهایی به ملت واگذار شده است که آزادانه و البته آگاهانه به پای صندوق‌های رای بروند و نامزدهای مورد علاقه خود را تعیین کنند و هر چه حاصل خروجی این فرایند باشد، قطعاً مورد تأیید نظام اسلامی خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب انتخاب را برعهده مردم گذاشته‌اند و با صراحت اعلام می‌دارند: «مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را می‌شناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمی‌شناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینش‌های انتخاباتی استفاده کنند.» (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

۲- یکی از ملاحظات جدی در انتخاب اصلح آن است که باید حجت شرعی برای انتخاب خود داشته باشیم. در نگاه رهبری «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند.» (۱۳۸۰/۲/۲۸) اما این بدان معنی نیست که ما باید به صرف رای دادن قناعت کنیم و به هر که شد، رای دهیم، بلکه مبتنی بر نظر ایشان باید گشت و اصلح را برگزید که این البته هنر مردم است؛ از این‌رو معظم له تأکید دارند: «هر کس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.» (۱۳۸۴/۲/۱۷) رهبری کار را پیشتر برده‌اند و با صراحت اعلام می‌دارند: «باید بگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رای دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رای بدهید.» (۱۳۷۶/۲/۳۱)

۳- یکی از ملاحظات ضروری در انتخاب اصلح آن است که ضمن آنکه برای شناخت و تشخیص گزینه اصلح و رای دادن به وی باید حجت شرعی داشت و مبتنی بر معیارهای ناصواب یا نداشتن شناخت و تحقیق و تنها مبتنی بر ظواهر و احساسات و فشار از معیارهای غیر عقلی عمل نکرد، از سوی دیگر، تلاش برای انتخاب اصلح نباید به وسواس در گزینش بینجامد؛ از این‌رو رهبر معظم انقلاب انذار می‌دهند: «بعضی‌ها در شناخت اصلح دچار وسواس و دغدغه‌ی زیاد می‌شوند. شما تلاش خود را بکنید؛ مشورت خود را بکنید؛ از کسانی که فکر می‌کنید می‌توانند شما را راهنمایی کنند، راهنمایی بخواهید؛ به هر نتیجه‌ای که رسیدید، عمل کنید و رای بدهید؛ اجر شما را خدای متعال خواهد داد.» (۱۳۸۴/۳/۳)



۴- سخن دیگر آنکه باید توجه داشت تلاش برای یافتن اصلح در میان ملت نیز به خروجی واحدی ختم نخواهد شد. بالاخره تفاوت معیارها، تنوع سلیقه‌ها و اختلاف تشخیص‌ها، به آن منجر می‌شود که نوعی تکثر و تعدد در تشخیص گزینه اصلح نیز حاصل شود که این طبیعی است و نباید نگران آن بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره با صراحت می‌فرماید: «البته صلاحیت‌ها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد» (۱۳۸۰/۲/۲۸)

۵- ملاحظه دیگر آنکه حساسیت و دقت نظر در شایسته‌گزینی نباید با افراطی‌گری‌ها همراه باشد، از جمله آنکه «اصلح‌گزینی» نباید موجب اختلافات و درگیری در میان اقلشار جامعه شود و هدف بالاتر انتخابات را که «افزایش همبستگی ملی» است، خدشه‌دار کند؛ از این رو رهبر معظم انقلاب اسلامی با صراحت اعلام می‌دارند: «افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند. البته صلاحیت‌ها یک اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیص‌ها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاک قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاک قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ اینها نباید موجب اختلاف شود. میدادا به خاطر علاقه‌مندی یک دسته به یک نامزد ریاست‌جمهوری و دسته دیگر به یک نامزد دیگر، بین آحاد مردم شقاق و اختلافی پیدا شود» (۱۳۸۰/۲/۲۸)

اهمیت حفظ وحدت و پرهیز از مناقشات و دامن زدن به اختلافات در جامعه تا آنجاست که معظله پیش از این با صراحت فرموده بودند: «حفظ وحدت را اصل قرار بدیم و اگر تکلیف شرعی‌ای هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود» (۱۳۶۸/۴/۱۲)

۶- ملاحظه آخر آنکه «اصلح‌گزینی» نباید به تفرق آرائی بینجامد که حاصل آن شکسته شدن آرا و به قدرت رسیدن گزینه‌ای باشد که کمترین شایستگی‌ها را دارد. به واقع در شرایطی که نامزد ناصالحی به عنوان رقیب، از امکان پیروزی در انتخابات برخوردار است و حضور متکثر و متعدد نامزدهای صالح همفکر و همسو به توزیع و تجزیه آرا خواهد انجامید، پافشاری بر انتخاب گزینه مورد علاقه نقض غرض است و سزاوار است در اقدامی همگرایانه و مبتنی بر همدلی و تفاهم، در مسیر وحدت حرکت کرد تا با جمع آرای متفرق، فرصت به قدرت رسیدن گزینه ناصالح از بین برود، هرچند حاصل آن انتخاب گزینه‌ای باشد که همه ویژگی مورد نظر ما را تأمین نکند.

۲۳- با توجه به وجود دستگاه نظارتی شورای نگهبان و تأیید صلاحیت

نامزدها، چرا اینقدر بر تلاش برای انتخاب اصلح تأکید شده است؟

یکی از شاخصه‌های انتخابات شایسته نظام اسلامی آن است که فرایند انتخابات به نحوی باشد که در نهایت شایستگان و اصلحان بر مسند قدرت تکیه بزنند. این مسئله رمز تعالی و ارتقای نظام اسلامی است که در آموزه‌های دینی نیز فراوان بر آن تأکید شده است. مسئله صلاحیت‌ها را می‌توان دال مرکزی توزیع قدرت در نظام سیاسی در اسلام دانست. در نظام اسلامی هیچ مسند قدرتی نیست که صاحب آن بدون داشتن صلاحیت، مشروعیت تکیه زدن بر آن را داشته باشد. هر فرد در نظام اسلامی اگر به اندازه ذره‌ای از قدرت

برخوردار باشد، باید به همان اندازه از صلاحیت برخوردار باشد، وگرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد و قدرت مذکور نامشروع خواهد بود. به واقع صلاحیت رمز مشروعیت به حساب می‌آید و این منطق جاری در نظام اسلامی است که حاصل آن شایسته‌سالاری و تکیه زدن صاحبان صلاحیت بر مسند قدرت است.

در این میان مسئله آن است که صلاحیت‌ها برای نامزدهای کسب قدرت در عرصه‌های مختلف چگونه احراز می‌شود؟ نقش نخبگان در این میانه چیست؟ و چه بخشی از این فرایند بر عهده توده‌های مردم سپرده شده است؟

در یک تقسیم‌بندی معقولانه برای تحقق شایسته‌سالاری، فرایندی دومرحله‌ای طرح‌ریزی شده است. شورای نگهبان نهاد مرجعی است که مطابق با قانون اساسی بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات مختلف کشور را بر عهده دارد. شورای نگهبان با استعلام از نهادهای قانونی اطلاعات، اعم از دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، صلاحیت حداقلی نامزدها را مطابق با قانون نوشته‌شده کشور بررسی می‌کند.

اما گام دوم احراز صلاحیت‌ها که از آن می‌توان به عنوان احراز حداکثری یاد کرد، بر عهده مردم گذاشته شده است. آنچه از آن با عنوان انتخاب اصلح یاد شده است، به واقع مرحله تکمیلی و پایانی احراز صلاحیت‌هاست که تشخیص و انتخاب آن به مردم واگذار شده است نه مسنولان و نخبگان. در تعبیری از رهبری، اصلح‌گزینی «هنر مردم» خوانده شده است. به واقع این مردم هستند که با شناخت و تشخیص خود بهترین را برگزینند و بر مسند قدرت می‌نشانند.

یکی از سؤالات مطرح در زمینه انتخاب اصلح آن است که با توجه به وجود دستگاه نظارتی شورای نگهبان و تایید صلاحیت نامزدها، چرا تا این حد بر تلاش برای انتخاب اصلح تأکید شده است؟ پاسخ این سؤال را در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان جست‌وجو کرد. معظمله در این باره چنین توضیح می‌دهند: «البته هیچ‌کس در صحنه انتخابات وارد نمی‌شود، مگر اینکه شورای نگهبان صلاحیت او را اعلام کند. بنابراین، کسانی که وارد صحنه انتخابات می‌شوند، اشخاصی هستند که شورای نگهبان که امین مردم در این قضیه است پای اسم آنها را امضا کرده و اعلام صلاحیت نموده است. بنابراین، همه صلاحیت دارند؛ منتها امر ریاست‌جمهوری، بالاتر از این حرف‌هاست. باید گشت و اصلح را پیدا کرد... مهم است. چون این امر مهم است، تفاضل هرچه هم کم باشد، اهمیت پیدا می‌کند. در کارهای کلان، این طور است.» (۱۳۷۶/۲/۱۳)

## ۲۴ - حرف حساب آنهایی که به جای کاندیدای «اصلح» از رای دادن به

«صالح مقبول» سخن می‌گویند، چیست؟

یکی از سؤالات اساسی در انتخابات که در سال‌های اخیر اذهان بخشی از توده‌های دلسوز جامعه را به خود مشغول کرده، این است که در فضای رقابت‌های انتخاباتی، در صورتی که تکثر گزینه‌های کاندیداهای صالح موجب نوعی رقابت درون‌گروهی و زمینه‌سازی برای به قدرت رسیدن گزینه‌ای باشد که از نگاه ما صلاحیت لازم را برای تصدی آن سمت ندارد، چه باید کرد؛ در حالی که هیچ‌یک از داوطلبان صالح نیز حاضر به کنارگیری از صحنه رقابت نباشند؟!

در پاسخ به این پرسش بود که جمعی از نخبگان اصولگرا راهکار «رای به صالح مقبول» را پیشنهاد کردند. مبتنی بر این نظر، از آنجا که تفرق آرا در انتخاب گزینه اصلح

موجب خواهد شد تا آرا تقسیم شده و از سطح آرای جریان اصولگرا کاسته شود و این در حالی است که جریان رقیب با وحدت آرا بر حول گزینه‌ای که از نگاه اصولگرایان غیر صالح است، وارد میدان شده و می‌تواند رأی بیشتری را کسب کند، در این صورت اصولگرایان باید از گزینه اصلی که بیشترین مقبولیت را ندارد، صرف نظر کرده و به گزینه صالحی رضایت دهند که خواهد توانست بیشترین آرا را به خود اختصاص دهد. در این صورت صالح مقبولی برگزیده خواهد شد که هرچند از نگاه همه اصولگرایان اصلح نیست، ولی مانع پیروزی غیر صالحی شده است که در صورت به قدرت رسیدن به نفع نظام اسلامی نخواهد بود. سازوکار رسیدن به مقبولیت نیز مشخص است، یا از طریق نظرسنجی می‌توان مقبولیت افراد را بررسی کرد یا از طریق اجماع گروه‌های سیاسی بر فرد و لیستی واحد و پایبندی همه هواداران جریان اصولگرا به آن لیست، صالح یا صالحین مقبول مشخص خواهند شد.

این نظر البته منتقدانی نیز دارد که اشکالات زیر را بر آن وارد می‌دانند:

- ۱- در متون دینی حجت شرعی قابل قبولی برای این دیدگاه نمی‌توان یافت.
- ۲- در کلام و بیانات حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره بر انتخاب اصلح تأکید مستمر شده و هیچ‌جا از صالح مقبول سخنی به میان نیامده است.
- ۳- نگاه این‌چنینی به سازوکار گزینش نماینده موجب شکل‌گیری مجلسی ضعیف و ناکارآمد خواهد شد.
- ۴- این راهکار می‌تواند مورد سوءاستفاده فرصت‌طلبانه گروه‌های سیاسی قرار گرفته و مانع شایسته‌سالاری و چرخش نخبگان شود.

در مقابل، مدافعان این نظر تأکید دارند که می‌پذیرند سازوکار اصلی انتخابات در نظام اسلامی، رأی به گزینه اصلح است. این راهکار اعتبار ثانوی داشته و تنها در شرایط اضطرار و امکان رأی آوردن گزینه ناصالح ارجحیت می‌یابد؛ اما این به معنای آن نیست که با ساده‌انگاری و به ظاهر آرمان‌گرایی و بدون درک شرایط سیاسی موجود در انتخابات، دست به انتخابی بزنیم که نتیجه آن سپردن امور به گزینه رقیبی باشد که با آرمان‌های اصول‌گرایی فاصله بسیار دارد.

به هر حال، دقت در استدلال هر دو نظر می‌تواند راهنمای ما در مواجهه با انتخابات پیش رو باشد. ضمن آنکه نظر حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم‌شیرازی در پاسخ به پرسش زیر می‌تواند راهنمای ما در این مسئله باشد.

از ایشان سؤال شده است: «اگر فرد اصلح در انتخابات احتمال رأی آوردنش کم باشد، آیا می‌توان برای دفع فرد بدتر، به فرد بد رأی داد؟ آیا حجت شرعی خواهیم داشت در نزد خدا؟ (البته منظور از فرد بد، فردی است که اصلح نیست و شانس رقابت با فرد بدتر را دارد).» معظمله می‌فرماید: «در صورتی که بدتر بسیار خطرناک باشد و بد این خطرات را ندارد و رأی نیاوردن اصلح تقریباً مورد اطمینان باشد، آنچه نوشته‌اید مانعی ندارد.»

۲۵- تاکتیک «اعتماد به لیست» و «رای دادن لیستی» مبتنی بر چه مبنایی

طرح‌ریزی شده است؟

در این الگو بر رأی دادن کامل به همه اعضای لیست تأکید شده است. لیستی که بعد از ماه‌ها تلاش و از دل جلسات متعدد در شورای ائتلاف اصولگرایان حاصل آمده است. این اقدام مستظهر به کلام و مرامی از رهبر معظم انقلاب اسلامی است. معظمله مدتی قبل

فرمودند: «مردمی که می‌خواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه‌هایی که واقعاً قابل اعتمادند؛ بعضی‌ها هستند که قابل اعتماد نیستند؛ کَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْ طِينُ؛ گاهی این‌جور نیست که از روی صفا و واقعیت و علاقه‌مندی به انقلاب [باشد] - اساس کار، انقلاب است. و از روی علاقه‌مندی به انقلاب بیایند یک فهرست پیشنهادی را بدهند؛ نه، روی مقاصد دیگر - گاهی اوقات مقاصد فاسد - پیشنهادهایی می‌دهند. مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرست‌هایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند.» (۱۳۹۴/۱۰/۱۴)

ایشان مجدداً در دیدار مردم قم به مسئله «درست انتخاب» کردن اشاره کردند و در باب اینکه مردم چطور به نامزدها برای انتخابات اعتماد کنند، در حالی‌که همه آنها را نمی‌شناسند، فرمودند: «به نظر بنده این‌جور می‌رسد که چون یک‌یک افراد را ممکن است نشناسیم، خود بنده هم وقتی این فهرست‌ها را می‌آورند که ببایم رأی بدهم، بعضی از آدم‌های این فهرست‌ها را نمی‌شناسم؛ اما اعتماد می‌کنم به آن کسانی که [اینها را] معرفی کرده‌اند، و نگاه می‌کنم ببینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدم‌های متدین و مؤمن و انقلابی‌ای هستند، به حرفشان اعتماد می‌کنم و به [فهرست] آنها رأی می‌دهم؛ اگر دیدم نه، کسانی که این فهرست را داده‌اند کسانی هستند که به مسائل انقلاب، به مسائل دین، به مسائل استقلال کشور خیلی اهمیتی نمی‌دهند، دل‌شان دنبال حرف آمریکا و غیر آمریکا است، به حرفشان اعتماد نمی‌کنم.» (۱۳۹۴/۱۰/۱۹)

در سال ۱۳۹۲ نیز رهبر معظم انقلاب هنگام رأی دادن در چهارمین دوره انتخابات شوراها گفتند: «من به ۳۱ نفر برای شورای شهر رأی دادم. البته بعضی از این حضرات را از نزدیک می‌شناختم، بعضی را هم نمی‌شناختم، لکن اعتماد کردم به همین فهرست‌هایی که پیشنهاد می‌کنند و می‌دهند.»

تأکید بر «اعتماد به فهرست قابل اعتماد»، به عنوان سازوکاری برای رسیدن به نامزد مطلوب، اولین باری بود که به این صراحت از سوی معظم‌له در سال ۱۳۹۲ بیان می‌شد که این موضوع قابل توجه و تأمل است. پیش از این معظم‌له به طور عام تنها به اهمیت مشورت گرفتن از علما و صاحبان تشخیص اشاره می‌فرمودند.

## ۲۶- منطق «اصلح گزینی» چگونه با منطق «رای لیستی» قابل جمع است؟

یکی از شاخص‌های انتخابات تراز نظام اسلامی آن است که فرایند انتخابات به نحوی باشد که در نهایت شایسته‌گان و نامزدهای اصلح بر مسند قدرت تکیه زنند. این مسئله رمز تعالی و ارتقای نظام اسلامی است که در آموزه‌های دینی نیز فراوان بر آن تأکید شده است. در ادبیات و آموزه‌های دینی، افراد برای شناخت و تشخیص گزینه اصلح و رأی دادن باید «حجت شرعی» داشته باشند و از توجه به معیارهای ناصواب یا نداشتن شناخت و تحقیق و گزینش مبتنی بر ظواهر و احساسات و فارغ از معیارهای غیر عقلی پرهیز کنند. طبیعی است که حجت شرعی در این زمینه یا از طریق یقین فردی حاصل می‌شود یا آنکه افراد امین و صاحب صلاحیت فردی را معرفی کنند. رهبری تأکید دارند: «اگر می‌توانید، تشخیص بدهید؛ اگر نمی‌شناسید، از دیگری که می‌تواند امین باشد،

ضرورت رجوع به افراد امین و مشورت گرفتن و اعتماد به آنها، راهکار تازه‌ای نیست و در تمامی ادوار انتخابات حضرت امام(ره) و امام خامنه‌ای به آن توصیه کرده‌اند؛ اما به این توصیه در انتخابات آتی، با تأکیدی بیشتر و الگویی متفاوت توجه شده است.

برای فهم این زاویه دید باید به این نکته توجه کرد که «اصلاح‌گزینی» نباید به تفرق آرای بی‌نجامد که حاصل آن شکسته شدن رأی و به قدرت رسیدن گزینه‌ای باشد که از کمترین شایستگی‌ها برخوردار است. به واقع در شرایطی که نامزد ناصالحی به عنوان رقیب، از امکان پیروزی در انتخابات برخوردار است و حضور متکثر و متعدد نامزدهای صالح همفکر و همسو به توزیع و تجزیه آرا خواهد انجامید، پافشاری بر انتخاب گزینه مورد علاقه نقض غرض بوده و سزاوار آن است که در اقدامی همگرایانه و مبتنی بر همدلی و تفاهم، در مسیر وحدت حرکت کرد تا با تجمیع آرای متفرق، فرصت به قدرت رسیدن گزینه ناصالح از بین برود، هرچند حاصل آن انتخاب گزینه‌ای باشد که همه ویژگی مورد نظر ما را تأمین نکند.

این نکته کلیدی با این توجه تکمیل می‌شود که فارغ از انتخاب فرد اصلح، رأی‌دهندگان باید توجهی نیز به جریان و گفتمان اصلح داشته باشند؛ چراکه انتخابات، رقابت میان تفکرات و گرایش‌ها و گفتمان‌های سیاسی-اقتصادی-فرهنگی مختلف نیز هست. در واقع انتخاب افراد در نهایت وقتی مؤثر است که گفتمان مورد قبول اکثریت مجلس را بر عهده بگیرد و برنامه‌ریزی برای اداره کشور را تحقق بخشد. حال اگر تفرق آرا به حاکمیت گفتمانی منجر شود که با آرمان‌های انقلاب زاویه دارد، تأکید بر رأی منفرد و اصلاح‌گزینی، چه فایده‌ای خواهد داشت؟!

توجه به این نکته است که آنچه «منطق رأی لیستی» و «اعتماد به فهرست ارائه‌شده توسط معتمدین» خوانده می‌شود را قابل فهم کرده است و پذیرش عمومی آن را بیشتر می‌کند، چراکه زمینه موفقیت گفتمانی را تقویت کرده است و از تفرق رأی و رأی آوردن گفتمان ناهمسو با انقلاب جلوگیری می‌کند.

## ۲۷ - آیا می‌توان به فردی فاقد صلاحیت با منطق لیستی رأی داد؟

در این بین سوالی مطرح است و آن اینکه اگر رأی‌دهنده‌ای که مبتنی بر منطق اعتماد به لیست، می‌خواهد در انتخابات شرکت کند، در میان اسامی ارائه‌شده نام فرد یا افرادی را یافت که بر عدم صلاحیت آن با یقین کامل و اسناد و مدارک روشن اعتقاد داشت، آیا قرار گرفتن در لیست مورد اعتماد حجت شرعی برای رأی دادن به وی خواهد بود؟ در این باره باید گفت:

اولاً، احتمال وجود چنین فرضی بسیار کم و تقریباً نزدیک به صفر است؛ چراکه افراد قرارگرفته در لیست از فیلتر نظارتی شورای نگهبان گذشته‌اند، همچنین از فرایند بسیار پیچیده و دقیق کمیته‌های انتخابات و در طی بررسی‌های متعدد و از میان افراد متعدد برگزیده شده‌اند و آن هم توسط افرادی که معمولاً بیش از مردم با چهره‌های مندرج در لیست آشنا هستند.

ثانیاً، بسیاری از قضاوت‌ها و حرف و حدیث‌هایی که به شکل‌گیری ذهنیتی منفی از افراد در آذهان عمومی منجر شده، مبتنی بر شنیده‌هایی است که یقینی و مستدل نبوده و حجت شرعی برای افراد ایجاد نمی‌کند. لذا اگر نظر منفی برخاسته از این شنیده‌هاست که چندان اعتبار ندارد و اعتماد به لیست حجت شرعی خواهد بود.

اما اگر علی‌رغم موارد برشمرده واقعاً موردی بود که به طور یقینی برای فرد عدم صلاحیت نامزدی برای ما حاصل شده بود، می‌توان به آن فرد رأی نداد. توصیه حضرت امام(ره) در این زمینه می‌تواند حجتی برای این استدلال باشد. معظم‌له در آستانه انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی فرمودند: «اگر همه کسانی که در رأس [هستند] بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید، لکن شما به نظرتان درست نباشد، جایز نیست بر شما تبعیت کنید.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۴، ۱۳/۱۰/۱۳۶۲)

اما این بدان معنا نیست که می‌توان در تضعیف لیست و تخریب آن قدم برداشت و منطق رأی لیستی را زیر سؤال برد.

گفتار چهارم :

# به چه کسی رای دهیم؟

۲۸- مشی و مرام رهبری در انتخابات چگونه است؟

رهبر معظم انقلاب در انتخابات‌های مختلف همواره یک راهبرد و چارچوب دارند و برای برپا کردن انتخابات گفتمان‌سازی در دایره‌های «ضروری و حیاتی» نظام را آغاز می‌کنند؛ با این هدف که رأی مردم به جهتی سوق یابد که منافع حداکثری‌شان از طریق انتخاب یک فرد کارآمد میسر شود.

در هنگامه انتخابات به دلیل شور و هیجاناتی که کاندیداها و اطرافیان آنان ایجاد می‌کنند، شاهد دو خطای محتوایی خواهیم بود: اولاً، کاندیداها با هیجانات کاذب مردم را از مسیر اصلی تحقق خواسته‌های خود منحرف می‌کنند. ثانیاً، کاندیداها در صورت رأی آوردن به شعارهای کاذبی متعهد می‌شوند که در زمان انتخابات بدون توجه به اولویت‌ها مطرح کرده‌اند. در این راستا، رهبر معظم انقلاب برای اینکه اصل انتخابات به مثابه یک سرمایه نظام حفظ شود و مبدأ تحولات و حل‌المسائل کشور باشد، سعی می‌کنند با هدایت ذهن‌ها به سوی یک موضوع که دغدغه اصلی مردم به شمار می‌آید و در زندگی‌ها ملموس است، فضای جامعه، رسانه‌ها و فعالان انتخابات را جهت‌دهی کنند.

البته این راهبرد رهبری برای مردم و کاندیداها در انتخاب شعار محدودیتی ایجاد نمی‌کند و مردم و کاندیداها می‌توانند همین گفتمان را انتخاب کنند، از این لحاظ رهبری به منزله

یک استراتژیست هدف، مقصد و قله را مشخص می‌کند تا نمایندگان با سخن گفتن و برنامه‌سازی بر حول آن رأی بیاورند و در مجلس برای رسیدن به آنها ریل‌گذاری کنند. رهبر فرزانه انقلاب افزون بر کیفیت‌بخشی به محتوای انتخابات در تلاش است ساختارهای انتخابات حفظ شود و چارچوب کلی انتخابات که در قانون اساسی آمده، خدشه‌دار نشود؛ برای نمونه بر سر برگزاری انتخابات در موعد مقرر می‌ایستند و نامه رئیس‌جمهور هشتم و رئیس مجلس ششم را در به تأخیر انداختن انتخابات نمی‌پذیرند و در پی مشارکت حداکثری مردم، سر به سجده می‌برند و از انجام این تکلیف الهی به شکل زائدالوصفی خوشحال می‌شوند؛ صرف‌نظر از اینکه در انتخابات گزینه مذ نظر خودشان رأی آورده است یا گزینه دیگری و بدون توجه به اینکه فرد منتخب آقای خاتمی است یا آقای احمدی‌نژاد یا آقای روحانی. در انتخابات سال ۱۳۸۸ نیز رهبر معظم انقلاب همواره از چهل میلیون رأی‌دهنده سخن گفته‌اند و رأی‌دهندگان را چاق و لاغر نکرده و آنها را به رأی‌دهنده خوب و بد تقسیم نکرده‌اند. مواضع ایشان در انتخابات‌ها نشان می‌دهد، تنها فردی که سعی می‌کند خواسته مردم محقق شود شخص رهبری است و همواره پس از انتخابات که مردم، نمایندگان و شعارهای‌شان را فراموش می‌کنند، تنها فردی که مطالبات ملی را بدون رودربایستی، قاطع و همیشگی دنبال می‌کند، رهبر معظم انقلاب است. در همین موضوع برخلاف مشی رهبری، متأسفانه برخی از رسانه‌ها و مسئولان تلاش دارند نماینده را منفعل نگه دارند و به او پیشنهادهای مالی سنگین، کرسی‌های دانشگاه، عضویت در هیئت مدیره‌ها و... می‌دهند؛ اما با نگاهی به سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان متوجه خواهیم شد که شخص ایشان تا چه اندازه اصرار دارند که نماینده‌ها ممانعت طبع داشته و در دام‌های افراد شیاد و جریان‌های فاسد سرمایه‌دار قرار نگیرند.

#### ۲۹ - آیا رهبری اصرار بر انتخاب افراد خاصی دارند؟

رهبری در انتخابات‌های گذشته ضمن اینکه رأی مخفی به صندوق انداخته‌اند، از هیچ فرد و جریان خاصی حمایت نکرده‌اند و همواره منویات خود را درباره افراد مکتوم نگه داشته‌اند. قانون‌گرایی و تمسک به قانون یکی از بخش‌های مهم منظومه فکری و یکی از اصول مهم رفتاری و مدیریتی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است، فارغ از اینکه رهاورد تمسک به قانون به نفع چه کسی و چه جریانی باشد، ایشان با تأکید بر رعایت حق مردم، همواره بر رعایت مَر قانون تأکید کرده و لحظه‌ای از آن پا پس نکشیده‌اند. مسئله‌ای که سبب شده حق مردم ایران در تعیین سرنوشت‌شان و نقش آنها در نظام جمهوری اسلامی پابرجا بماند.

معظله موضع اصلی خود را در انتخابات این‌گونه بیان کرده‌اند: «هیچ‌وقت به مردم نگفته‌ام و نمی‌گویم این کس را انتخاب کنید، آن کس را انتخاب نکنید. فقط یک جا بنده دخالت می‌کنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم، رأی مردم را بشکنند. هرکس بخواهد با نتیجه آراء ملت دربیفتد، بنده در مقابلش می‌ایستم. در سال‌های گذشته و انتخابات‌های پیشین، هم همین‌چور بوده. در سال ۷۶، در سال ۸۴، در سال ۸۸، در سال ۹۲؛ بعضی مقابل چشم مردم بوده و مردم مطلع شده‌اند؛ بعضی را هم مردم مطلع نشده‌اند اما این حقیر در جریان قرار گرفته‌ام. در همه این سال‌هایی که شمردم، کسانی بودند که می‌خواستند در



مقابل انتخابات بایستند؛ که در سال ۸۸ آشکار شد و آمدند در میدان اردوکشی کردند، و در آن سال‌های دیگر جور دیگری [بود]. در همه این سال‌ها بنده ایستادم و گفتم نتیجه انتخابات مردم هر چه هست باید تحقق پیدا کند.» (۹۶/۱۱)

### ۳۰ - نماینده اصلح از نگاه حضرت امام(ره) دارای چه ویژگی‌هایی است؟

امام(ره) در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خود می‌فرماید: «ملت در هر دوره از انتخابات، وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل‌کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی به مجلس بفرستند.»

ایشان خلق و خوی نماینده شایسته را چنین برمی‌شمرند: «اشخاصی را انتخاب کنیم که از هر جهت صالح باشند. مسلمان بودن تنها فایده‌ای ندارد، باید جمهوری اسلامی را قبول داشته باشد و از مسائل روز اطلاع داشته باشد. سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید. کسانی را که انتخاب می‌کنید باید مسائل را تشخیص دهند، نه از افرادی باشند که اگر قدرت دیگری تشری زد بترسند، باید بایستند و مقابله کنند.» (۱۳۶۲/۱۰/۱۲)

معظله یکی از شاخصه‌های اصلی نمایندگی مجلس را آشنایی با مشکلات کشور دانسته و فرموده‌اند: «و انتخاب اصلح برای مسلمین، یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد و همه چیز را بفهمد، چون در مجلس، اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد.» (۱۳۶۲/۲/۴)

بنیانگذار جمهوری اسلامی در آخرین انتخابات مجلس(دوره سوم) در حیات پر برکت‌شان در یازدهم فروردین ۱۳۶۷ خطاب به ملت می‌فرمایند: «مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رای دهند که:

- ۱- متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند؛
- ۲- و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند؛
- ۳- و طعم تلخ فقر را چشیده باشند؛
- ۴- و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌طینتان عارف و در يك کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی-صلی‌الله علیه و آله وسلم- باشند؛
- ۵- و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان و در يك کلمه، اسلام آمریکایی هستند، طرد نموده و به مردم معرفی نمایند؛
- ۶- ... تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند، با دیگران کار مشکلی نیست.»

### ۳۱- نماینده اصلح از نگاه امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) دارای چه

ویژگی‌هایی است؟

در مروری مجمل و گذرا به بیانات ایشان می‌توان به معیارهای زیر در انتخاب اصلح رسید:

- ۱- «اصلح کسی است که با نیازی که شما برای جامعه می‌فهمید، تطبیق کند و بتواند نیازهای جامعه را برآورده سازد.» (۱۳۸۴/۳/۳)
- ۲- «کسانی که صالح‌ترند؛ کسانی که به فکر مردمند؛ کسانی که برای مردم دل می‌سوزانند؛ کسانی که حاضرند با همکاران خودشان در دولت، در قوه قضائیه، در بخش‌های مختلف، دست به دست هم بدهند و با اتحاد و اتفاق، يك کار بزرگ انجام بدهند؛ این‌چنین افرادی را انتخاب کنند.» (۱۳۸۷/۲/۴)
- ۳- «کسی که برای ریشه‌کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند.» (۱۳۸۴/۲/۱۷)
- ۴- «اصلح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه اقتصادی و غیر اقتصادی بیندیشد، هم زیر توهامات مربوط به توسعه، آن‌چنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند.» (۱۳۸۴/۲/۱۷)
- ۵- «اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد.» (۱۳۸۴/۲/۱۷)
- ۶- «نماینده باید دارای فهم و درک سیاسی باشد و مسائل کشور را بفهمد؛ هم مسائل خارجی و توطئه‌های دشمنان را و هم مسائل داخلی و نیازهای مردم و اولویتهای کشور را. این‌طور نباشد که بدون رعایت اولویت‌ها، مسأله‌ای را مطرح کنند، شعاری بدهند و برای ملت و دولت مشکل درست کنند.» (۱۳۷۱/۱/۷)
- ۷- «اگر چنانچه نامزدها به مراکز ثروت و قدرت متصل شوند، کار خراب می‌شود... آن نماینده‌ی مجلسی که با پول فلان شرکت و فلان کمپانی و فلان ارباب و فلان پولدار توی مجلس بیاید، مجبور است آنجانی که آن‌ها لازم می‌دانند، قانون جعل کند، قانون بردارد، توسعه و تضییق در قانون بکند. این نماینده به درد مردم نمی‌خورد. نه باید به مراکز ثروتهای شخصی متصل بود، و نه به طریق اولی به ثروتهای عمومی. کسی بیاید از پول بیت‌المال مصرف کند، برای اینکه به وکالت مجلس برسد؛ این دو برابر اشکال دارد، اشکال مضاعف دارد. این‌ها را باید مردم مراقب باشند.» (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)
- ۸- «نماینده‌ی صالح آن کسی است که پایبندی او به اسلام باشد، پایبندی او به عدالت باشد، پایبندی او به منافع ملی باشد، مرز او با دشمن مرز مشخصی باشد. اگر این نشد، آن نماینده، نماینده‌ی خوبی نخواهد بود؛ نماینده‌ی ملت در واقع نخواهد بود.» (۱۳۸۶/۱۲/۲۲)
- ۹- «به نظر من مهمترین شرایط نماینده عبارت است از این‌که متدین، کارآمد، دلسوز و شجاع باشد. اگر این چهار شرط در نماینده‌ای جمع شد، همان کاری را که شما آرزو و توقع دارید، انجام خواهد داد.» (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)
- ۱۰- «آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد. اگر نگوئیم شجاع‌ترین و مؤمن‌ترین و انقلابی‌ترین؛ لااقل در سطح این توده‌ی عظیم مردم که این گونه از خود درخشش نشان می‌دهند، باشد.» (۱۳۷۴/۱۲/۱)

شاخص‌های عمده در حکومت علوی، عدالت، پارسایی، پاکدامنی و «مردمی بودن» و «با مردم بودن» است. پس اساساً یکی از کارکردهای مسنولان جمهوری اسلامی، حفظ «روحیه مردمی» و در کنار مردم بودن است. این روحیه، در زمانی که حوادث و بلاها اتفاق می‌افتد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مردم در حوادث و رخدادها، نیازمند «تکیه‌گاه» هستند، تکیه‌گاهی که سر به شانه‌های آن بگذارند و حرف‌های‌شان را بشنود و هر کار که از دستش برمی‌آید، برای رفع مشکل و محنت آنان انجام دهد. تکیه‌گاه جامعه در زمان شدايد و حوادث، مسنولان و حاکمان آن کشورند. برای همین است که حضور مسنولان در کنار مردم حادثه‌دیده، علی‌رغم آنکه یک «وظیفه انسانی» است، در نظام اسلامی، «وظیفه‌ای شرعی و حقوقی» نیز هست. یک نماینده مجلس باید خود را تکیه‌گاه مردم قرار دهد تا مردم هم به نظام اسلامی امیدوار شوند و هم زندگی راحت و آرامش‌بخشی را در سایه‌سار نظام اسلامی داشته باشند، از این جهت مردم اگر افراد متقی و پاکدامن را انتخاب کنند، می‌توانند امیدوار باشند آنها به وظیفه خودشان عمل می‌کنند و گر نه در خدمت زرسالاران و زورمداران قرار می‌گیرند و مطابق میل آنها رفتار می‌کنند.

۳۳- تحقق اهداف انقلاب اسلامی از نگاه رهبری چگونه ممکن خواهد

بود؟

امام و راهنمای جامعه و رهبر نهضت تحقق تمدن اسلامی در پاسخ به پرسشگری که پرسیده بود: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟» فرمودند: «راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینهاست؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور- البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم، اما این بایستی گسترش پیدا کند. چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جَمْعَتَكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه هدف و با جدیت حرکت کند. در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی، معنای انقلابی این است. بعضی‌ها از روی دشمنی، انقلابی را بد معنا می‌کنند. انقلابی را به معنای بی‌سواد، بی‌توجه، بی‌انضباط [می‌دانند]؛ نه خیر، اتفاقاً درست به عکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدین، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند، ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ماست.» (۱۳۹۵/۷/۲۸)

۳۴- روحیه انقلابی‌گری به چه کار کشور می‌آید؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بر ضرورت تقویت روحیه انقلابی‌گری در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند و در نقد عملکرد آتانی که در مسیر فراگیری روحیه انقلابی سنگ‌اندازی می‌کنند، فرمودند: «خداوند نخواهد گذشت از آن کسانی که با قلم‌شان، با بیان‌شان سعی می‌کنند روحیه انقلابی را در بین مردم ما و جوان‌های ما تضعیف کنند؛

خدا از اینها نمی‌گذرد... روحیه انقلابی جان این ملت است، روح این ملت است. آن وقت آن قلمی که این روحیه را در مردم تضعیف کند و تشکیک کند در انقلاب، این را خدا خواهد بخشید؟» (۱۳۹۸/۲/۱۱)

این توصیه‌ها اذهان عمومی را با این سؤال مواجه می‌کند که چه دستاوردهایی در گسترش روحیه انقلابی‌گری در جامعه نهفته است که تأکید بر آن به یکی از اولویت‌های مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی بدل شده است؟ معظم‌له چه خطراتی را مشاهده می‌کنند که بر این مسئله تأکید ویژه دارند؟ انقلابی‌گری چه مشکلاتی از کشور را مرتفع خواهد کرد؟ در جواب می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- تداوم انقلاب با روحیه انقلابی ممکن است.
- ۲- تحقق تمدن اسلامی در گرو تربیت نسل انقلابی است.
- ۳- پیشرفت کشور با روحیه انقلابی ممکن است.
- ۴- عزت و اقتدار ملی در گرو حفظ روحیه انقلابی است.
- ۵- روحیه انقلابی، حافظ کشور در برابر دشمن است.
- ۶- تقویت ساخت درونی در گرو روحیه انقلابی‌گری است.
- ۷- روحیه انقلابی مانع رواج اندیشه‌های غیرانقلابی برای استحاله انقلاب است.

### ۳۵- روحیه انقلابی چه تاثیری در پیشرفت کشور دارد؟

پیشرفت و توسعه کشور و حرکت در مسیر رفع مشکلات جامعه را می‌توان مهم‌ترین اولویت کشور دانست که جهت حرکت تمامی مسئولان کشور را تعیین می‌کند. همه فعالیت‌ها در عرصه‌های مختلف، باید گره‌ای از مشکلات مردم بگشاید و کشور را یک گام به اهداف طرح‌ریزی شده نزدیک‌تر کند، وگرنه اقدامی خلاف میثاق ملی و مصالح کشور خواهد بود؛ اما سوق دادن تمامی جهت‌گیری‌های کشور به سوی پیشرفت و جمع همه توان‌ها و انرژی‌ها برای تعالی جامعه نیازمند پیش‌فرض‌ها و الزاماتی است که بدون آن چنین رسالت عظیمی به ثمر نخواهد رسید.

حقیقت آن است که اقدامات بزرگ در کشور محصول اراده‌هایی قوی بوده است که در مسیر دین و انقلاب دچار انحراف و تزلزل نشده‌اند. آثار نقش‌آفرینی این بزرگان را می‌توان در تاریخ این سرزمین و در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مشاهده کرد؛ لذا برای رفع مشکلات کشور باید امور را به دست افرادی سپرد که از روحیه انقلابی برخوردارند و با همه وجود آرمان‌های انقلاب و ملت را باور دارند. از اولویت‌بخشی به افراد متزلزل در راه دین و انقلاب باید پرهیز کرد. در یک کلمه روحیه انقلابی‌گری را باید رمز و موتور تحول و دال مرکزی گفتمان پیشرفت کشور دانست. این روحیه باید به مثابه گفتمانی فراگیر نزد همه نخبگان کشور و نیروهای مؤثر و کارآمد در امور کشور قرار گیرد. در طول چهار دهه گذشته نیز تمسک به این روحیه رمز موفقیت و پیشرفت نظام اسلامی بوده است. به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی: «بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم، پیش رفتیم و هر جا از انقلابی‌گری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سال‌ها خود مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این فقیر هم هست. هر جا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛

هر جا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. می‌توانیم برسیم، به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم.» (۱۳۹۵/۳/۱۴)

### ۳۶- روحیه انقلابی در معرض چه آفاتی قرار دارد؟

هر جنبش و حرکتی در معرض تهدیدات و لغزش‌هایی است که می‌تواند به نابودی و انحطاط آن ختم گردد، لذا برای حفظ سلامت و مصونیت آن باید تلاش کرد و از آن مراقبت نمود. عدالت‌خواهی نیز از این آفت زدگی مصون نیست و در پیرامون مسیر انقلابی‌گری پرتگاه‌های خطرناک و نابودکننده‌ای قرار دارد که برای عبور از آن باید هوشیار بود. انقلابیون آنگاه در معرض انحراف‌اند که در حین گام برداشتن در مسیر تحقق آرمان‌های انقلابی خود را ملزم به اصول و چارچوب گفتمان انقلابی ندانند و با عبور از اسلوب و مرزهای اصول‌گرایی در مسیر انحراف قرار گیرند.

۱. تندروی و افراطی‌گری: روحیه انقلابی که برخاسته از شجاعت و آمیخته با جوانی است، به شدت در معرض آفت زیاده‌روی و افراطی‌گری است. انقلابیون اگر در دام زیاده‌خواهی و افراطی‌گری اسیر شوند، خیلی زود اعتبار خود را از دست داده و در جاده انحطاط و هلاکت خواهند افتاد و حاصل آن جریانی انحرافی خواهد بود که جز ضربه زدن به آرمان‌ها و انفعال و بدنامی دستاوردی نخواهند داشت.

۲. تکبر و خود برتری‌بینی: انقلابی از آنجا که خود را مجاهدی برای تحقق آرمان‌ها می‌بیند، خیلی زود ممکن است که خود را در میانه اجتماع بیگانه یافته و این تنهایی را به معنای تفوق و برتری تفسیر کرده و بستر را برای وسوسه‌های نفسانی و شیوع مهم‌ترین بیماری روح آدمی - که کبر و خودبزرگ بینی باشد - فراهم آورد! از دست دادن اخلاص و شرک آلود شدن نیت مومن انقلابی، باتلاقی است که خیلی زود صاحبش را به پرتگاه انحطاط و انحراف خواهد غلطاند!

۳. تنگ نظری و انحصارگرایی: یکی دیگر از تهدیدات پیش روی عدالت‌خواهان آن است که تنها خود را انقلابی ببیند و لاغیر! این خطا برآمده از نگاهی مطلق‌انگاره است که همه چیز را صفر و یکی دیده و حد میانه‌ای برای آن قائل نیست.

۴. سطحی‌نگری و شعاع‌زدگی: یکی از آفات پیش روی انقلابیون، افتادن در دام

سطحی‌نگری و شعاع‌زدگی است. شعارها عناصری کلیدی در هویت‌بخشی و گفتمان‌سازی هستند و مکاتب و اندیشه‌ها در عرصه بسط و گسترش خود بدان نیازمندند. جنبش عدالت‌خواهی نیز برای فراگیر نمودن اهداف و آرمان‌های خود نیازمند خلق و تولید شعار است. اما این بدان معنا نیست که عنصر انقلابی تنها در سطح شعارها بماند و از عمق بخشی به اندیشه و تأمل و تدبیر باز ماند و از فهم لایه‌های پیدای پنهان امور غافل شود.

۵. خشونت‌گرایی و پرخاشگری: نسبتی میان پرخاشگری، خشونت، جنجال‌آفرینی و

عدالت‌خواهی وجود ندارد. ریشه انقلابی‌گری را باید در شجاعت جستجو کرد. شجاعتی که تحت انقیاد عقل و تدبیر و بصیرت مدیریت و مهار شده و در عرصه رفتار با طمانینه و آرامش و اعتدال و البته قاطعیت و ایستادگی همراه شده است. خشم و خشونت از یکسو محصول ضعف نفس است و از سوی دیگر محصول نداشتن منطق و استدلال و از دیگر سو محصول تحریک عوامل بیرونی. عدالت‌خواهی نباید به خشونت‌طلبی بینجامد، که اگر چنین شد، نیروی انقلابی در مسیر بی‌تدبیری و انحراف قدم نهاده است.

۶. در نوردیدن مرزهای اخلاق: مرام و روحیه عدالتخواهی چارچوب‌هایی دارد که انقلابی باید خود را ملزم به آن بداند که خروج از این چارچوب سرآغاز عبور از انقلابی‌گری و افتادن در وادی انحراف خواهد بود. یکی از مهمترین مرزهای انقلابی‌گری اخلاق است که رفتار عدالتخواهان را در انقیاد خود قرار می‌دهد. در این مکتب و مرام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، لذا برای رسیدن به آرمانهای بزرگ باید از راه‌های صواب و در چارچوب اخلاق عمل کرد.

### ۳۷- چه عواملی موجب تضعیف روحیه انقلابی در جامعه می‌گردند؟

یک از سختی‌ها و دشواری‌های پیش روی انقلابیون، انقلابی ماندن است! ماندن در جبهه حق و در صف انقلابیون، مقاومت و استقامت می‌طلبد، و در این بین رهنمائی وجود دارند که مانع طریق حق شده و اراده انسان انقلابی را سست کرده و او را از ایستادگی در میدان مبارزه و تداوم مسیر عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی منع می‌کند و به تدریج از صف انقلابیون خارج می‌سازد! این خروج گاه بصورت انفعال و انزوا خودنمایی می‌کند و گاه با نوعی ارتجاع و بازگشت و ندامت و پشیمانی از گذشته همراه است. که متأسفانه در تاریخ مبارزات و نهضت‌های آزادی بخش و عدالت خواه، نمونه‌های فراوانی برای آن می‌توان برشمرد.

مقام معظم رهبری در تبیین تهدیدهای موجود در درون نظام اسلامی می‌فرمایند: «نفوذ فساد و ایجاد تردید در آذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی و اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علانم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گرد است و دشمنان اسلام و انقلاب برای تحقق اهداف خود در انتظار رایج شدن آن در یک جامعه انقلابی هستند.» (۱۳۷۳/۱۰/۱۵)

پشیمان شدگان از انقلابی‌گری، برای توجیه وادادگی خود بهانه‌هایی را مطرح می‌سازند: «بهانه‌هایی که می‌شنوید و می‌بینید که می‌آورند، برای وادادگی بهانه می‌آورند، برای پشیمانی بهانه می‌آورند؛ بهانه هم این است که دنیا تغییر کرده، همه چیز عوض شده. خوب، یک چیزهایی عوض نمی‌شود؛ از اول تاریخ تا امروز حُسن عدالت و عدالت‌طلبی انسان تغییر نکرده، زشتی ظلم تغییر نکرده، حُسن استقلال مَلّی و عَزّت مَلّی تغییر نکرده، اینها و بسیاری از اصول دیگر که تغییر پذیر نیست. اینکه دنیا تغییر کرده، بهانه نمی‌شود برای اینکه ما رفتار خودمان، هدف خودمان، آرمان خودمان را عوض کنیم؛ وقتی آرمان عوض شد، راه عوض می‌شود؛ وقتی هدف نهایی عوض شد، دیگر معنی ندارد که شما در راه قبلی حرکت کنید، می‌روید به سمت هدف جدید که راه جدیدی است، راه دیگری است.» (۱۳۹۲/۶/۲۶)

واقعیت آن است که انقلاب اسلامی در طول سال‌های اخیر در کنار رویش‌های بسیار، ریزش‌هایی نیز داشته است و کسانی که گاه نام آنها نیز جزو پیشگام مبارزه و عدالت‌خواهی بوده‌اند از صف انقلابیون خارج شده و به وادی دیگری رفته‌اند که امام خامنه‌ای بدان چنین اشاره دارند: «بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را. کسانی هستند که یک روز انقلابی بودند، بعد فردا به‌خاطر یک عارضه‌ای، یا بحق یا بناحق، از انقلاب روبرمی‌گردانند. بعضی‌ها هستند که یک کار خلاف توقّشان انجام می‌گیرد - فرض کنید یک ظلمی در یک جایی بهشان می‌شود - حق با آنها است اما این موجب می‌شود که از انقلاب روبرگردانند؛ این کار ناحق است.

بعضی‌ها هم به‌خاطر مسائل شخصی، مسائل خانوادگی و مسائل گوناگون، از انقلاب رو برمی‌گردانند. این می‌شود ریزش؛ اینها ریزش‌های انقلاب است.» (۱۳۹۴/۱۰/۱۹)

پرتگاه‌هایی که در کمین انقلابیون است و می‌تواند موجب ارتجاج و بازگشت و دست کشیدن از آرمان‌های انقلابی گردد را چنین می‌توان برشمرد: ۱. محافظه‌کاری، ۲. راحت‌طلبی و دنیاگرایی، ۳. منفعت‌خواهی، ۴. قدرت‌طلبی، ۵. مرعوب شدن، ۶. دچار شبهه و تردید شدن، ۷. عمل‌گرایی افراطی.

۳۸- مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جوانگرایی تا چه اندازه

می‌تواند شاخص انتخاب نماینده مجلس باشد؟

مساله پویایی و جوانگرایی در مدیریت کشور یکی از مسایل مهم کشور در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی است. چرخش نخبگان و رفت و آمد مدیران جوان یکی از مسایل مهم در مباحث مدیریتی و کارآمدسازی نظام سیاسی است که در مورد آن بحث‌های مهم و گسترده‌ای انجام شده است و تقریباً به اصلی قابل قبول بدل گردیده است.

این مهم در طول سال‌های اخیر بارها با تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی همراه بوده است. مخاطبان اصلی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز که از آن می‌توان با عنوان "مانیفست انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی" یاد کرد، جوانان ایران زمین‌اند که آینده روشن نظام اسلامی بدست آنان محقق گردیده و تداوم راه طی شده به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی توسط ایشان دنبال خواهد شد. در این بیانیه آمده است: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

رهبری در جمع دانشجویان که اولین روز خردادماه ۱۳۹۸ انجام شد، با برشمردن حرکت عمومی انقلاب مبتنی بر بیانیه گام دوم، به موضوع راهکارهای عملی تحقق نقش آفرینی جوانان پرداخته و در نهایت می‌فرماید: «نتیجه‌ی اینها چه می‌شود؟ اینجا من این جور یادداشت کرده‌ام که سرانجام [اینها]، کشاندن نسل جوان متعهد به عرصه‌ی مدیریت کشور [است]، ... ورود در عرصه‌ی مدیریت برای نسل جوان از این راه‌ها اتفاق می‌افتد و طبعاً اگر نسل جوان وارد عرصه‌ی مدیریت شد، و مدیران ارشد نظام از جمله‌ی جوان‌های متعهد [شدند] که من گفتم جوان‌های متعهد حزب‌اللهی، یعنی واقعاً باید حزب‌اللهی باشند؛ به معنای درست کلمه‌ی حزب‌اللهی- آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند، سرعت پیدا می‌کند و انجام می‌گیرد.»

این صراحت در باب ضرورت کشاندن نسل جوان متعهد حزب‌اللهی به عرصه مدیریت کشور می‌تواند نویدبخش تحولی بزرگ در عرصه اداره کشور باشد. طبیعی است که این جوانگرایی را باید در انتخابات مجلس پیش رو و سپردن مسئولیت‌ها در قوه مقننه نیز مشاهده نماییم. زمان برای چرخش نخبگان و پوست‌اندازی مجلس و ورود چهره‌های جوان و پرنشاط انقلابی فرا رسیده است و باید انتظار داشت که احزاب و گروه‌های سیاسی فضا را برا میدان‌داری جوانان انقلابی فراهم آورند و هم مردم مبتنی بر شاخص جوانگرایی به نامزدهای انتخاباتی نمره دهند و حاصل آن شکل‌گیری مجلسی کارآمد مبتنی بر اقتضانات دهه پنجم انقلاب اسلامی باشد.

### ۳۹- در مقوله چرخش نخبگان و جوانگرایی چه ملاحظاتی باید رعایت

شود؟

جوانگرایی در مسیر تحقق نیازمند توجه به برخی ملاحظات اساسی است تا از مسیر صحیح دچار افراط و تفریط نگردد و این فرصت تاریخی به خاطر برخی خطاها به تهدید بدل نشود.

۱. جوانگرایی مفهومی عام و کلی است که متناسب با هر ماموریت و مسنولیتی باید آن را تعریف نمود. به عنوان نمونه نماز جمعه از جمله امور اجتماعی - سیاسی است که خطیب آن باید از شایستگی‌هایی از جمله صلاحیت علمی - فقهی، وجاهت و مقبولیت عمومی، اعتبار اخلاقی و ... برخوردار باشد. بدون شک جوانگرایی در نماز جمعه به معنای انتخاب انمه جمعه ۲۰ تا ۳۰ ساله نیست! چرا که این امر موجب ضعف نماز جمعه و کاهش حضور نمازگزاران خواهد شد. لذا باید دقت نمود که برداشتی سطحی و فشری از جوانگرایی، این تدبیر راهبردی را دچار انحراف ننماید.

۲. استفاده از تجربه مدیران گذشته، ملاحظه جدی دیگری است که در این فرآیند باید برای آن تدبیری اندیشید. این تجربه به مثابه سرمایه ارزشمندی است که محصول سالیان سال عقلانیت و تجربه و علم آموزی است که باید در خدمت مدیریت کشور قرار گیرد. در هیچ جای دنیا چنین گنجینه ارزشمندی را به سادگی به هدر نمی‌دهند. برای این کار باید اتاق‌های فکر و تیم‌های مشاوره‌ای منسجم و مستمر تشکیل داد و از تجربیات مدیران گذشته استفاده نمود و آن را در خدمت مدیران جوان قرار داد. به واقع جوانان باید پای بر عمارت ساخته شده گذشتگان بگذارند و مسیر را تا رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه کشور ادامه دهند.

۳. طراحی مکانیزمی برای چرخش نسلی و تربیت مدیران جوان ضروری است. به واقع باید فرآیندی مدت دار و نهادینه شده را طراحی نمود که هر مدیری قبل از رسیدن به پایان مدت اشتغال و خط بازنشستگی، در کنار خود مدیران جوان کارآزموده و آماده به کاری را تحویل سیستم مدیریتی کشور دهد تا با خیال راحت بتوان جایگزینی را برای وی انتخاب نمود. فراموش نباید کرد که در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی پذیرش مدیریت های اجرایی کشور، جایگاهی برای کسب تجربه از طریق آزمون و خطا نیست و انتظار می‌رود که مدیریت ها با کمترین خطا همراه باشد. لازمه این کار تصویب قوانینی اداری معطوف به تحقق این مهم و پیگیری جدی و عملیاتی کردن آن در سازمان‌های مختلف است. اگر این اتفاق بیفتد، بدون شک بخش مهمی از مشکلات ناشی از تغییر مدیریتی کشور حل گردیده و با گسست مدیریتی در کشور مواجه نخواهیم بود.

۴. باید توجه نمود که در منطق رهبری جوانگرایی در تقابل با شایسته سالاری نیست. اینگونه نیست که بتوان با تاکید بر جوانگرایی، شایستگان را حذف نمود و یا آنکه امور را به دست جوانی سپرد که شایستگی و تخصص انجام کاری را ندارد! بدون شک باور رهبری بر سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت است و باید نسبت به این شاخص دقت لازم نمود تا رویکرد حکیمانه اتخاذ شده به فساد و ناکارآمدی نینجامد.

۵. واقعیت آن است که کسب قدرت و در اختیار داشتن مناصب کلیدی، موقعیت حساسی است که بسیاری برای دستیابی به آن چشم طمع دارند و حاضرند برای دستیابی به آن هر اقدامی کرده و خطوط قرمز فراوانی را زیر پا بگذارند. متأسفانه تجربیات تلخ سال‌های



اخیر حکایت از آن دارد که حضور انگشت شمار جوانان در مناصب مدیریتی و تصمیم سازی کشور، اغلب تحت نفوذ روابط ژنتیکی دو جریان سیاسی غالب و آفازاده محوری بوده است. این روند فسادانگیز می‌تواند آینده فرآیند جوانگرایی در مدیریت کشور را تهدید کرده و به انحراف بکشد و به وضعیتی ضد آنچه انتظار می‌رفت تبدیل کند! برای مقابله با این خطر از همینک باید چاره اندیشی نمود و کاری کرد تا روند دستیابی به مدیریت در کشور مبتنی بر شایسته‌سالاری رقم بخورد و مسیر برای سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت فراهم آید.



گفتار پنجم:

# مساله صلاحیت و نظارت در انتخابات

۴۰ - با کدام مبنا باید صلاحیت‌ها در انتخابات بررسی شود؟

یکی از ارکان مهم پذیرش قدرت در نظام اسلامی، داشتن صلاحیت است. در این مکتب، اگر کسی به اندازه ذره‌ای از قدرت برخوردار باشد، به همان اندازه باید صاحب صلاحیت باشد، وگرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناسبت‌های مختلفی به اهمیت مسئله ضرورت توجه به صلاحیت برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی تأکید ورزیده‌اند. معظمله در نفی سلطه بدون توجه به صلاحیت‌ها می‌فرمایند: «اسلام است که می‌گوید: «ان الحكم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه». این حکم، هر حاکمیت ظالمانه‌ای را نفی می‌کند. هیچ‌کس حق ندارد بر مردم حاکمیت داشته باشد؛ مگر آنکه دارای معیارهای پذیرفته‌شده باشد و مردم او را پذیرفته باشند.» (۱۳۷۰/۱۱/۱۳)

این صلاحیت‌ها در همه سطوح از عالی‌ترین تا دانی‌ترین جایگاه مسئولیتی جاری و ساری است و این حقیقتی است که اینگونه مورد تأکید رهبری قرار می‌گیرد: «قانون برای رهبری، ریاست‌جمهوری، مسئولان قوای سه‌گانه و رده‌های مختلف مدیریت، تا

رده‌های شوراهای شهر و روستا و دیگر جاها ضوابطی را معین کرده است که برخاسته از همان دید و فکر اسلامی است. این ضوابط باید احراز شود. باید تشخیص داده شود که این شرایط در این شخص وجود دارد، بعد او در معرض رأی مردم قرار گیرد، اگر ملاک رأی مردم است؛ یا نصب شود، اگر ملاک، انتصاب است.» (۱۳۸۱/۱۲/۱۳)

در این نگاه «آشنایی با اسلام»، «داشتن تقوا و عدالت» و «درایت و تدبیر»، شرایط هر مسئولیتی در نظام اسلامی است که بدون آن، نمی‌توان آن جایگاه را کسب کرد. وجود همین صلاحیت‌هاست که به عنوان رکن اساسی مشروعیت‌بخشی مسئولان نظام اسلامی مطرح می‌شود؛ البته سطح این مؤلفه‌ها نسبت به هر جایگاهی متغیر است؛ برای نمونه در باب مؤلفه عدالت، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌فرماید: «... [عدالت] در همه رده‌های حکومت صدق می‌کند و فقط مخصوص رهبری در نظام جمهوری اسلامی نیست. البته تکلیف رهبری سنگین‌تر است و عدالت و تقوایی که در رهبری لازم است، به‌طور مثال، در نماینده مجلس لازم نیست؛ اما این، معنایش این نیست که نماینده مجلس بدون داشتن تقوا و عدالت می‌تواند به مجلس برود؛ نه‌خیر، او هم تقوا و عدالت لازم دارد؛ چرا؟ چون او هم حاکم است و جزو دستگاه قدرت است، همان‌طور که دولت و قوه قضائیه هم حاکم هستند؛ چون اینها دارند بر جان و مال جامعه تحت قدرت خودشان حکومت می‌کنند.» (۱۳۸۲/۹/۲۶)

نکته مهم مورد تأکید معظمه آن است که با زائل شدن این معیارها و شاخصه‌های دیگر مسئولان نظام اسلامی مشروعیت و جایگاه خود را از دست خواهند داد: «اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام دهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند... وقتی این عناوین زائل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زائل خواهد شد.» (۱۳۸۳/۶/۳۱)

#### ۴۱ - چه نیازی به شورای نگهبان وجود دارد؟

اصولاً وظیفه شورای نگهبان یک امر نظارتی است، چه در حوزه تقنین و چه در حوزه انتخابات. همه جوامع انسانی نیز به حکم عقل پذیرفته‌اند که در اداره جامعه، باید سازوکارهای نظارتی را داشته باشند و این نظارت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی روزانه یک جامعه ضرورت دارد. شما در زندگی اجتماعی روزانه هزاران مورد از نظارت را ملاحظه می‌کنید. در مسابقات ورزشی، در رفت‌وآمد روزانه و تردهای شهری، در مدرسه و دانشگاه، در محل کار و... افرادی به عنوان داور، ناظم مدرسه، پلیس و... هستند که این وظیفه نظارتی را در حوزه خود اعمال می‌کنند تا همه چیز براساس نظم و قوانین و مقررات انجام شود. پس نظارت برای حیات اجتماعی انسان‌ها امری ضروری است و در عرصه‌های مختلف وجود دارد. شورای نگهبان هم - با هر عنوانی - در کشورهای دیگر وجود دارد. در جمهوری اسلامی ایران با همین عنوان و در کشورهای دیگر با عناوین دیگر، نهادهایی مثل دادگاه قانون اساسی، دیوان عالی فدرال آمریکا، شورای قانون اساسی و... این نظارت تقنینی و انتخاباتی را به نوعی انجام می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران هم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این سازوکار بسیار

مؤثر را در نظر گرفت. قبل از انقلاب، ما سازوکارهای نظارتی قانون‌مندی نداشتیم. نظام‌های قضایی اصولاً آنهایی که نظارت قضایی دارند، مثل آمریکا، نظارت‌شان پسینی است؛ یعنی فرض این است که مصوبات منطبق با قانون اساسی است، مگر اینکه شکایتی یا اعتراضی مطرح شود. اما چارچوب قانون اساسی ما نظارت پیشینی را در نظر گرفته است و کلیه مصوبات مجلس پیش از نهایی شدن باید به تأیید شورای نگهبان برسد. طبیعتاً اگر قانون اساسی شکل دیگری را در نظر می‌گرفت، آن انجام می‌شد؛ اما فعلاً این روش پذیرفته شده است. البته در خصوص نظارت بر مصوبات دولت که از سوی رئیس مجلس، طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی انجام می‌گیرد، با نظارت دیوان عدالت اداری بر مقررات دولتی، نظارت به شکل پسینی صورت می‌گیرد و چنانچه مصوبه‌ای خلاف قانون تشخیص داده شود، ابطال می‌شود؛ بنابراین ما نیز هر دو شیوه نظارتی را داریم، ولی تشخیص قانون‌گذار این بوده است که مصوبات مجلس، نظارت پیشینی داشته باشد و نسبت به مصوبات دولت، نظارت پسینی اعمال شود.

۴۲ - چرا باید ۱۲ نفر بتوانند برای ۸۰ میلیون نفر تصمیم بگیرند؟

زندگی اجتماعی اقتضاناتی دارد و یکی از اقتضانات آن واگذاری تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلان به کسانی است که بتوانند به نمایندگی از مردم عهده‌دار انجام مسئولیت‌هایی برای پیشبرد اهداف جامعه باشند؛ چراکه با وجود تکثر دیدگاه‌ها، نمی‌توان در همه امور اجتماعی نظر یکایک مردم را جویا شد و همه را نیز اعمال کرد. به همین دلیل در همه کشورها مردم ابتدا درباره چگونگی اداره جامعه نظر می‌دهند و به ساختار کلان و نهادهای اساسی رأی می‌دهند و پس از آن افرادی به نمایندگی از مردم وظایف و اختیاراتی را به عهده می‌گیرند و در چارچوب آن ساختار کلان اعمال وظیفه می‌کنند. در نظام جمهوری اسلامی ایران هم مردم با رأی به قانون اساسی، شیوه اداره حکومت، ساختار کلان و نهادهای اساسی آن را معین کردند.

بر همین اساس مسئولان و مدیران وظایف و اختیارات خود را اعمال می‌کنند و تصمیماتی برای کلان کشور می‌گیرند. دیگر اینجا این شبهه مطرح نیست که چرا یک نفر برای سایرین تصمیم می‌گیرد؛ زیرا این مسئله برای هر کسی که در هر سمتی عهده‌دار مسئولیتی باشد، صادق است. این شبهه درباره رئیس‌جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، استادان و فرمانداران نیز می‌تواند مطرح باشد؛ چراکه آنان نیز تصمیماتی می‌گیرند که بر سایرین اثر می‌گذارد؛ در نتیجه اینکه یک نفر برای دیگران تصمیم می‌گیرد اشکالی ندارد، مهم این است که تصمیمی که گرفته است آیا مبتنی بر اختیارات و وظایف قانونی او باشد و مشروعیت اتخاذ آن تصمیم را داشته است یا خیر؟ و آیا توانسته است این وظایف قانونی خود را به خوبی انجام دهد یا خیر؟

در ایران، قانون اساسی با رأی مردم نهادهای به نام شورای نگهبان را شکل داده و برای عضویت در آن فرآیند و ترکیبی را پیش‌بینی کرده و اختیارات و وظایفی را برشمرده است. پاسخ به این پرسش که چرا شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر است و چرا ۱۵ نفر نیست؛ یا اینکه چرا فقط فقها و حقوقدانان عضو این نهاد هستند؛ و چرا شورای نگهبان مرجع نظارت بر انتخابات یا مصوبات است و... را باید در همین قانون اساسی جست‌وجو کرد.

همان‌طور که در اصل ۷۱، قانون اساسی اختیار قانون‌گذاری را به مجلس سپرده و ریاست قوه مجریه را در اصل ۱۱۳ برعهده رئیس‌جمهور گذاشته است، وظایف و اختیارات شورای نگهبان را نیز در اصول ۹۴، ۹۶، ۹۸ و ۹۹ قانون اساسی ذکر کرده است. پس پاسخ این پرسش را که چرا شورای نگهبان این وظایف را برعهده دارد، باید در قانون جست‌وجو کرد. اگر زمانی قانون به نحوی اصلاح شد که این وظیفه برعهده دستگاه دیگری گذاشته شد، مسئله‌ای نیست، از آن به بعد باید همان دستگاه این وظیفه را انجام دهد؛ اما تا زمانی که قانون این مسئله را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است، نباید انتظار داشت این وظیفه و تکلیف قانونی رها شود و انجام نشود.

#### ۴۳ - نظارت استصوابی چیست و بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟

نظارت استصوابی یک نظارت قانونی مؤثر برای جلوگیری از انجام تخلفات و تضمین سلامت اقدامات است. این نوع نظارت مختص شورای نگهبان نیست و در بسیاری از عرصه‌های دیگر نیز ناظران یا دستگاه‌های نظارتی آن را اعمال می‌کنند؛ برای نمونه آنجایی که پلیس به خودروی متخلف دستور توقف می‌دهد و او را اعمال قانون می‌کند، آنجایی که داور در مسابقات فوتبال سوت می‌زند و بازی را متوقف می‌کند و با کارت زرد و قرمز بازیکنان را جریمه می‌کند، آنجایی که اداره تعزیرات بر فعالیت اصناف نظارت می‌کند و واحد صنفی متخلف را جریمه یا پلمپ می‌کند، در همه این موارد «نظارت مؤثر قانونی» انجام می‌شود و ناظر برای جلوگیری از تکرار یا استمرار تخلف، ابزار نظارتی را در اختیار دارد. درباره نظارت بر مصوبات مجلس نیز اصل ۹۴ قانون اساسی این اختیار را به شورای نگهبان داده است که بر عدم مغایرت، مصوبه را برای اصلاح به مجلس بازگرداند. درخصوص نظارت بر انتخابات نیز اصل ۹۹ قانون اساسی وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را فقط برعهده شورای نگهبان قرار داده است و مسئولیت نظارت بر انتخابات را به هیچ نهاد دیگری نسپرده است. حتی در قانون نیامده است در تخلفات احتمالی انتخابات بروید و به قوه قضائیه یا مرجع دیگر شکایت کنید. آیا شورای نگهبان که وظیفه تضمین سلامت انتخابات را برعهده دارد، می‌تواند صرفاً ناظر تخلفات احتمالی باشد و با آنها برخورد نکند؟ از طرف دیگر در تمام قوانین انتخاباتی، از جمله قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و قانون همه‌پرسی، جزئیات این نظارت بیان شده است و در همه این قوانین مجدداً تصریح شده که نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است.

این روش نظارت مؤثر (نظارت استصوابی) نیز از اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی وجود داشته است و منحصر به انتخابات‌های ادوار اخیر نیست. از همان ابتدا شورای نگهبان اختیار رد کاندیداهای فاقد صلاحیت و ابطال انتخابات در صورت احراز تخلف وسیع را داشته و آن را اعمال می‌کرده است و این اختیار قانونی تاکنون نیز ادامه دارد.

#### ۴۴ - چرا اعضای شورای نگهبان عمدتاً دچار کهنولت سن و پیری هستند؟

معمولاً در نهادهای مشورتی و نظارتی افرادی را به کار می‌گیرند که دارای تجربه، دانش بالا و قدرت تشخیص مناسبی باشند؛ در حالی که در نهادهای اجرایی عمدتاً توان اجرایی و تحرک بالا نیازمند است. درباره شورای نگهبان نیز که یک نهاد غیر اجرایی و نظارتی است، همین امر صدق می‌کند و بیشتر نیازمند افرادی است که تجربه زیاد داشته باشند. این مسئله درباره نهادهای مشابه شورای نگهبان در سایر کشورها نیز صادق است؛ برای نمونه میانگین سنی قضات حین ورود به دیوان عالی فدرال آمریکا ۴۵ سال است و میانگین سنی خروج از دیوان نیز به ۸۳ سال رسیده است. میانگین سنی اعضای شورای قانون اساسی فرانسه نیز در سال ۲۰۱۷، ۷۲ سال اعلام شده است. اما در شورای نگهبان برخی اعضا در ۳۶ و ۴۰ سالگی به عضویت درآمدند و میانگین سنی اعضای شورای نگهبان زیر ۷۰ سال است که از میانگین جوامع دیگر کمتر است. در هر صورت قانون اساسی تدبیر خوبی را برای دوره انتخابات اعضا پیش‌بینی کرده است که هر عضو دوره‌اش شش سال است و هر سه سال نیمی از آنها عوض می‌شوند؛ این فرصتی است که افراد جوان یا افرادی که قبلاً در شورای نگهبان نبودند، بتوانند به عنوان عضو جدید در شورای نگهبان حضور داشته باشند و از تجربه بقیه استفاده کنند.

۴۵- با وجود انتصابی بودن اعضای شورای نگهبان، آیا تصمیمات و نظرات

شورای نگهبان مستقل از رهبری است؟

طبق قانون و نشر تفسیری، شورای نگهبان در مقام اعلام نظر در خصوص مصوبات و انتخابات باید نظر خودشان را اعلام کنند و اکنون نیز همین‌گونه عمل می‌شود. فقط چنانچه در برخی موارد، حکم حکومتی ولی فقیه وجود داشته باشد و شرعاً باید نظر ولی فقیه رعایت شود، طبیعتاً نظر ولی فقیه اعمال خواهد شد، ولی در سایر موارد نظر خود اعضا اعلام می‌شود.

۴۶- چرا اعضای شورای نگهبان از یک گروه و جناح سیاسی اند؟

شورای نگهبان اصلاً در قالب این تعاریف حزبی و جناحی نمی‌گنجد و هیچ کدام از اعضا، حزبی و جناحی عمل نمی‌کنند. شورای نگهبان یک باشگاه سیاسی نیست که لازم باشد افراد از جناح‌های مختلف عضو آن باشند. مهم این است که عملکرد شورای نگهبان در چارچوب قانون و بر مدار مقررات و ضوابط باشد. خود اعضای شورای نگهبان در احزاب سیاسی عضو نیستند و در تقسیم‌بندی اصولگرا-اصلاح طلب قرار نگرفته‌اند. البته برخی اعضا از اوایل انقلاب در تشکل‌های علمی و حوزوی (مثل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) عضو بوده‌اند و اکنون آن تشکل‌ها حیثیت سیاسی پیدا کرده‌اند. اما نگاه اعضا به آن تشکیلات نیز سیاسی نیست و از جهت فعالیت‌های علمی و حوزوی همچنان عضو هستند.

#### ۴۷- سلیقه سیاسی اعضاء و تصمیمات و نظرات شورای نگهبان چقدر

دخیل است؟

شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها با اسناد و مدارک متقنی سر و کار دارد که مستند نظرات و تصمیمات اعضاست و هر نظر به پشتوانه یک استدلال ابراز می‌شود؛ از این رو سلیق سیاسی و جناحی دخالتی در تصمیمات اعضای شورای نگهبان ندارد. نتیجه انتخابات‌های مختلف نیز نشان داده است گرایش‌های مختلف سیاسی در انتخابات‌ها حضور داشته و دارای نامزد و کاندیدا بوده‌اند و توانسته‌اند با کسب اکثریت آرا پیروز انتخابات شوند. نگاهی به ترکیب فعلی مجلس شورای اسلامی و مجالس گذشته و دولت‌های ادوار مختلف نشان می‌دهد هرگز یک گرایش سیاسی خاص در کشور حاکم نبوده و چرخش مدیریتی میان احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف وجود داشته است. همان‌طور که بیان شد، در مجالس و مجامع کارشناسی اصلاً نگاه حزبی و جناحی نباید حاکم باشد و یک حقوقدان باید بتواند نسبت به مسئله بی‌طرفانه قضاوت و داوری کند. تاکنون نیز موردی اتفاق نیفتاده است که یک فرد به دلیل گرایش و سلیقه سیاسی و بدون در نظر گرفتن شرایط دیگر رد یا تأیید صلاحیت شود.

#### ۴۸- ناکارآمدی مجلس و دولت به دلیل نظارت استصوابی شورای نگهبان

است؟

انتساب ناکارآمدی افراد به نظارت مؤثر شورای نگهبان یک انتساب بی‌ربط است؛ همان‌طور که کارآمدی مدیران و مسئولان نیز ارتباطی با نظارت مؤثر شورای نگهبان ندارد. در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان بیش از شش هزار نفر را برای ۲۹۰ کرسی نمایندگانی مجلس احراز صلاحیت کرد. آیا همه افراد تأیید صلاحیت شده، ناکارآمد بودند؟ آیا افراد منتخب، شایسته‌ترین افراد در میان آن شش هزار نفر بودند؟ طبیعتاً در میان آنها حتماً افراد کارآمدتر بوده است، ولی به هر دلیلی مردم به آنها رأی نداده‌اند؛ بنابراین ناکارآمدی برخی مدیران اصولاً ارتباطی با شورای نگهبان ندارد. انتخابات ریاست‌جمهوری هم همین‌طور است. افراد زیادی تأیید می‌شوند، ولی فقط یک نفر رأی می‌آورد. آیا فرد منتخب در میان افراد دیگر شایسته‌ترین فرد بوده است و دیگران از او ناکارآمدتر بوده‌اند؟ از این‌رو ارتباطی میان کارآمدی و کسب اکثریت آرا وجود ندارد و باید فرایندی برای شایسته‌گزینی ایجاد کرد. در حقیقت شورای نگهبان صرفاً صلاحیت‌های حداقلی را بررسی می‌کند و معیاری برای سنجش شایستگی کاندیداها ندارد. ما نیازمند سازوکاری برای احراز شایستگی‌ها هستیم، رأی مردم به تنهایی نمی‌تواند این را تعیین کند. بررسی صلاحیت‌ها در شورای نگهبان نیز به تنهایی نمی‌تواند کافی باشد. لذا باید برای احراز شایستگی‌ها و سنجش شرایط کیفی نامزدها و توانمندی‌های آنان ابزاری داشته باشیم که مقدمه آن اصلاح قانون انتخابات است.



۴۹ - چرا شورای نگهبان یک نفره است و تصمیمات و نظرات شورای

نگهبان تابع نظرات آیت‌الله جنتی است؟

بحثی که شورای نگهبان تابع نظرات حضرت آیت‌الله جنتی است، بحث بی‌مبنایی است. مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان که چاپ شده است را اگر ملاحظه کنید، متوجه این امر می‌شوید. همه مذاکرات اعضا پیرامون مصوبات مجلس شورای اسلامی با ذکر نام اعضا منتشر و چاپ می‌شود و مشخص شده است که چه استدلالی‌هایی در مباحث مطرح می‌شود و نتیجه‌ای گیری به چه شکل است. حضرت آیت‌الله جنتی نیز یکی از ۱۲ عضوی شورای نگهبان است و نظر ایشان با نظر سایر اعضا برابر است و برتری ندارد. در شورای نگهبان استدلال برتر حاکم است و اعضا باید بتوانند دیگران را نسبت به استدلال خود قانع کنند.

۵۰ - تفاوت ردصلاحیت با عدم احراز صلاحیت چیست؟

رد صلاحیت، به این معناست که مسئولین مربوطه علم قطعی و یقینی بر فقدان شرایط موضوع ماده ۲۸ قانون انتخابات در فرد داوطلب کسب کرده باشند که در این صورت فرد حق شرکت در انتخابات به‌عنوان نامزد انتخاباتی را نخواهد داشت.

عدم احراز صلاحیت هم بدین معناست که ناظران علی‌رغم انجام تحقیقات گسترده سلباً و اثباتاً نتوانسته‌اند در خصوص شرایط موضوع ماده ۲۸ علم قطعی کسب کنند. آقای دکتر کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، نمونه‌ای از ردصلاحیت را این‌گونه توضیح داده است که برخی افراد که احراز صلاحیت نشده‌اند به‌هنگام نام‌نویسی آدرس و شماره تلفنی داده‌اند که اکنون نه تلفن آن‌ها پاسخگوست و نه آدرس آن‌ها درست است و مشخص نیست این فرد کجا زندگی می‌کند و چه‌کاره است. اگر دسترسی به این افراد داشته باشیم می‌توانیم از مراجع چهارگانه درباره آن‌ها استعلام بگیریم و اگر آن‌ها تأیید کردند به‌طور طبیعی فرد تأیید صلاحیت می‌شود.

کسی که صلاحیتش احراز نمی‌شود به‌معنای فقدان شرایط است یعنی در این بازه زمانی کوتاه شورا نتوانسته صلاحیت را احراز بکند اما اگر در مرحله دوم و سوم شکایات بتواند شرایط نمایندگی را به شورا ثابت بکند احتمال تأییدش هست. همچنین کسی که احراز صلاحیت نمی‌شود به‌معنای این نیست که فاقد شرایط در دیگر پست‌های کشور است، بلکه شورا صرفاً نتوانسته صلاحیت او را برای پست نمایندگی مجلس احراز کند.

۵۱- هیئت‌های اجرایی و نظارت صلاحیت‌های داوطلبان را چگونه بررسی

می‌کنند؟

وزیر کشور در خصوص چگونگی بررسی صلاحیت‌ها توسط هیئت‌های اجرایی گفته است: «در این دوره از انتخابات، با تغییر قانون در سال ۹۵، دادستان‌های مراکز حوزه انتخابیه به ترکیب هیئت‌های اجرایی اضافه شدند و نماینده شورای اسلامی شهرستان از جمع معتمدین حذف شد. هیئت‌های اجرایی بر اساس استعلام از مراجع چهارگانه و مبتنی بر موازین قانونی مأموریت بررسی صلاحیت داوطلبان را به انجام می‌رسانند.»

منظور از مراجع چهارگانه وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، دادگستری و ثبت احوال است.

در خصوص چگونگی بررسی صلاحیت‌ها توسط هیئت‌های نظارت نیز سخنگوی شورای نگهبان گفته است که علاوه بر گزارش‌های مراجع چهارگانه، گزارش‌های نهادهای مردمی و مراکز امنیتی و رای وزارت اطلاعات هم بررسی می‌شود، ضمن اینکه تحقیقات محلی انجام می‌گیرد.

ماده ۵۰ قانون انتخابات به تحقیقات محلی اشاره دارد؛ یعنی این ماده کنار گزارش‌های مراجع چهارگانه، گزارش‌های مردمی را هم در بحث احراز صلاحیت‌ها مورد تأکید قرار داده است. زمانی، مجلس شورای اسلامی به این ماده ایراد گرفت، شورای نگهبان آن را نپذیرفت و موضوع برای اعلام نظر به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد، مجمع هم نهایتاً نظر شورای نگهبان را پذیرفت، بنابراین ما قانونی نداریم که فقط نظر مراجع چهارگانه در احراز صلاحیت‌ها ملاک باشد.

۵۲ - چگونه کاندیداهایی که قبلاً تأیید شده بودند، در بررسی مجدد دور

بعد رد می‌شوند یا بالعکس؟

احراز و اعلام صلاحیت افراد برای هر انتخابات مختص همان دوره است و برای ادوار بعدی اعتبار ندارد، زیرا تضمینی برای حفظ شرایط نامزدی مسنولیت‌ها در افراد وجود ندارد؛ از این‌رو طبق تکلیف قانونی، شورای نگهبان باید در هر دوره صلاحیت همه افراد را مجدد بررسی و اعلام کند. این مسئله در خصوص همه انتخابات‌ها وجود دارد و رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و نمایندگان مجلس خبرگان چنانچه بخواهند برای ادوار بعدی کاندیدا شوند، صلاحیت آنان باید بار دیگر بررسی شود؛ اما اینکه چرا کسانی که یک دوره صلاحیت‌شان تأیید شده است در دوره بعدی رد می‌شوند، چند دلیل عمده دارد:

اولاً، عملکرد فرد در طول دوره نمایندگی یا ریاست‌جمهوری ممکن است به گونه‌ای بوده باشد که صلاحیت را از دست داده باشد؛ ثانیاً، ممکن است گزارش‌ها و مدارکی به دست شورای نگهبان رسیده باشد که در انتخابات دوره قبلی به آن دسترسی نداشته است؛ بنابراین در بررسی مجدد صلاحیت فرد مؤثر واقع شده است. عکس این مسئله نیز صادق است، ممکن است فردی در دوره‌ای با توجه به اسناد و مدارک و گزارش‌های رسیده به شورای نگهبان حائز صلاحیت نباشد، اما پس از برگزاری انتخابات یا پیش از برگزاری انتخابات دوره بعد، مشخص شود برخی از آن گزارش‌ها معتبر نبوده است یا مدارک دیگری به دست شورای نگهبان برسد که نشان دهد فرد شرایط حداقلی قانون را داراست. در این وضعیت نیز ممکن است فردی که قبلاً رد صلاحیت شده بود، در دوره بعدی تأیید شود؛ از این‌رو نتیجه بررسی صلاحیت هر فرد صرفاً مختص همان دوره است.

۵۳ - چرا دلایل رد صلاحیت کاندیدها توسط شورای نگهبان اعلام

عمومی نمی‌شود؟

تبصره ماده ۵ قانون نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند: «دلایل رد صلاحیت محرمات به اطلاع داوطلب می‌رسد». اکنون که این تصریح قانونی وجود دارد، نمی‌توان خلاف آن عمل و دلایل رد صلاحیت را علنی اعلام کرد. اگر روزی قانون‌گذار مقرر کند این دلایل رد صلاحیت علناً و در تلویزیون اعلام شود، شورای نگهبان نیز همان کار را خواهد کرد. از سوی دیگر، فردی که برای انتخابات ثبت‌نام کرده است و همه افراد او را خیلی نمی‌شناسند، ولی مثلاً یک مطلب خلاف و پنهانی را داشته و عامل رد صلاحیت او شده است، شورای نگهبان با چه مجوزی می‌تواند آن را برای همه افشا کند و باعث هتک حیثیت و بی‌ابرویی او شود؟ طبیعتاً این امر به مصلحت نیست و مجوز شرعی نیز ندارد.

البته الان شورای نگهبان طی نامه‌ای به وزارت کشور دلیل رد صلاحیت فرد را اعلام می‌کند و این نامه برای فرمانداری‌ها می‌رود و فرمانداری‌ها بند مربوطه را به نامزد اعلام می‌کنند که به استناد مثلاً بند ۱ ماده ۲۸ از طرف شورای نگهبان صلاحیت‌تان تأیید نشده است، اگر اعتراضی دارید ظرف مدت مشخص قانونی می‌توانید اعتراض‌تان را اعلام کنید تا بررسی‌ها صورت گیرد.

#### ۵۴- رویکرد سیاسی کاندیداها چه نقشی در بررسی صلاحیت‌ها دارد؟

بر اساس بندهای ۲۸ تا ۳۰ قانون انتخابات، ارتباط داوطلبان با حاکمیت یکی از محورهای بررسی صلاحیت‌هاست. منظور از ارتباط داوطلبان با حاکمیت این است که فرد محکومیت امنیتی نداشته باشد، عضو گروه‌های معاند و ضدانقلاب نباشد. سخنگوی شورای نگهبان در توضیح این موضوع می‌گوید: «در بررسی صلاحیت‌ها تمایل سیاسی افراد را بررسی نمی‌کنیم و فقط به پرونده آن‌ها نگاه می‌کنیم.» وی در پاسخ به این سؤال که آیا انتقاد از رهبری موجب رد صلاحیت فرد می‌شود، می‌گوید: «ما انتقاد را ملاک بررسی صلاحیت قرار نمی‌دهیم، اما توهین، افترا و بحث‌های ساختارشکنانه تکلیفش با انتقاد فرق می‌کند و ما قطعاً موارد ساختارشکنانه را مورد ملاک قرار می‌دهیم.»

#### ۵۵ - چرا شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها بعضاً مماشات می‌کند و

مردم باید تاوان آن را پس بدهند؟

در دوره‌های گوناگون، همواره گروه‌های سیاسی از دید خود درباره شورای نگهبان قضاوت می‌کردند و بر این اساس نقدها و انتظارات خود را بیان می‌داشتند؛ اما واقعیت آن است که عملکرد شورای نگهبان نشان می‌دهد، بر اساس یک سازوکار تعیین شده عمل می‌کردند و نقدهای دو طیف سیاسی کشور نشان می‌دهد این سازوکار نسبتاً ثابت و فراخیزی بوده است.

نکته دیگر اینکه شورای نگهبان بارها اعلام کرده، کسانی را که تأیید صلاحیت کرده، دارای حداقل صلاحیت‌ها برای عهده‌دار شدن نمایندگی است و مردم در بررسی‌های‌شان باید فردی را که صلاحیت‌های حداکثری دارد، انتخاب کنند. به عبارت دیگر، بر اساس سازوکار پیش‌بینی شده در ساختار جمهوری اسلامی در زمینه انتخاب اصلاح یک فرآیند دو مرحله‌ای پیش‌بینی شده است. به این معنا که برخی صلاحیت‌های عمومی و کلی که

حداقل آن صلاحیت‌ها محسوب می‌شود، به عهده شورای نگهبان است و بخش دیگر آن در اختیار مردم است که با نگاه جزئی‌تر و موشکافانه‌تر در این فرآیند ایفای نقش کنند. مهم‌ترین نکته در این زمینه آن است که شورای نگهبان همه کاندیداهای دارای شرایط لازم را احراز صلاحیت می‌کند و این به معنای آن نیست که تمام کسانی که از فیلتر شورای نگهبان عبور می‌کنند، به لحاظ درجه و میزان دارا بودن صلاحیت‌ها یکسان هستند. به عبارتی، کسانی که شورای نگهبان صلاحیت آنها را احراز کند، به لحاظ درجه و میزان صلاحیت در یک حد نیستند؛ بلکه احراز صلاحیت آنها صرفاً بر اساس احراز حداقل شرایط صورت گرفته؛ یعنی کاندیداهای احراز صلاحیت شده به لحاظ دارا بودن میزان صلاحیت، در درجات مختلفی قرار دارند. بر اساس این، آنچه شورای نگهبان انجام می‌دهد، اصل‌گزینی نیست؛ بلکه صرفاً معرفی صالحان به مردم است و در این میان، اصل‌گزینی به خود مردم واگذار شده است که البته این وضعیت، از لوازم پایبندی به مردم‌سالاری دینی است. ضمن اینکه باید توجه داشت احراز صلاحیت صالحان از سوی شورای نگهبان نیز بر اساس معیارهای شرعی و قانونی صورت می‌گیرد؛ یعنی اعضای شورای نگهبان تا به حجت شرعی نداشته باشند، نمی‌توانند رأی به صلاحیت فرد خاصی بدهند.

## ۵۶ - نمایندگان به دلیل ترس از نظارت استصوابی از انجام وظایف

نمایندگی ناتوان شده اند، آیا این اظهار نظر صحیح است؟

اعمال نمایندگان مجلس باید در مقام ایفای وظایف نمایندگی باشد. طبق اصل ۸۶ قانون اساسی نیز «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس ابراز کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.» در نتیجه اگر نماینده‌ای در خارج از موقعیت ایفای وظایف نمایندگی، مثلاً برای یک امر شخصی و خانوادگی اقدام کند، مشمول این اصل نیست. اینکه «در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند» نیز یعنی هم می‌توانند اظهار نظر بکنند و هم رأی بدهند و به لحاظ حقوقی هیچ کسی حق ندارد بگوید چرا به این مصوبه رأی مثبت یا منفی داده است؟ مطلب دیگر اینکه قانون‌گذار با آوردن قید «مجلس» در این اصل خواسته است نسبت به اظهار نظرهایی که خارج از مجلس صورت می‌گیرد، تمایز و تفکیک قائل شود، لذا اگر نظراتی خارج از فضای مجلس ابراز شود، باز هم مشمول این اصل نیست.

در نتیجه مقصود قانون‌گذار از اصل ۸۶ قانون اساسی این بوده است، اگر نماینده‌ای بخواهد نسبت به یک مقام اجرایی یا یک مقام دیگری اعتراض کند، نسبت به وظیفه‌ای که دارد، کسی نباید معترض شود. این را ما قبول داریم و درست هم هست؛ اما اگر در همین مجلس مرتکب دروغ، افترا، توهین، رشوه، دزدی و اختلاس، قتل و... شد، آیا می‌توان گفت این جزء وظایف نمایندگی‌اش است؟ اصلاً نمی‌تواند این طور باشد؛ چراکه همه در برابر قانون مساوی هستند و سمت نمایندگی سبب امتیاز و مصونیت از ارتکاب جرایم و تخلفات نمی‌شود. پس فرد مجرم در هر مقامی که باشد باید به جرم او رسیدگی و محاکمه شود. بنابراین اگر نمایندگان صحبت کنند. حتی صحبت‌های بیرون مجلس آنها. در حدی که مرتکب جرمی نشوند، این عمل آزاد و پلامانع است.

صرف انتقاد و بیان نظر هم چنانچه کلان نظام را زیر سؤال نبرد و خلاف قانون اساسی نباشد، اشکالی ندارد؛ چون نماینده سوگند یاد کرده است پاسدار قانون اساسی باشد و اگر نماینده قانون اساسی را قبول نداشته باشد، این فرد دیگر نمی‌تواند نماینده این قانون اساسی مجلس شورای اسلامی باشد و از آن پاسداری کند.

بنابراین چه داخل مجلس و چه خارج از آن، هیچ کسی نسبت به انتقاد و بیان نظر کاری ندارد، اما اگر مطلبی خلاف قانون اساسی باشد، مثلاً کسی بگوید من نظام جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارم، قانون اساسی و قانون انتخابات می‌گوید ایشان نمی‌تواند وارد مجلس شود، ما به چیزی بیش از این معتقد نیستیم. شما یک مورد بیاورید برای ما که نماینده‌ای در مجلس اظهار نظر کرده باشد، از همین اظهار نظرهای سیاسی، ما به واسطه آن رد صلاحیتش کردیم. ضمن اینکه البته در همین قانون اساسی اصلی دیگر داریم که اضرار به دیگران را منع کرده است (اصل ۴۰). پس قیودی را همچنان می‌توانیم در قانون اساسی ببینیم که آزادی را مقید به ضوابطی کرده است. در واقع قانون اساسی یک کل واحد است، مگر در جایی خود قانون اساسی یک برتری بر یکی از اصول ما داده باشد. در غیر این صورت ما باید همه را به عنوان یک کل واحد نگاه کنیم و در چارچوب آن اهدافی را که بر قانون اساسی است، بسنجیم.

#### ۵۷ - آیا شورای نگهبان از نظرات کارشناسی و تخصصی بهره می‌برد؟

شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظرات کارشناسی دو بازوی پژوهشی خود در قم و تهران بهره می‌برد تا نظرات از اتقان کافی و کارشناسی برخوردار باشد. مجمع مشورتی فقهی در قم، مرکب از جمعی از فقها و فضلاء حوزه علمیه قم، مصوبات را از نظر مغایرت با موازین شرعی بررسی می‌کند و مجمع مشورتی حقوقی در پژوهشکده شورای نگهبان، مرکب از حقوقدانان جوان، و وظیفه بررسی مصوبات از نظر مغایرت با قانون اساسی را برعهده دارد. نظرات این دو مجمع پیش از هر جلسه شورای نگهبان در اختیار اعضا قرار می‌گیرد و نظر نهایی را اعضا اعلام می‌کنند. علاوه بر این، اگر لازم باشد از نمایندگان و کارشناسانی از دولت، مجلس و دستگاه‌های دیگر نیز حسب مورد و موضوع جلسه درخواست می‌شود، نظرات خود را نسبت به مصوبات ارائه دهند یا در جلسات حضور پیدا کنند تا همه ابعاد مصوبه به صورت دقیق بررسی شود.

#### ۵۸ - شورای نگهبان قوانین ناکارآمد را تأیید و قوانین کارآمد را رد

می‌کند؛ آیا این اظهار نظر صحیح است؟

بررسی کارشناسی مصوبات از نظر کارآمدی قانون و مفید بودن آن برای اداره کشور و حل مشکلات مردم برعهده دولت و مجلس، به عنوان طراحان مصوبات است. تمام ابعاد و زوایای هر قانونی پیش از تصویب باید از سوی دولت و مجلس بررسی شود تا آثار مفیدی برای کشور داشته باشد. شورای نگهبان صرفاً مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات با شرع و قانون اساسی را اعلام می‌کند و کارآمدی و مصلحت‌سنجی قوانین را ارزیابی نمی‌کند. از طرف دیگر ایرادات شورای نگهبان به مصوبات به معنای رد کامل آنها نیست، بلکه به این معناست که مصوبه در مواردی ایراداتی داشته است که باید مجلس

۶۲ / ----- مساله صلاحیت و نظارت در انتخابات

آن را اصلاح کند. چنانچه ایرادات اصلاح شود، مصوبه در مراحل بعدی تأیید خواهد شد و رفع ایرادات شورای نگهبان به کارآمد شدن قوانین نیز کمک خواهد کرد.

گفتار ششم :

# جایگاه و اهمیت مجلس و نمایندگی مجلس

۵۹- از نگاه حضرت امام(ره) مجلس از چه جایگاهی برخوردار بود؟

در میان همه نهادهای قانونی و انقلابی در نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی در منظر حضرت امام خمینی(ره) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت را می‌توان در فرازهای مختلفی از رهنمودهای ایشان مشاهده کرد. امام(ره) در سخنرانی‌ای که در جمع دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت، در ۶ آذر ماه ۱۳۶۱ انجام گرفت، باصراحت اعلام می‌دارند: «مجلس در رأس همه امور واقع است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۱۲) ایشان همچنین در سخنرانی ۱۳ دی ماه ۱۳۶۲ در جمع فرمانداران، بخشداران و اعضای شوراهای روستایی نیز که درباره وظایف فرمانداران و بخشداران در حکومت اسلامی و اهمیت انتخابات سخن گفتند، درباره جایگاه مجلس فرمودند: «مجلس یک

چیزی است که در رأس همه اموری که در کشور است، واقع است. یعنی مجلس خوب همه چیز را خوب می‌کند و مجلس بد همه چیز را بد می‌کند. و لهذا آنهایی که قبلاً در این کشور حکومت داشتند سعی‌شان این بود که مجلس را نگه دارند.» (همان، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

حضرت امام نه تنها مجلس را خانه واقعی ملت و تجلی اراده ملی، بلکه تعرض به آن را قبیح و خلاف مصلحت کشور و موازین دینی دانسته و فرموده‌اند: «مجلس تنها مرجعی است که برای یک ملت است. مجلس قوه مجتمع یک ملت است و مجلس از همه مقاماتی که در یک کشور هست بالاتر است. بنابراین یک همچو مقامی را نشکنید و لو نمی‌توانید.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۷)

ایشان همچنین در اهمیت مجلس شورای اسلامی و جامعیت نقش آن در پرداختن به مسائل مهم کشور و اصلاح امور جامعه معتقدند: «اگر مجلس شورای اسلامی بر طبق موازین شکل گیرد و نمایندگان آن افراد صالح و دلسوز مردم باشند، چنین مجلسی منشأ اصلاح همه امور جامعه خواهد بود.» (همان، ص ۲۵۶) به تعبیری اگر یک مجلس اسلامی با انتخابات صحیح تشکیل شود و اشخاصی که انتخاب می‌شوند واقعاً منتخب ملت باشند، تمام کارها با دست مجلسی‌ها اصلاح می‌شود.

حضرت امام(ره) در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خودشان ضمن اشاره به وضعیت مجالس قبل از انقلاب اسلامی درباره اهمیت مجلس شورای اسلامی و نقش مردم چنین می‌فرمایند: «ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد (پهلوی) خورد، چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرماب به کشور و ملت وارد شد. از بعد از مشروطه هیچ‌گاه به قانون اساسی عمل نشده،... اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشان، سرنوشت کشور به دست مردم افتاده و کلاً از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنها به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود.»

#### ۶۰- مجلس از چه اختیارات و وظایفی برخوردار است؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل‌های ۷۱ تا ۹۹ به تفصیل به اختیارات و وظایف نمایندگان مجلس اشاره کرده است. وضع قوانین در عموم مسائل کشور، شرح و تفسیر قوانین عادی، بررسی لوایح ارائه‌شده از طرف قوه مجریه و ارائه طرح‌های لازم مطابق اصل ۷۴، تحقیق و تفحص نمایندگان در همه امور کشور، تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، همچنین اظهارنظر درباره تمامی مسائل داخلی و خارجی از جمله وظایف مجلس در حوزه قانون‌گذاری است.

اعطای رأی اعتماد به رئیس‌جمهوری و وزیران و همچنین استیضاح و سؤال از وی، پیگیری و رسیدگی به شکایت‌ها از تمامی قوا به شرح اصل‌های ۸۷ تا ۹۰، از دیگر اختیارات نمایندگان به شمار می‌رود. انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان و اعمال نظارت‌های قانونی از راه دیوان محاسبات نیز از جمله اختیارات نمایندگان منتخب ملت است.



مبتنی بر این اصول مصرح قانون اساسی، در نگاه اول از مجلس به مثابه عضوی از نهادهای مسنول در نظام اسلامی انتظار می‌رود در چارچوب اصول و قواعدی رفتار کند که نماد عزت و اقتدار ملت باشد و وظایف و شأن مجلس را با تمام توان حفظ کند. لازمه این کار حداقل رعایت موارد زیر است:

- ۱- پایبندی به تعهدات تبیین‌شده در قانون اساسی و سوگند نمایندگی و ارج نهادن به اعتماد مردم با پاسداری از ویژگی‌های نمایندگی؛
- ۲- حفظ استقلال نمایندگی و اثر نپذیرفتن از تهدیدها و تطمیع‌ها و «شجاعت» در قول و فعل؛
- ۳- دخالت ندادن حب و بغض‌های شخصی، جناحی، گروهی، طائفی و محلی در قانون‌گذاری، نظارت، اجرای قانون و موضع‌گیری‌ها.

۶۱- قوانین مصوب مجلس باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا نرم‌افزار

#### مدیریت کشور به خوبی عمل نماید؟

وضع قانون اقتضانات مختلفی دارد، اما خصوصیتی که به طور اعم قوانین باید داشته باشد، این است که نخست، در جهت هدف‌های نظام و مطابق با اسناد بالادستی باشد، همانند سند چشم‌انداز بیست‌ساله، بیانیه گام دوم انقلاب، الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت پنجاه ساله که کلیاتش از سوی رهبری ابلاغ شده و در حال تدوین از سوی تیم‌های تخصصی‌نخبگی در مراکز مطالعاتی و دانشگاه‌هاست. جهات و سیاست‌های کلی مندرج در این اسناد باید گام‌های قانون‌گذار را تعیین کند. پس اولین خصوصیت قانون باید این باشد که جهتش مشخص باشد.

نکته دوم این است که قوانین هرچه جامع‌تر باشند و همه ابعاد را دیده باشند، پایدارتر هستند و می‌توانند حیات خودشان را بیشتر ادامه بدهند؛ برای نمونه قانون مدنی ما به دلیل کمالی که در آن وجود دارد، سال‌هاست که محل رجوع است، اما قانون تجارت باید متناسب با شرایط، کمی تغییر کند. قانون تجارت یک قانون مادر است و هرچه جامع‌تر باشد، بهتر است.

نکته سوم این است که هنگام تدوین قوانین باید تلاش شود تا بعضی از قوانین دیگر که در کشور وجود دارند، دیده شوند و تکلیف‌شان مشخص شود.

نکته دیگر این است که قوانین باید هرچه بیشتر روشن و صریح باشند. مخاطب قوانین هم مسئولان هستند، هم مردم که باید تکلیف خودشان را بدانند. باید روشن باشد که هر قانون، چه چیزی را می‌خواهد دنبال کند. وظایف و حقوق هرکسی باید مشخص باشد. گاهی در این جهت هم تردید وجود دارد. پس تنقیح قوانین هم مسئله مهمی است. بهترین راه این است که دولت‌ها بر اساس نیازهای خودشان لوایح مناسب بدهند تا این لوایح در مجلس، خوب حل‌اجلی شود. گاهی این طور نیست؛ یعنی لوایح مناسب داده نمی‌شود یا لوایح خلاف قوانین هستند.

#### ۶۲- مجلس در تحقق توسعه اقتصادی چه نقشی می‌تواند ایفا نماید؟

از آنجا که مجلس شورای اسلامی هم شأن قانون‌گذاری و هم شأن نظارتی دارد با ابزارهایی که قانون آنها را تصریح کرده است، نقش‌های متعددی را می‌تواند ایفا کند. از

دیدگاه جامعه‌شناسی اقتصادی، نقش مجلس حول سه وظیفه اصلی تمرکز دارد؛ اول اینکه، مجلس چگونه می‌تواند دولت را در ایجاد درآمد و صرف هزینه کمک کند که به آن جامعه‌شناسی مالی می‌گویند. دوم اینکه، چگونه سیاست‌های اقتصادی مورد نیاز را وضع کند. سوم اینکه، چگونه قواعد و قوانین حقوقی را تصویب و بر اجرای آن نظارت کند.

بهترین شیوه در این بخش تنظیم بودجه‌های سالانه است. در مجلس شورای اسلامی کمیسیون تلفیق در هنگام تصویب بودجه معرف قدرت گروه‌ها، کمیسیون‌ها و افراد بانفوذ است و این ظرفیت را دارد که با تشکیل جلسات متعدد قبل از آوردن لایحه بودجه در صحن علنی مجلس، بر بودجه اعمال نظرهای جدی داشته باشد که عملکرد کمیسیون هم گویای این موضوع است. پس «بودجه» مهم‌ترین ابزار سیاست اقتصادی دولت است و مجلس به مثابه نماینده مردم باید مطمئن شود نیازهای ملی بدون نگاه محلی و حوزه انتخابیه خویش از طریق منابع موجود تأمین می‌شود. در ساختار کشورهای مختلف، برخی مجلس‌ها بودجه را بدون تغییر می‌گذارند و تصویب می‌کنند، برخی مجلس‌ها میزان بودجه را کاهش می‌دهند، اما نمی‌توانند چیزی بر آن بیفزایند و برخی هر دو این کارها را انجام می‌دهند؛ اما شأن مجلس شورای اسلامی غیر از دو کار مذکور، می‌تواند افزایش را هم انجام دهد.

نقش مهم دیگر مجلس جلوگیری از فساد اقتصادی است؛ البته نمی‌توان گفت فساد اقتصادی زاینده یک مجلس منفعل و ضعیف است؛ زیرا عوامل فساد متعدد و پیچیده هستند، اما می‌توان گفت همان‌طور که یک مجلس قوی می‌تواند جلوی فساد اقتصادی گسترده را بگیرد و نگذارد انحصارات اقتصادی شکل بگیرد، یک مجلس منفعل نیز به گسترش فساد کمک خواهد کرد. مجلس با وضع قوانین و ابزارهای متعدد نظارتی می‌تواند جلوی بسیاری از مفرهای فساد را بگیرد؛ برای نمونه یکی از این شیوه‌ها واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصی است که واگذاری و مولد کردن بنگاه‌های دولتی بخشی از کار مجلس است.

### ۶۳ - مجلس چه نقشی در عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی می‌تواند انجام

دهد؟

به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس بدون شعارزدگی چند وظیفه برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی دارند:

**الف -** پذیرش نسخه اقتصاد مقاومتی؛ مجلس و نمایندگان، اقتصاد مقاومتی را باید به عنوان یک نسخه شفاف‌بخش برای برون‌رفت از این وضعیت باور داشته باشند؛ لذا بهترین کار مجلس برای دستگاه‌های اجرایی، قوه قضائیه و سایر مواردی که در حاکمیت ما می‌توانند در اقتصاد مقاومتی اقداماتی انجام دهند، فراهم کردن بستر قانون‌گذاری و نظارتی است که لازم دارند.

**ب -** حذف قوانین معارض؛ بسیار در کشور دیده شده است برای انجام یک سری از کارها، قوانینی وجود دارند که مانع به سرانجام رساندن آنها می‌شوند که قوانین معارض شناخته می‌شوند. در عرصه تولید قوانین متعددی از این دست وجود دارد که مجلس وظیفه دارد برخی قوانین را که به اقتصاد مقاومتی آسیب می‌رساند، حذف یا اصلاح کند.

۶۴ - مجلس چگونه و با چه ابزارها و مکانیزم‌هایی می‌تواند با نمایندگان

متخلف مقابله کند؟

یکی از امتیازات جمهوری اسلامی آن است که همه مسئولان و مقامات در هر رده و جایگاهی که باشند مصونیت ندارند و باید پاسخگوی اعمال نادرست و غیر قانونی خود باشند. سازوکارهای مقابله با مدیران متخلف در خود دستگاه‌ها و در سطح مؤثرتر دیگر در قوه قضائیه وجود دارد. در زمینه موضوع نظارت مجلس شورای اسلامی بر نمایندگان، تا پیش از سال ۱۳۹۱ سازوکار قانونی وجود نداشت؛ اما رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۸ بر موضوع نظارت مجلس بر خودش تأکید کردند:

«من پارسال به شما عرض کردم که در داخل مجلس شورای اسلامی، خودنظارتی بگذارید. این، همان تقوای جمعی است. مجموعه، خود را بپایید. حالا حرف‌هایی گوشه کنار زدند که نماینده باید آزاد باشد، چه باشد. کسی با آزادی نماینده مخالف نیست؛ با کج‌رفتاری نماینده مخالف است. یک نماینده کج‌رفتار ممکن است مجلس شورای اسلامی را بدنام کند، متهم کند. حیف نیست؟ مجلس به این عظمت، این نهاد قانونی اساسی در کشور. اول انقلاب خدمت امام رفتیم، برای اینکه یکی از بزرگان بین خودمان را به عنوان رئیس‌جمهور به امام معرفی کنیم تا امام ایشان را قبول کنند و ما بیاییم ایشان را در حزب جمهوری اسلامی به عنوان رئیس‌جمهور مطرح کنیم. امام به دلیلی قبول نکردند. بعد به ما گفتند که بروید سراغ مجلس؛ مجلس مهم است. از نگاه رهبر انقلاب و بنیان‌گذار این نظام و پدیدآورنده این مجموعه، مجلس یک چنین جایگاهی دارد. خب، این را باید نگه داشت، باید آبرویش را حفظ کرد، باید چهره‌اش را حفظ کرد؛ این، خودنظارتی لازم دارد. اگر این خودنظارتی نباشد، اشکال به وجود می‌آید؛ خود شما هم دارید می‌بینید. من پارسال در این خصوص سفارش کردم. البته اخیراً در مجلس نسبت به این قضیه کارکی انجام گرفت، اما اهمیت این قضیه درست به دست نیامد. این خودنظارتی، تقوای جمعی است.»

در پی این بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجلس طرح نظارت بر رفتار نمایندگان را در مهر ماه سال ۱۳۹۰ به تصویب رساند و برای تأیید نهایی به شورای نگهبان ارسال کرد؛ اما این شورا، بخش‌هایی از آن را خلاف قانون اساسی تشخیص داد و طرح را برای رفع ایراد به مجلس بازگرداند. این طرح نهایتاً در ۱۵ فروردین ۱۳۹۱ به تصویب نمایندگان رسید و برای تأیید نهایی به شورای نگهبان فرستاده شد. سرانجام نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۹۱ وارد بررسی طرح نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان شدند و با ۱۴۶ رأی موافق، ۴۱ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع از ۲۱۲ نماینده حاضر، به کلیات این طرح رأی مثبت دادند.

طرح نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان شامل ۱۱ ماده است که در این مواد برای موضوعات و موارد مختلف از تخلفات یا عدم رعایت شئون نمایندگی جرایمی، مانند تذکر شفاهی یا تذکر کتبی و همچنین لغو اعتبارنامه نماینده در نظر گرفته شده‌است؛ یعنی در صورت تشخیص نمایندگان و تصویب مجلس، می‌توان یک نماینده را از سمت خود عزل و از مجلس اخراج کرد. بر اساس طرح «نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان»، هینتی متشکل از هفت نماینده مجلس، به گزارش‌های مربوط به «رفتار خلاف شئون نمایندگی»، گزارش‌ها درباره اعمال «خلاف امنیت ملی» و دیگر اعمال مجرمانه از سوی

نمایندگان مجلس رسیدگی می‌کند. در طرح نظارت بر عملکرد نمایندگان، دادگاه خاص رسیدگی به این امور نیز پیش‌بینی شده است. در ماده ۸ این طرح آمده است: «قوه قضائیه موظف است در اجرای این قانون شعبه خاصی را جهت رسیدگی به موضوعات ارسالی تشکیل داده و خارج از نوبت رسیدگی و نتیجه را ظرف سه ماه به هیئت نظارت اعلام نماید.»

این توضیحات نشان می‌دهد، هم از حیث تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی و هم از جهت قانونی سازوکارهای لازم برای نظارت و برخورد با نمایندگان متخلف موجود است؛ اما نکته مهیتر آن است که آیا هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان آنچنان که انتظار می‌رود و مردم مطالبه می‌کنند موفق عمل کرده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد، در این زمینه عملکرد هیئت نظارت بر نمایندگان چندان مؤثر و تضمین‌کننده نبوده، هر چند توفیقاتی نیز در این باره به دست آمده است.

۶۵ - آیا مجلس می‌تواند رئیس جمهور را عزل کند و چرا با وجود

مشکلات، بیان می‌شود که دولت باید تا آخر به کار خود ادامه دهد؟

حوادث و وقایع آبان ماه ۱۳۹۸ آنقدر مهم و اساسی بوده است که هنوز در این زمینه تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود. یکی از بحث‌های صورت گرفته در این خصوص، آن است که دولت توان اداره کشور را از دست داده است و باید ترتیباتی اتخاذ شود تا بر اساس آن در همین نقطه، پایان فعالیت دولت اعلام شود. این نگاه بر پایه این استدلال است که دولت کنونی برای اداره کشور در وضعیت کنونی ایده و راهحلی در اختیار ندارد و حال که اینگونه است، بقای چنین دولتی چه سودی به حال خودش و مردم دارد؟ و همان بهتر که از ابزارهای قانونی که در جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده استفاده کرد و رئیس‌جمهور را به مجلس کشاند و او را استیضاح کرد. در پاسخ به این مسئله دو ملاحظه قابل ارائه است:

**الف- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن قانون اساسی:** در جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور در صورت تخلف یا ناتوانی در انجام وظایف قانونی خویش، به دو طریق از کار خود برکنار می‌شود:

۱- در صورتی که دو سوم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی به کفایت نداشتن رئیس‌جمهور رأی دهند و رهبری هم رأی آنها را تصویب کند. در اصل ۸۹ (بند ۲) قانون اساسی پیرامون استیضاح و برکناری رئیس‌جمهور چنین آمده است: «در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح‌شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند، مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.»

۲- در صورتی که دیوان عالی کشور حکم به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی‌اش بدهد و حکم مذکور مورد تصویب رهبری قرار گیرد. بر اساس بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون

اساسی یکی از وظایف و اختیارات رهبر، عزل رئیس‌جمهور است. مقام رهبری وقتی امکان عزل او را دارند که مصالح کشور ایجاب کند و علاوه بر آن دیوان عالی کشور رئیس‌جمهور را به تخلف از وظایف قانونی محکوم کرده باشد. (ر.ک: اصل ۱۱۰ قانون اساسی و قانون تعیین حدود وظائف و اختیارات و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور مصوب ۱۳۶۵).

در ادامه پاسخ به این مسئله باید این‌گونه بیان کرد، هر چند در قانون اساسی موضوع نظارت مجلس بر دولت به طور عام و سؤال و استیضاح از رئیس‌جمهور و وزرا به طور خاص مطرح شده است، اما ابزارهایی در اختیار نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای اعمال حق قانونی قرار دارد که از تذکر شروع می‌شود و نهایتاً به استیضاح ختم می‌شود. نکته مهم در اینجا آن است که نمایندگان برای نظارت بر مجموعه دولت باید متناسب با موضوع پدید آمده از هر یک از ابزارهایی که در اختیارشان قرار گرفته است، استفاده کنند. بیان این نکته از این حیث اهمیت دارد که معمولاً با وقوع شرایط خاص در جامعه، بلافاصله افکار و برخی از مطالبات به سمت برکناری سوق پیدا می‌کند. حال آنکه پیش از برکناری، قانون مسیرهای دیگری را نیز پیش‌بینی کرده است تا دولت را به انجام وظایف خود وادار کند. البته حل و فصل بسیاری از مشکلات مربوط به دستگاه‌های اجرایی کشور، اعم از وزیران و رئیس‌جمهور، لزوماً وابسته به برکناری آنان نیست، هر چند عزل مسئولان، در صورتی که راه‌های دیگر مؤثر نیفتد آخرین راهکار برای سامان دادن به مشکلات مردم و منافع ملی کشور شمرده می‌شود.

**ب - عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی کشور:** اما در زمینه مسائل اخیر کشور که در پی افزایش قیمت بنزین به وقوع پیوست، ذهنیت‌ها و افکار عمومی مجدداً به سمت عزل رئیس‌جمهور سوق پیدا کرد و عده‌ای طرح موضوع برکناری رئیس‌جمهور را از قوه مقننه مطالبه کردند. تشخیص ضرورت این اقدام به طور طبیعی بر عهده نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی است، اما با لحاظ اهمیت «شرایط» و «زمان»، آیا در وضعیت کنونی عزل رئیس‌جمهور کمکی به حل مشکلات پدیدآمده می‌کند یا خیر؟ در این زمینه نکته مهمتر تشخیص چنین موضوعی از حیث منفعت داشتن برای مردم و در نظر گرفتن شرایط زمانی است. آیا غیر از این است که هدف اصلی از اعمال قانون بر رئیس‌جمهور یا وزرا سامان پیدا کردن امور اقتصادی و معیشتی مردم است؟ تصور کنید مجلس شورای اسلامی در اولین فرصت ممکن رئیس‌جمهور را از مقام خود عزل کرده است، آیا فرصت باقی‌مانده اجازه و امکان تحقق مطالبات و مسائل حل نشده کنونی را به رئیس‌جمهور خواهد داد؟

نکته مهم دیگر آن است که رئیس‌جمهور برآمده از رأی مردم است. چنانچه رأی و اراده مردم در میانه راه از رئیس‌جمهوری که پیشتر برگزیده‌اند، به دلیل ناکارآمدی و ضعف در عملکرد تغییر کند، در فرصت بعدی این امکان را می‌یابند که به انتخاب دیگری دست بزنند. این ملاحظه مهم، مبنای اساسی و ثابت برای جمهوری اسلامی در تاریخ انقلاب اسلامی بوده است و هم حضرت امام(ره) و هم رهبر معظم انقلاب اسلامی با اعتقاد بنیادین به مردم‌سالاری دینی از دولت‌های زمانه خود و تداوم فعالیت دولت‌ها حمایت کرده‌اند. البته قضیه بنی‌صدر که حضرت امام(ره) بسیار کوشیدند تا کار وی به برکناری ختم نشود و تجربه اولین رئیس‌جمهور اسلامی ایران به عدم کفایت منجر نشود، یک استثنا تلقی می‌شود؛ چراکه خیانت‌های بنی‌صدر در زمان جنگ عملاً ایران را به کشوری مغلوب در مقابل نظام سلطه تبدیل می‌کرد. اما در دیگر دوران‌ها، رویکرد و مواضع

اصولی و ثابت امامان انقلاب اسلامی تأیید رأی مردم و کمک و حمایت از رئیس‌جمهوری بوده که از سوی مردم انتخاب شده است.

۶۶ - نمایندگان مجلس در قبال چه اموری در برابر مردم باید پاسخگو

باشند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است کمی با رسالت وکلای خانه ملت و وظایف اصلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی آشنا شویم. این روزها کمتر کسی به وظیفه اصلی و قانونی يك نماینده فکر می‌کند و گاهی خود کاندیداها نیز برای اینکه آرای بیشتری را جذب کنند ترفندهای تبلیغاتی خاصی به کار می‌برند که با وظیفه‌های ذاتی نمایندگان فاصله زیادی دارد. برخی از نامزدها و طرفدارانشان از مشکلات موجود جامعه بهره می‌گیرند و حل آن مشکلات را به مردم و عده می‌دهند تا بتوانند حداکثر آرا را کسب کنند. کم‌اطلاعی بسیاری از مردم از وظایف نمایندگان مجلس نیز بر این روند معیوب می‌افزاید. مثلاً نمایندگان مجلس در محافل عمومی حضور می‌یابند و به مردمی که متقاضی اشتغال، وام، تأمین جهیزیه و پرداخت هزینه درمان بیماری خود یا خویشان‌شان هستند، وعده‌هایی می‌دهند که اساساً وظیفه نماینده نیست و اگر مجلس قانون خوب، کارآمد، شفاف و پاسخ‌طلب بگذارد، می‌تواند مفیدتر باشد و دولت را به حل اصولی مشکلات و ادار و زیرساخت‌های برون‌رفت از معضلات را ایجاد کند.

نمایندگان مجلس و به طور کلی مجلس شورای اسلامی دو وظیفه اصلی دارند: یکم قانون‌گذاری؛ بر اساس اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی صلاحیت عام قانون‌گذاری را داراست. دوم نظارت؛ مجلس شورای اسلامی علاوه بر وظیفه قانون‌گذاری، مسئولیت‌های نظارتی نیز بر عهده دارد که از نظارت مجلس در تشکیل دولت شروع می‌شود و تا نظارت بر حسن اجرای قوانین بر دولت و حتی بر کار نمایندگان از طریق تأیید یا رد اعتبارنامه نمایندگی ادامه دارد.

بنابراین، جایگاه مجلس شورای اسلامی در دو بعد قانون‌گذاری و نظارت، بسیار رفیع است و عموم نمایندگان در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه از قدرت لازم برخوردارند. احاطه بر مسائل کلان مملکتی، برخورداری از هوش، ذکاوت و درایت سیاسی، قوه تشخیص بالا، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل، حوصله، توانایی و سواد جست‌وجو، دستیابی و مطالعه اطلاعات، همراهی مشاوران خوش فکر، بادرایت و صاحب نظر، از ویژگی‌هایی است که انتظار می‌رود در یک نماینده مجلس در حد قابل قبول وجود داشته باشد. در صورتی که چند ویژگی مذکور در یک نماینده نباشد، تمرکز روی وظایف محوله کمرنگ و نماینده از وظایف اصلی خود منحرف می‌شود و چه بسا به اموری سطح پایین و دور از شأن والای نمایندگی سوق داده شود.

لذا اگر مردم با خواندن و بررسی این وظایف جایگاه مجلس شورای اسلامی در کشور را درک کنند، از نمایندگان خود انتظارات مهم‌تری در حوزه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه و ادارسازی دولت به پاسخگویی و انجام امور بهینه مردم را مطالبه خواهند کرد. بنابراین علاوه بر مفاد و مقررات قانونی در زمینه پاسخگو کردن نمایندگان، مطالبه قدرتمندانه و هوشمندانه مردم و نظارت همگانی آنها در رسانه‌ها، دیدارها و مراجعه به دفاتر و در نهایت نحوه رأی دادن و استفاده از قدرت رأی می‌تواند نماینده را در برابر مردم پاسخگو کند.

## ۶۷ - چه مواردی جزو وظایف نماینده مجلس نیست؟

نماینده مجلس در عین حال که وظایفی در قبال موکلان خود دارد، در قبال آنها وظایفی هم ندارد. واقعیت این است که وظایف حوزه بومی نمایندگی یک نماینده به صورت قوانینی ناتوشته و فاقد چارچوب مشخص و خارج از محدوده تعیین شده در قانون است. از این رو، هر نماینده به تشخیص خود در ایفای نقش در حوزه انتخابی‌اش، اقدام می‌کند. نماینده مجلس اختیار اجرایی ندارد و در حوزه انتخابیه نیز وظیفه‌اش نظارتی است، مثل نظارت بر نحوه اجرای قانون، مصوبات و بودجه در حوزه انتخابیه که می‌تواند ضعف مسنولان بومی را به مقامات عالی گزارش دهد. مردمان یک منطقه به نمایندگی از خودشان یک نفر را انتخاب می‌کنند تا حرف، مشکلات و کاستی‌ها را به عنوان منتخب و امین مردم به گوش مراجع بالاتر برساند و در کنار آن پیگیر خواسته‌های بر حق مردم و منطقه باشد.

نماینده مجلس باید بی‌عدالتی‌های احتمالی را در سطح منطقه پیگیری و از حق و حقوق مردم در حوزه انتخابیه خود با هدف اجرای هر چه بیشتر عدالت دفاع کند و با تلاش مضاعف از بی‌عدالتی و حق‌کشی نسبت به حقوق حقه مردم جلوگیری کند. نماینده می‌تواند با معرفی شاخص‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت کمی و کیفی موجود به مسنولان عالی کشوری و استانی یکی از مصداق‌های نظارت بر اجرای قانون باشد. در مجموع می‌توان موارد زیر را برشمرد که از جمله وظایف نمایندگان نیست:

۱- وظیفه نماینده دخالت در اجرا نیست: بسیاری از مردم و گاه خود نماینده‌ها امور اجرایی در حوزه انتخابیه مربوطه را جزء وظایف نماینده مجلس می‌دانند، در حالی که این وظایف عمدتاً بر عهده دستگاه‌های دولتی و قوه مجریه است. هنگامی که نمایندگان مجلس در محافل عمومی حضور می‌یابند، مردم تقاضای رفع معضلات شهری و معیشتی را دارند. گاه تمام نارسایی‌های شهرستان را از عملکرد نماینده می‌بینند، در حالی که پرداختن به این مسائل از حیطه وظایف نمایندگان مجلس خارج است. نماینده مجلس در مقام وکیل مردم موظف به نظارت بر اجرای این امور در منطقه و کشور است و حق دخالت در اجرا را ندارد. سرمایه‌گذاری، ایجاد کارخانجات تولیدی، تعویض و نصب مدیران دستگاه‌های دولتی، ایجاد اشتغال، رفع معضل بیکاری، ارائه خدمات از قبیل آب، جاده، برق، گاز، تلفن و غیره از وظایف قوه مجریه و نماینده عالی دولت در شهرستان یا استان است.

۲- نماینده واسطه مردم و دستگاه‌های اجرایی نیست: نماینده‌ای که واسطه مردم و دستگاه اجرایی شود، به جای وظیفه تصویب قانون و نظارت بر حسن اجرای آن، خود وسیله دور زدن قانون و عدم اجرای آن می‌شود. کار نماینده مجلس رفع مشکلات شخصی یکایک موکلان نیست. نیازهای موردی مردم که می‌تواند با روش‌های غیرعوام‌فریبانه و نظارتی به صورت گسترده‌تر و موثرتر مرتفع شود، به صورتی وقت‌گیر و مورد به مورد با انبوهی از نامه‌نگاری‌ها انجام می‌شود و جالب این است که هر چه بیشتر نظر مردم ناآگاه از وظایف نمایندگی را جلب می‌کند.

۳- نماینده حق دخالت مستقیم در عزل و نصب ندارد: نماینده حق سفارش خودی‌ها و اهالی ستاد برای انتصابات را ندارد، مگر اینکه از وی استعلام کنند و ایشان فردی را نه به سبب ستادی بودن، بلکه به دلیل لایق بودن سفارش کند، اما نباید تأکید یا تحمیل کند.

نماینده نباید خود را چه به حق و چه ناحق، در عزل و انتصابات شهری به صورت مستقیم و غیر مستقیم درگیر کند. شاید تصور و نیت برخی نمایندگان کمک به مجموعه برای برخورداری از مدیری شایسته و توانمند است، در حالی که به لحاظ محدودیت دایره دید و شناخت از افراد به ستاد و پیرامون، خود به خود انتصابات جناحی را دامن می‌زنند و همین نوع انتصاب دلیلی می‌شود که نماینده نتواند مدیر انتصابی را به صورت جدی بازخواست کند. عملکرد منفی مدیر نیز به وجهه نماینده آسیب خواهد زد.

۴- نماینده شفاعت‌کننده نیست: نماینده نباید به عنوان شفاعت‌کننده عمل کند، به عنوان مثال اگر درخواست شخصی را ارگانی اجابت نکرد، نباید در نقش یک پدر توصیه‌گر وارد عمل شود و به صورت موردی مشکلات را حل کند؛ به عبارت دیگر، نمایندگان نباید خود را در حد واسطه بین بانک‌ها، نهادها، ارگان‌ها و مردم تنزل دهند؛ بلکه در صورتی که آشفتگی و بی‌قانونی خاصی مشاهده شد یا نیاز به خدمات خاصی از سوی یک نهاد به شهروندان به وجود آمد، با نظارت بر عملکرد مدیران به اصلاح فراگیر و نه موردی، امور را در حوزه مربوطه بررسی و به این شکل به بهبود امور شهری و برطرف کردن نیازهای عموم شهروندان کمک کنند.

در نهایت، در صورتی که نماینده‌ای بیش از حد خود را در امور مربوط و نامربوط حوزه انتخابی درگیر کند، تبعاً در انجام وظایف اصلی خود دچار انحراف خواهد شد و بالعکس، اگر توجه، علاقه و احاطه به مسائل کشوری در او کم باشد، به سمت کارهای بومی و البته گاه سطح پایین روی خواهد آورد. بنابراین، درگیری نماینده با مسائل بومی نباید طوری باشد که اولاً، انحراف از وظایف نمایندگی اتفاق بیفتد، ثانیاً، باعث عدم تمرکز روی وظایف اصلی بشود، ثالثاً، به حرکت‌های پوپولیستی (عوام‌فریبانه) برای جلب آرای مردم برای دوره بعد تبدیل بشود و رابعاً، در مدیریت شهری اختلال ایجاد کند. اینجاست که جایگاه نمایندگی افول می‌کند.

#### ۶۸ - علنی و شفاف شدن رأی نمایندگان مجلس چقدر اهمیت دارد؟

ایده علنی بودن رأی نمایندگان در ایران سالیان زیادی سابقه دارد و به دلیل منطق نهفته در آن، بدون توجه به نوع گرایش و سلیقه سیاسی باید از ایده درست «علنی شدن رأی نمایندگان» دفاع کرد. رأی مخفی، کل رابطه مردم و نمایندگان مجلس برای اعتماد کردن و ارزیابی عملکرد را به گفتارهای نمایندگان که می‌تواند نمایش گفتاری هم باشد تقلیل می‌دهد. نمایندگان مجموعه‌ای از کردارها را انجام می‌دهند که واقعی‌ترین و شاید مؤثرترین‌شان رأی دادن است. بخش مهمی از نمایندگان در کل طول عمر نمایندگی خود هرگز نطق مهمی انجام نمی‌دهند، طرحی پیشنهاد نمی‌کنند و سخن مؤثری درخصوص لوایح و قوانین در کمیسیون‌های مجلس یا صحن علنی ارائه نمی‌دهند، اما رأی ایشان در کمیسیون‌ها و صحن علنی تأثیرگذار است. مخفی بودن رأی سبب می‌شود واقعی‌ترین و مؤثرترین کردار نماینده در طول دوران فعالیتش از دید موکلان دور بماند. رأی مخفی دست نمایندگان را برای بازی کردن نمایش‌های جذاب برای مردم و رأی دادن خلاف نظر مردم، بده بستن‌های سیاسی و اقتصادی با وزرا و سایر اقدامات نادرست باز می‌گذارد.

برعکس، شفافیت آرا هم نمایندگان را مسئولیت‌پذیر می‌کند و هم مردم را در شناخت عملکرد و موضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وی برای دوره‌های بعدی مساعد می‌کند. شفافیت رأی نمایندگان، آنها را وادار می‌کند فعالیت و شناسنامه پارلمانی، شامل تلاش



برای مشارکت در طرح‌ها و لوایح، نطق و موضع‌گیری و... داشته باشند. برخلاف برخی که گفته‌اند آشکار شدن رأی، نمایندگان را از جهت رد صلاحیت یا سایر برخوردها در معرض فشار قرار می‌دهد، اساساً روند و نحوه رد یا تأیید صلاحیت و مرجع آن به دانستن رأی نماینده نیاز ندارد؛ زیرا شیوه و روند خاص و تعریف‌شده خود را دارد. علنی و شفاف شدن رأی نمایندگان مجلس زمینه را برای آشکار شدن کردار سیاسی نمایندگان، پاسخگو ساختن آنها در برابر گروه‌ها و احزابی که به آنها منسوب هستند، فراهم می‌کند.

## ۶۹- وظایف مجلس یازدهم در چینش صحیح مولفه‌های حوزه سیاست

### خارجی چه خواهد بود؟

به طور کلی در هر کشوری، پارلمان در حوزه سیاست خارجی هم قدرت «تصمیم‌سازی» دارد، هم «کنش» و هم «واکنش»! متأسفانه این توانایی‌ها در مجلس دهم بالقوه باقی مانده است و در دوره جدید باید وضعیتی بالفعل پیدا کند. در طول چهار سال اخیر، بارها کنگره آمریکا یا مجلس عوام انگلیس یا پارلمان اروپا مصوباتی الزام‌آور یا غیرالزام‌آور علیه کشورمان تصویب کرده‌اند؛ اما مجلس اقدامی در مواجهه با این مسئله صورت نداده و منفعل عمل کرده است. پس نخستین وظیفه مجلس جدید، بازیابی نقش این نهاد در اصلاح حوزه سیاست خارجی کشور از طریق «خروج از وضعیت انفعال» است. دومین اقدامی که مجلس یازدهم باید در حوزه سیاست خارجی صورت دهد، بازچینش و مرتب‌سازی مولفه‌ها، اولویت‌ها و در نهایت اهداف جاری در حوزه سیاست خارجی (اعم از اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) بر اساس نیازهای امروز ملت و نظام است. هم اکنون صحنه بسیار پیچیده است؛ اما باید بپذیریم که دولت و مجلس فعلی ما، خود به صورت ناخواسته و البته گاهی خواسته در شکل‌دهی این تصویر مبهم و پیچیده نقش داشته‌اند. پس مجلس جدید در گام دوم، باید حوزه سیاست خارجی کشورمان و آنچه را که در آن می‌گذرد، شفاف کند.

گام سوم، مرحله اقدام و عمل است؛ یعنی جایی که اصلی‌ترین کار مجلس آغاز می‌شود. این اقدام قطعاً باید منبعث از «رصد هوشمندانه اوضاع» و «در نظر گرفتن منافع ملی» باشد. در این زمینه، مجلس باید به اندازه‌ای استقلال و توانمندی داشته باشد که بر سر یک «تصمیم قاطعانه» در راستای «منافع ملی کشور» بتواند هزینه دهد. بدیهی است که در این میان، مجلس باید آنقدر توانمند باشد که در موارد ضروری، بر روی تصمیم خود پافشاری کند و حتی در مقابل خواسته‌ها و مواضع غیرمنطقی دولت نیز بایستد. برداشته شدن گام‌های اول، دوم و سوم ترسیم شده، به معنای شکل‌گیری یک «مجلس تعیین‌کننده» یا «مجلس توانمند» در حوزه سیاست خارجی کشور خواهد بود.

## ۷۰ - مجلس یازدهم به صورت جدی باید بر روی چه مواردی در حوزه

### سیاست خارجی متمرکز شود؟

به نظر می‌رسد، مهم‌ترین موضوعی که مجلس یازدهم باید بر روی آن ورود پیدا کند، تعیین تکلیف «دیپلماسی اروپایی» است. رهبر معظم انقلاب بارها در سخنان خود گفته‌اند نمی‌توان بر روی برجام اروپایی حساب باز کرد. ایشان تأکید کرده‌اند، در عین مفتوح نگه داشتن باب دیپلماسی با اروپا، نباید بر روی این مجموعه، آن هم در حل معضلات کشور حسابی باز کرد. تأکید می‌کنم که مهم‌ترین وظیفه مجلس، کاهش وزن «دیپلماسی اروپایی» و متعاقباً، تمرکز بر دیگر حوزه‌ها (دیپلماسی شرقی و منطقه‌ای) است. هم اکنون توان و تمرکز اصلی حوزه سیاست خارجی کشور و وزارت امور خارجه، متوجه و معطوف به دیپلماسی اروپایی است. بازیگران اروپایی نیز عملاً نشان داده‌اند که متغیری وابسته به ایالات متحده بوده و حتی در بسیاری از موارد، جزئی از نقشه و جورچین راهبردی واشنگتن در مواجهه با ایران هستند. با توجه به این موضوع، «دیپلماسی اروپایی» نباید حکم «مجرای اصلی» سیاست خارجی ما را داشته باشد که متأسفانه هنوز همین‌طور است.

در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای، لازم است بار دیگر ظرفیت‌های موجود در پیرامون ما دقیقاً احصا، تجمیع و برای آنها برنامه‌ریزی شود. ما با کشورهایمانند عراق، سوریه، لبنان، ترکیه، قطر و عمان مواجه هستیم که یا روابط خوبی با ما دارند یا برای شکل‌دهی این روابط خوب آمادگی دارند. از سوی دیگر، در این معادله باید تکلیف کشورهایمانند عربستان سعودی و بحرین که به مهره ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در تقابل با ایران تبدیل شده‌اند، مشخص شود. نوع رفتار ریاض و ابوظبی در ماجرای شهادت سردار سلیمانی و سکوت توأم با وحشت و سردرگمی آنها در قبال این مسئله به خوبی نشان می‌دهد عربستان، امارات و بحرین در عمل قدرتی برای مواجهه مستقیم با ایران ندارند. در چنین وضعیتی، باید از طریق یک «مجلس قوی» به متحدان منطقه‌ای آمریکا مهلت داد تا تکلیف نهایی خود را در این معادله مشخص کنند.

در حوزه دیپلماسی شرقی (دیپلماسی با چین و روسیه) و نحوه تعامل ایران با سازمان همکاری‌های شانگهای یا اتحادیه اقتصادی و گمرکی اوراسیا نیز نقش مجلس یازدهم انکارناپذیر است. طی سال‌های اخیر تمرکز خاص بر «دیپلماسی غربی» سبب شده است تا بسیاری از ظرفیت‌های موجود در حوزه دیپلماسی شرقی کشورمان نهفته باقی بماند که وظیفه مجلس یازدهم فعال کردن این موارد است. این فعال‌سازی، هم می‌تواند به طور مستقیم با ارائه طرح‌هایی مبتکرانه از سوی مجلس صورت پذیرد و هم می‌تواند از طریق رایزنی با دولت و در نهایت، تنظیم لوایحی کاربردی از سوی قوه مجریه صورت گیرد.

## ۷۱ - وظیفه کمیسیون سیاست خارجی مجلس در تحقق اهداف سیاست

### خارجی چیست؟

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، قلب و مرکز هدایت این فرایند سخت، اما بسیار پربازده است. کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی، اقتصاد و بودجه، سه کمیسیونی هستند که بیشترین نقش را در تغییر الگوواره‌های نادرست موجود در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد کشور ایفا می‌کنند. این کمیسیون‌ها باید در تعامل مستقیم با یکدیگر باشند و در تحلیل، رصد و متعاقباً اقدام در قبال شرایط موجود نگاه جزیره‌ای و جدا نداشته باشند. به واقع مجلس یازدهم در حوزه سیاست

خارجی کشور باید نقش یک «دور برگردان» را ایفا کند و به بازتنظیم نسبت بازیگران بین‌المللی با کشورمان و وزن‌دهی منطقی به آنها بپردازد.

همکاری کمیسیون اقتصادی با کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی باید بسیار گسترده و تنگاتنگ باشد و از «اصلاحات ساختاری» تا «اقدامات تاکتیکی» را در بر بگیرد. متأسفانه، بر اثر تحولاتی که در حوزه سیاست خارجی کشورمان صورت گرفته است، شاهد شکل‌گیری نوعی «اقتصاد تحریم‌محور» در کشور هستیم. اقتصاد ما متغیری وابسته به تهدید و تحریم بازیگران خارجی و در رأس آنها ایالات متحده شده است. در چنین ساختار معیوبی، قیمت دلار، شاخص بورس و حتی قیمت کالاها در کشور با اعلام یک موضع‌گیری سلبی یا ایجابی از سوی مقامات غربی تغییر می‌کند که این ساختار معیوب باید از بین برود. رهبر معظم انقلاب سال‌هاست از تحقق اقتصاد مقاومتی یا «تولیدمحور» به مثابه تنها راه حل ممکن برای گذار از «اقتصاد تحریم‌محور» نام برده و حتی خطوط کلی آن را نیز تشریح کرده‌اند. هم‌اکنون نوبت اقتصاددانان انقلابی است تا شاخصه‌های «اقتصاد درون‌زا» را تعریف کرده و ظرفیت‌های اقتصادی کشور را به سمت «گذار از وضعیت موجود» سوق دهند. اگر مجلس یازدهم بتواند همین رسالت را انجام دهد، دین خود را به ملت و انقلاب ادا کرده است. در اینجا متوجه نقش محوری و اساسی دو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و کمیسیون اقتصادی مجلس خواهیم بود و لذا این دو کمیسیون در مجلس جدید باید رویکرد و رفتاری کاملاً هم‌افزاینده داشته باشند و دفاع یکدیگر نباشند.

#### ۷۲ - مجلس دهم چه کارنامه‌ای از خود به جای گذاشته است؟

آخرین وضعیت عملکردی مجلس شورای اسلامی در عرصه قانونگذاری را می‌توان در گزارش رییس مجلس در نشست رسانه‌ای دهم آذرماه ۱۳۹۸ مشاهده نمود که بمناسبت روز مجلس برگزار شد. مبتنی بر دیدگاه ایشان در مجلس دهم کارهای مهمی صورت گرفت که هر سال قانون بودجه با دقت تصویب شد و بسیاری از مشکلات دولت در جریان بررسی و تصویب قانون مرتفع شد از جمله مسائل مربوط به کشاورزان و روستاییان، بازنشستگان، بنیه دفاعی کشور و مسائل مربوط به قوا در قانون بودجه لحاظ شده است. قانون برنامه ششم توسعه نیز از سوی مجلس تدوین شد، زیرا دولت برنامه ناقصی را ارائه داده بود بنابراین مجلس مجدداً آن را تدوین کرد.

مجلس دهم بر اساس تعداد قوانین ابلاغی که تصویب کرد تاکنون ۱۶۲ قانون تصویب کرد که ۶۳ مورد آن طرح و ۹۹ مورد لایحه بوده است. قانون توسعه و اشتغال پایدار در روستاها یکی از قوانین مهم بود که مجلس دهم برای روستاییان و جوانان تصویب کرد که به موجب آن از صندوق توسعه منابعی اختصاص داده شد تا مشکلات روستاها مرتفع شود.

قانون رفع موانع تولید از قوانین مترقی بود که متأسفانه به خوبی اجرا نشد، قانون ارزش افزوده که به موجب آن سهمی به شهرداری‌ها و روستاها برای آبادانی داده شد؛ همچنین برای گازرسانی و آسفالت روستاها قانون تصویب شد و در بودجه منابعی در نظر گرفته شد. قانون حفاظت از خاک، قانون هوای پاک نیز از دیگر قوانین مهم مصوب در مجلس دهم است.

قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیک، قانون جامع حدنگار، قانون مربوط به افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها، قانون ساماندهی صنعت خودرو، قانون حمایت از محیط‌بانان و جنگلبانان، قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی و فرهنگی، قانون حمایت از هنرمندان، قانون حمایت از حقوق معلولان، قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای، قانون پیشگیری از تقلب در آثار علمی، قانون تأسیس مدارس و مراکز آموزش، تأسیس اداره مدارس و آموزشگاه‌های غیردولتی، قانون کاهش ساعت کار بانوان شاغل و دارای شرایط خاص، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان، قانون صدور چک، قانون مبارزه با پولشویی، قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان، قانون کاهش مجازات اعدام، قانون مقابله با تأمین منابع مالی تروریسم، قانون تجارت که بررسی آن همچنان ادامه دارد، قانون مبارزه با نقض حقوق بشر و مقابله با اقدامات آمریکا، قانون اصلاح تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور، تدوین قوانین بانکداری که در دستور کار کمیسیون است، از جمله قوانین مربوط به مجلس دهم است.

مجلس دهم در ارتباط با موسسات اعتباری، سازوکاری را با کمک مقام معظم رهبری تعبیه کرد که به موجب آن مشکل میلیون‌ها نفر رفع شد.

در حوزه عملکرد نظارتی، تاکنون ۱۶۵ سوال در مجلس دهم از وزرا مطرح شده، همچنین یک مورد سوال از رئیس جمهور در دستور کار قرار گرفت. ۶ مورد تحقیق و تفحص در مجلس قرانت شد که موضوعات آن مرتبط با صندوق فرهنگیان، سازمان تأمین اجتماعی، قانون هدفمندی یارانه و ... بود. ۶ مورد استیضاح در صحن مجلس مطرح شد که دو مورد از آن به رای اعتماد منجر شد. از ماده ۲۳۴، ۱۳ مورد تخلف دستگاه‌ها احصاء شد و به قوه قضائیه ارجاع شد. کمیسیون‌های تخصصی ۳۱ مورد گزارش به مجلس دادند که موضوعات آن مرتبط با حادثه پلاسکو، سیل، احیای دریاچه ارومیه، حوادث تروریستی اهواز، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در ارتباط با موسسات اعتباری و مالی بود البته این گزارشات مجزا از گزارش دیوان محاسبات درباره تفریغ بودجه است که هر سال در مجلس قرانت می‌شود.

در کنار این عملکرد مثبت، انتقادات جدی به مجلس وارد است که این انتقادات از زبان کارشناسان امر با گرایش‌های سیاسی متنوع بیان گردیده است. فقدان کارآمدی لازم، ناتوانی در حل مشکلات کشور، فقدان اراده کافی برای مبارزه با فساد، نبود نظارت مطلوب و مؤثر بر عملکرد دولت و تبدیل شدن به شعبه دوم دولت!، ضعف در شفافیت، ضعف قانونگذاری و نظارت، ضعف مدیریتی، وجود فاصله بین خروجی مجلس با نیازهای مردم، عدم اتخاذ مواضع قاطع در برابر استکبار و دشمنان، در راس امور نبودن مجلس و ... از جمله انتقادات جدی مطرح به مجلس دهم است، به نحوی که به اعتبار اظهارات بخش قابل ملاحظه‌ای از منتقدان، مجلس دهم را می‌توان در ردیف یکی از ضعیف‌ترین مجالس پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی قرار داد.

گفتار هفتم:

# اولویتهای کشور در آستانه انتخابات

۷۳- اولویتهای کشور در نگاه رهبری کدام است؟

برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی، رهبر حکیم انقلاب سالهاست که در حال ریلگذاری هستند و اولویتهایی را در عرصه‌های مختلف کشور تبیین و هدفگذاری کرده‌اند. رهنمودهای راهبردی ایشان را می‌توان به دو حوزه «خودشناسی» و «دشمن‌شناسی» تقسیم کرد.

در حوزه دشمن‌شناسی گزاره‌های زیر، دکترین‌های راهبردی تفکر ایشان را تشکیل می‌دهند:

الف - دشمن‌شناسی (شامل ضرورت شناخت دشمن، هوشیاری در برابر دشمن، تبعیت نکردن از دشمن، اعتماد نکردن به دشمن، ایستادگی در برابر دشمن، شناخت توطئه‌ها و

سناریوهای دشمن اعم از تهدید نظامی، نفوذ و براندازی، جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای، تهاجم فرهنگی، تحریم‌های اقتصادی، کودتای مخملین و...  
 ب - مبارزه با آفات و انحرافات (شامل عافیت‌طلبی، دنیازدگی، فقر و فساد و تبعیض، تکاثر و ثروت‌اندوزی، محافظه‌کاری، خستگی و انفعال و وادادگی، استحاله و فراموشی آرمان‌ها و...).

در حوزه خودشناسی و عرصه‌هایی که باید تلاش همه‌جانبه در آنها انجام شود، رهبر حکیم انقلاب همواره بر چند عرصه به طور ویژه تأکید داشته‌اند:

الف - در عرصه سیاسی؛ مؤلفه‌هایی، چون مردم‌سالاری دینی، حفظ وحدت ملی، تأمین امنیت ملی، حفظ استقلال سیاسی، عدالت‌خواهی و گسترش عدالت، تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی، ثبات و آرامش سیاسی، شایسته‌سالاری، کارآمدسازی نظام سیاسی و... .

ب - در عرصه اقتصادی؛ مؤلفه‌هایی، چون طرح‌ریزی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، شکوفایی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تقویت ساخت درونی، مدیریت جهادی، اصلاح الگوی مصرف، حمایت از تولید داخلی و خرید کالای ایرانی و حل مشکلات بیکاری.

ج - در عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی؛ مؤلفه‌هایی، چون تقویت هویت اسلامی و انقلابی، تقویت خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی، سبک زندگی اسلامی - ایرانی، جهاد علمی و جنبش نرم‌افزاری، مسئله جمعیت، تربیت اسلامی نسل‌های آینده، نشاط و پویایی جامعه و... .

#### ۷۴ - آیا فرهنگ، جز مسایل حائز اهمیت این روزهای کشور است؟

یکی از مهمترین مباحث در هر نظام سیاسی تشخیص اولویت‌ها است. بدون اولویت‌سنجی هم توان و انرژی کشور به درستی خرج نخواهد شد و هم آفت و مشکلات کشور جامعه را آزار خواهد داد. هر نظام سیاسی که نتواند اولویت‌های خود را در بحث پیشرفت و توسعه مشخص نماید، بدون شک در مسیر انحرافی پیش خواهد رفت که آثار عینی آن پس از چند سال مشخص خواهد شد. البته گاه این فرصت سوزی‌ها جبران‌ناپذیر بوده و امکان ترمیم و اصلاح آن وجود ندارد.

رهبر معظم انقلاب در طول سالهای اخیر همواره بر اولویت فرهنگ تأکید کرده‌اند. ایشان در دیدار با هیئت دولت در سال ۱۳۹۵ فرمودند: «اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه می‌شود]!» (۹۵/۶/۳)

اهمیت فرهنگ در گفت‌وگو و نگاه رهبری تا بدانجا است که با صراحت اعلام می‌دارند: «مسئله‌ی مهمی که در ذهن بنده همیشه هست - آنطور که فرمودند، در جلسه هم مطرح شده - و مورد دغدغه‌ی افراد است، مسئله‌ی فرهنگ است؛ مهم است. مسئله‌ی فرهنگ از مسائل اقتصادی مهمتر است، از مسائل سیاسی مهمتر است. (۸۹/۶/۲۵) معظم‌له در جایی دیگر مجدداً در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تأکید می‌فرماید: «فرهنگ، در بلندمدت، از اقتصاد خیلی مهمتر است؛ اقتصاد مسئله‌ی فوری و اولویت‌کنونی ما است، [اما] مسئله‌ی فرهنگ یک مسئله‌ی مستمری است و بسیار مهم است؛ حتی در قضیه‌ی اقتصاد هم مهم است.» (۹۵/۳/۱۶)

بدون شک دشمن نیز جایگاه بنیادین و کلیدی فرهنگ را به خوبی درک کرده است. لذا در صحنه تقابل تمام عیار با جمهوری اسلامی اولویت را در فرهنگ می‌بیند! چرا که «اگر ملتی اجازه داد فرهنگ ملی‌اش پایمال تهاجم فرهنگهای بیگانه شود، آن ملت از دست رفته است. ملت غالب، ملتی است که فرهنگش غالب است. غلبه‌ی فرهنگی است که می‌تواند غلبه‌ی اقتصادی و سیاسی و امنیتی و نظامی و همه چیز را هم با خود به دنبال بیاورد.» (۷۲/۵/۱۲)

#### ۷۵ - مهمترین راه برون‌رفت از وضع فعلی اقتصاد چیست؟

کشور در وضعیت جنگ ترکیبی قرار دارد که در آن بر اقتصاد تمرکز کرده و به همین منظور لازم است اول این جنگ اقتصادی برای جامعه و ملت ما فهم شود و قوای مقتنه، مجریه و قضائیه در رویکردها، جهت‌گیری‌ها و اقدامات‌شان این باور را داشته باشند که در جنگ اقتصادی قرار داریم. به طور حتم راه خنثی کردن، تغییر نگاه دشمن برای برداشتن فشارها نیست؛ بلکه باید به ظرفیت‌هایی که در داخل کشور داریم، توجه کنیم؛ اما یکی از نکات مهم این است که مردم ما نسبت به این وضعیت آگاهی پیدا کنند، وقتی کشوری مورد هجوم قرار می‌گیرد، راه پیروزی‌اش این است که مردمش، خودشان را در مقابله و دفاع سهیم بدانند، آنچه در جنگ نظامی هشت ساله داشتیم، دفاع مردم‌پایه بود. حضرت امام(ره) مردم را در جنگ سهیم کردند و یک دفاع مردم‌پایه شکل گرفت و کمک‌های مردمی بر پایه بسیج سهم بالایی در جنگ و در تبدیل شدن آن به دفاع مقدس داشت. به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته‌ایم مردم را نسبت به جنگ اقتصادی و اینکه چگونه می‌توانند در برون‌رفت از این جنگ نقش داشته باشند، آگاه کنیم؛ اما به هر حال در جامعه لایه‌ها و اقشار گوناگونی وجود دارد، دولت به طور حتم باید به اقشار آسیب‌پذیر بیشتر توجه داشته باشد، تولید را بیشتر و اقتصاد مقاومتی را پیاده‌سازی کند؛ موضوعی که ضرورت آن امروز بیشتر از گذشته است. دشمن به دنبال این است که مشکلات فشر آسیب‌پذیر جامعه را بیشتر کند. پس یکی از راه‌های کاهش آسیب‌ها این است که نگذاریم کارخانه‌ها و صنایعی که کارگران فعال دارند دچار رکود شوند؛ لذا باید واردات را مدیریت و مبارزه با قاچاق و مفساد اقتصادی را به طور جدی دنبال کرد؛ چرا که کشور ما برای برون‌رفت از این وضعیت ظرفیت‌های بالایی دارد.

#### ۷۶ - آیا امکان اجرای اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟

بله؛ کاملاً امکان‌پذیر است؛ زیرا

- ۱ - سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را مسنولان، متخصصان و کارشناسان اقتصادی با اشراف به وضعیت اقتصادی کشور و بعد از صدها ساعت هم‌فکری و مشورت تدوین کرده و در نهایت رهبری معظم تأیید و ابلاغ فرموده‌اند.
- ۲ - بعد از ابلاغ این سیاست‌ها، هیچ اقتصاددانی امکان تحقق آن را رد نکرده است، هر چند اذعان دارند که در مرحله عمل کاری سخت، اما شدنی است.
- ۳ - پیش‌نیاز تحقق اقتصاد مقاومتی دو موضوع کلان و بسیار مهم است که هر دو ذهنی هستند و تا این دو موضوع به صورت اجماع میان ملت و مسنولان محقق نشود، کار اقتصاد مقاومتی به سامان نمی‌رسد. این موضوعات عبارتند از:

الف - باور به وجود یک دشمن جدی و قسم‌خورده که امروز همه توان و نیروی خود و یارانش را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیج کرده و هجمه اقتصادی را در اولویت خود قرار داده است: متأسفانه امروز در این موضوع اجماع حاصل نشده و برخی مسئولان آنطور که باید و شاید دشمنی و هدف نظام سلطه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی را باور ندارند.

ب - باور به وجود استعداد و ظرفیت فراوان داخلی برای مقابله با این دشمن: امام راحل فرمودند: «عمده این است که ما باور کنیم که می‌توانیم.» این باور به توانستن در تحریم‌های تسلیحاتی از ابتدای انقلاب تا کنون به بهترین وجه ممکن خود را نشان داده است و ایران که حتی در گذشته سیم خاردار را وارد می‌کرد، نه تنها با اتکا به دانش بومی، یک قدرت موشکی جهانی به شمار می‌رود؛ بلکه به صادرکننده تسلیحات به ۴۳ کشور دنیا نیز تبدیل شده است. صنعت هسته‌ای، نانو فناوری، صنعت سدسازی، پزشکی و شبیه‌سازی و... نیز مصادیق بارز این خواستن و توانستن هستند. با این اوصاف، آیا ظرفیت‌های فراوان اقتصادی کشور (نیروی انسانی نخبه، منابع معدنی و طبیعی فراوان و بعضاً استثنایی، موقعیت جغرافیایی، اقلیم چهار فصل، شرکت‌های دانش‌بنیان، نیروی کار ارزان و...) نمی‌تواند اقتصاد مقاومتی را محقق کند؟

۴ - تجربه ۳۸ ساله انقلاب، به همراه تجربه برخی کشورها که از وابستگی اقتصادی به قدرت‌ها لطمه دیده‌اند و نیز تلاطم‌های اقتصادی جهانی پیش‌بینی‌ناپذیر، مسائلی هستند که لزوم حرکت جدی و عملی به سمت اقتصاد مقاومتی را به ما گوشزد می‌کنند.

۷۷ - چرا با وجود آنکه در حوزه‌هایی مانند توان دفاعی، پیشرفت‌های

راهبردی داشته‌ایم، در حوزه‌هایی، مانند اقتصاد پیشرفت چشمگیری

نداشته‌ایم؟

عوامل و متغیرهای متعددی در این زمینه می‌توان ذکر کرد، اما به طور خلاصه، ریشه قوت‌ها و ضعف‌ها در حوزه‌های مختلف کشور را باید در نوع جهت‌گیری‌های حاکم بر توسعه آنها دانست؛ به این معنا که در هر حوزه‌ای که بر اصول و مبانی انقلابی تأکید داشته، جهت‌گیری‌های درون‌نگر، مدیریت جهادی و... حاکم بوده است، پیشرفت کرده‌ایم؛ مانند حوزه علم و فناوری یا حوزه دفاعی. جالب آن است که در این حوزه‌ها هم همیشه با تحریم‌های سنگینی مواجه بوده‌ایم؛ یعنی با وجود موانع و فشارهای متعدد، توانسته‌ایم پیشرفت کنیم. با این حال، در حوزه‌هایی مانند اقتصاد که از اصول و مبانی انقلابی فاصله گرفته‌ایم و جهت‌گیری‌های معطوف به تقویت درون، مدیریت جهادی و انقلابی نداشته‌ایم و در عوض، به بیرون از مرزهای کشور چشم دوخته‌ایم، پیشرفت‌های چشمگیری نداشته‌ایم. دقت در آمارهای تخصیص بودجه و اعتبار در سال‌های مختلف ادعای مطرح شده را به خوبی تأیید می‌کند؛ زیرا در حوزه دفاعی در حالی که توان دفاعی راهبردی و بازدارنده دست یافته‌ایم که بودجه اختصاص یافته به تقویت بنیه دفاعی کشور حدود پنج درصد بوده، اما در حوزه اقتصاد که چالش‌های زیادی داریم، حدود ۸۵ درصد بودجه سالیانه کل کشور به آن اختصاص دارد.



۷۸- در وضعیت کنونی کشور فسادستیزی از چه ضرورت‌هایی برخوردار

است؟

تحقق عدالت و مبارزه با فساد دو روی یک سکه‌اند که گاه مبارزه با فساد، تقدم بر تحقق عدالت نیز دارد. در این مسیر نقش و جایگاه دستگاه قضایی نقشی کلیدی و اثرگذار است که باید برای تحقق آن تلاش مضاعف صورت گیرد. انتخاب رئیس جدید دستگاه قضایی امیدهای فراوانی را در دل عدالت‌خواهان ایجاد کرده است. تصمیمات ارزشمند ایشان، از جمله اجرایی کردن قانون «رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی» مشهور به اصل «از کجا آورده‌اید؟!» که سالیان متمادی در کناری مانده بود، امیدهای فراوانی برای گسترش عدالت در میان طبقات مختلف مردم ایجاد کرده است.

فسادستیزی تا آنجا اهمیت دارد که در میان توصیه‌های هفت‌گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور به «عدالت و مبارزه با فساد» اختصاص دارد؛ ایشان فرموده‌اند: «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضرب‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.»

امروز مبارزه با فساد اقتصادی به مطالبه‌ای عمومی در جامعه تبدیل شده است. امروز فساد متعلق به یک قشر خاص با باور و نگرشی ویژه نیست، فسادستیزی پیر و جوان و زن و مرد نمی‌شناسد، بلکه عموم جامعه‌خواهان مبارزه با فساد هستند. دستگاه قضا نیز به عنوان مدعی‌العموم و نماد وجدان جامعه باید یک‌تاز این میدان شود و اراده ملت را در عمل محقق کند.

البته باید توجه داشت که مبارزه با فساد باید به برخورد ریشه‌ای با این معضل بینجامد. فساد تا از ریشه خارج نشود، همواره می‌تواند دوباره سر برآورد و جامعه را آلوده کند؛ اما اگر از ریشه خشکید، مجدداً سر باز نخواهد کرد. این برخورد ریشه‌ای، البته نیازمند مبارزه‌ای بی‌امان در دستگاه‌های نظارتی و قضایی است و گرنه برخوردهای سطحی و نمایشی پاسخگوی حل بنیادین فساد نخواهد بود.

فسادستیزی باید مبارزه‌ای بی‌امان باشد. برخوردهای مقطعی، گزینشی و فصلی شاید در محدوده زمانی و مکانی خاصی بتواند موجب انفعال مفسدان اقتصادی شود، اما با تعطیلی مبارزه، باز هم بازار مفسدان رونق خواهد یافت. تجربه گذشته به خوبی صدق این گفتار را تأیید می‌کند. لذا مبارزه با فساد باید آن‌چنان قانونمند و سیستماتیک شود و همه موانع حقوقی، اجرایی، نظارتی، امنیتی و انتظامی آن رفع شود که تخم‌های فساد امکان جوانه زدن نیابند. بدون شک استقامت متولیان امر و تداوم و استمرار نگرهبانی از عدالت به تدریج مفسدان را از ادامه کار منصرف و آنها را به تغییر رفتار مجبور خواهد کرد.

۷۹ - در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، دشمنان ملت ایران از یک‌سو برای

افزایش فشارهای اقتصادی و از سوی دیگر برای ناامید کردن مردم از آینده

تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند، با توجه به این وضعیت، چه آینده‌ای

پیش روی انقلاب اسلامی وجود دارد؟

آینده انقلاب اسلامی قطعاً آینده‌ای روشن، امیدبخش و رو به تعالی است و همان‌گونه که مشکلات، چالش‌ها و توطئه‌های گذشته نتوانسته مسیر انقلاب را سد کند، مشکلات و فشارهای فعلی نیز قادر به این کار نخواهد بود. با این حال، تداوم انقلاب اسلامی و رقم خوردن آینده روشن آن، با چند چالش مواجه است که عبارتند از:

تغییرات ارزشی - نگرشی در حوزه اجتماعی که با ارزش‌های بومی، مألوف و رسمی زاویه دارد، قدرت‌گیری نخبگان توسعه‌گرا و معتقد به برون‌گرایی و ادغام در نظام جهانی برای تحقق توسعه کشور و ضعف‌هایی که در تحقق هر چه بیشتر عدالت اجتماعی در کشور وجود دارد. بر اساس این، برای تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی باید به تولید محتوای فرهنگی اثربخش برای بازتولید فرهنگ اسلامی انقلابی در سطح جامعه، به منظور پاسخگویی به خواسته‌های فرهنگی - اجتماعی در داخل کشور، اثبات کارآمدی نگاه انقلابی و درون‌گرا یا به عبارتی، اثبات اینکه تنها راه حل مشکلات اقتصادی و تحقق توسعه کشور، اتکا به ظرفیت‌های بی‌شمار درونی است و رفع تبعیض، کاهش شکاف طبقاتی، محرومیت‌زدایی و هر اقدام دیگری که به تحقق هرچه بیشتر عدالت اجتماعی جامعه عمل می‌پوشاند، توجه جدی داشت.

۸۰ - استکبارستیزی چه منافعی برای ملت ایران داشته است؟ آیا به جز

تحریم و انزوای بین‌المللی، ثمره دیگری هم داشته است؟

انقلاب اسلامی ذخایر فکری و فرهنگی بی‌نظیری دارد که با خوانش نو و به روز از آنها می‌توان مشکلات را حل و زمینه پیشرفت را فراهم کرد. یکی از دستاوردها و ذخایر مهم انقلاب اسلامی، فرهنگ مقاومت در مقابل نظام سلطه یا استکبارستیزی است. واقعیت این است که فراموش کردن آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، نه تنها به حل مشکلات اقتصادی کمک نمی‌کند، بلکه سبب افزایش مشکلات شده و سرمایه‌های مختلف مادی و معنوی را که در طول دوران انقلاب اسلامی و چهار دهه بعد از آن ذخیره شده است، بر باد می‌دهد. از سوی دیگر، استکبارستیزی نه به معنای ستیز و منازعه‌جویی در سطح دیپلماسی و نه به معنای انزوا و عدم ارتباط با دیگر کشورها؛ بلکه این رویکرد با موانع ارتباط برابر و عادلانه کشورها با یکدیگر مبارزه می‌کند و خواهان استفاده همه ملت‌ها و دولت‌ها از نظام بین‌الملل است. با این حال به طور مشخص می‌توان گفت، استکبارستیزی منافع راهبردی ذیل را برای کشور ایران به همراه داشته است:

۱- استقلال سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی؛ مهم‌ترین عرصه‌ای که استقلال در آن نمود می‌یابد، حوزه سیاست است و استقلال در دیگر حوزه‌ها، همچون فرهنگ و اقتصاد، وابسته به استقلال سیاسی یک کشور است؛ از همین رو مهم‌ترین حوزه‌ای که دولت‌های استکباری می‌کوشند در آن نفوذ کنند، همین حوزه سیاست است که با تسلط بر آن شاهرگ حیات و سرنوشت یک ملت را در دست گرفته و فرهنگ و اقتصاد آن را نیز آن‌گونه که منافع آنها ایجاب می‌کند، تغییر می‌دهند.

۲ - افزایش ضریب امنیت ملی و ارتقای توان دفاعی کشور؛ توان نظامی ایران در دوران قبل از انقلاب، نیرویی در خدمت اهداف آمریکا، انگلیس و حتی رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا بود. در مقابل، فرهنگ استکبارستیزی و غیریت‌سازی جمهوری اسلامی با قدرت‌های سلطه‌گر و مقابله با اهداف آنها در منطقه، سبب شده است امروزه جمهوری اسلامی ایران از لحاظ توان بازدارندگی نظامی، برخوردار از ابتکار عمل، توان اطلاعاتی و قدرت انتلاف‌سازی در منطقه غرب آسیا به برتری بی‌سابقه‌ای دست یابد و مشارکت در حل بحران سوریه و عراق، این توانمندی را بیش از پیش افزایش داده است. اقتدار نظامی ایران در منطقه تنها یک اقتدار سخت نیست؛ بلکه گروه‌های مردمی کشورهای گوناگون منطقه، همچون حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، انصارالله در یمن، حشدالشعبی در عراق، جیش‌الوطنی در سوریه و... از جمله نمونه‌هایی است که پیوند نفوذ فرهنگی و توان نظامی ایران در منطقه را نشان می‌دهد. همچنین مبارزه با اهداف استکباری در منطقه که طی سال‌های اخیر در مجاهدت‌های گروه‌های مقاومت اسلامی با تروریسم تکفیری نمود یافت، سبب شده است امروز جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان به عنوان نیرویی ثابت‌بخش در منطقه غرب آسیا شناخته شود و این مهم امروزه مورد اعتراف سران رژیم صهیونیستی است و از جمله دو سال قبل، «آوی دیختر» رئیس کمیته امور نظامی و بین‌الملل پارلمان رژیم صهیونیستی اعلام کرد، آمریکا، اروپا و روسیه به ایران به چشم عامل ثبات در منطقه نگاه می‌کنند.

۳ - چالش‌آفرینی برای استکبار؛ مقاومت جمهوری اسلامی در برابر استکبار سبب شده است چالش‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و همچنین در سطح بین‌الملل افزایش یابد. به اعتراف ترامپ، دولت‌های آمریکا تاکنون حدود هفت تریلیون دلار در منطقه غرب آسیا هزینه کرده‌اند؛ اما همین رویکرد استکبارستیزی ایران که در منطقه به فرهنگ مقاومت تبدیل شده، سبب شده است آمریکایی‌ها با صرف این هزینه‌های گزاف همچنان نتوانند به اهداف خود در منطقه دست یابند. در وضعیت کنونی، دولت ترامپ نمی‌داند که آیا باید همچنان این هزینه‌ها را ادامه دهد؟ از این منطقه خارج شود؟ گروه‌های نیابتی جدیدی را صافبندی کند؟ یا به هر حال چه غلطی باید بکند؟ ترامپ فقط می‌داند که اعراب وابسته را باید بیشتر و بیشتر بدوشد.

۴ - استقلال و اقتدار علمی؛ استقلال علمی و دستیابی به رشد بی‌سابقه علم در ایران، رابطه مستقیمی با استکبارستیزی دارد. عامل اصلی در دستیابی به فناوری‌های برتر، انحصار یا عدم انحصار علمی نیست؛ بلکه عامل اصلی انگیزه است. این موضوع در زمینه پیشرفت در صنعت هسته‌ای و نظامی و در مقابل در حوزه غیرنظامی در کشور ما قابل مشاهده است. طبیعی است انحصار دانش و فناوری هسته‌ای و نظامی بسیار بیشتر و محکم‌تر از انحصار تکنولوژی در حوزه خودرو یا دیگر صنایع مصرفی است؛ اما چرا جمهوری اسلامی در بخش صنعت هسته‌ای، نظامی و موشکی پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای داشته است، ولی مدیران صنعت غیر نظامی چندان پیشرفت نکرده‌اند و نتوانسته‌اند در طراحی و ساخت صنایع بومی موفقیت زیادی کسب کنند. در اینجا عامل اصلی انگیزه است. صنعت هسته‌ای و نظامی از انگیزه‌های بسیار بالایی برخوردار بود که اتفاقاً این انگیزه‌ها برآمده از غیریت‌سازی با استکبار و ضرورت ایستادگی در مقابل آن بوده و است.

## ۸۱ - آیا تداوم مبارزه با استکبار و آمریکا، در حالی که مشکلات معیشتی

در داخل کشور به طور جدی وجود دارد، به مصلحت است؟

مفروض سؤال حاضر، وجود دوگانگی و دوقطبی میان استکبارستیزی و معیشت مردم است، در صورتی که باید گفت استکبارستیزی اگرچه یک آرمان والا و تخطی‌ناپذیر برای نظام است؛ اما چارچوب و کیفیت اقدام در راستای آن همواره بر اساس اصول سه‌گانه «عزت، حکمت، مصلحت» تعریف شده است. به عبارتی، جمهوری اسلامی با وجود پیگیری استکبارستیزی، اما در مواجهه با دنیای استکبار، غیر واقع‌بین نبوده است؛ همواره مصلح و از جمله معیشت مردم را در نظر داشته و به منزله یک بازیگر عقلانی و محاسبه‌پذیر رفتار کرده و تلاش کرده است در مواقع لازم، انعطاف و نرمش مناسب داشته باشد؛ اما طرف مقابل، نه تنها به حسن نیت و رفتارهای عقلانی جمهوری اسلامی واکنش مثبت نشان نداده، بلکه همواره براساس تصورات قالبی غلط با آن رفتار کرده است. بارزترین نمونه در این زمینه، برجام است که با وجود آنکه جمهوری اسلامی برای رفع تحریم‌ها با آمریکا وارد مذاکره شد؛ امتیازهای لازم برای این منظور را نیز داد و حتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۱۰ بار پایبندی ایران به اجرای برجام را تأیید کرد، اما باز آمریکا از برجام خارج شد.

افزون بر این، باید گفت مشکلات اقتصادی نه در استکبارستیزی، بلکه به طور عمده در ضعف‌ها و نارسایی‌ها در داخل ریشه دارد؛ زیرا قیل از انقلاب هم که از استکبارستیزی خبری نبود، اما باز مشکلات اقتصادی وجود داشت یا اینکه کشورهایی که استکبارستیزی را کنار گذاشتند، مانند مصر در دوران انورسادات و حسنی مبارک، اما باز مشکلات اقتصادی‌شان ادامه داشت. سومین نکته این است که استکبارستیزی ضمن اینکه یکی از دال‌های هویت‌بخش گفتمان انقلاب اسلامی است، یکی از ظرفیت‌های انقلاب است و در شرایطی که همه روزه شاهد تهدیدها و فشارهای دشمنان هستیم، کنار گذاشتن این آرمان هویتی ظرفیت‌ساز، هیچ کمکی به حل مشکلات معیشتی مردم نمی‌کند. راه‌حل مشکلات معیشتی، انسجام درونی، درون‌گرایی و در یک کلام، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

## ۸۲ - در سیاست خارجی ما منافع ملی و مردمی اولویت دارد یا مسائل

ایدئولوژیک؟

سیاست خارجی هر کشوری برخاسته از آرمان‌های مردم و نظام سیاسی آن کشور است و در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز این‌گونه است. به عبارت دیگر، چون در جمهوری اسلامی، آرمان‌ها و اهداف سیاست خارجی برخاسته از متن ویژگی‌های ملی و ارزشی مردم مسلمان ایران است، پس در اینجا، منافع مردمی و ایدئولوژیک همپوشانی دارند؛ یعنی آنچه منفعت ایدئولوژیک نامیده می‌شود، در زمره منفعت ملی و مردمی قرار می‌گیرد. بنابراین، در اصل و اساس، میان این دو دسته منافع، تضادی وجود ندارد؛ اما درباره اینکه اکنون گفته می‌شود جمهوری اسلامی بیش از آنکه به معیشت و منافع مردمش توجه داشته باشد، به منازعات ایدئولوژیک توجه دارد، باید دقت داشت سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره در چارچوب سه‌گانه «عزت، حکمت، مصلحت» طراحی و اجرا شده و این‌گونه نبوده که جمهوری اسلامی، با تأکید صرف بر عزت و حکمت، نسبت به مصالح خود و مردمش بی‌توجه باشد.

در واقع، جمهوری اسلامی با وجود اعتقاد راسخ به مبارزه با استکبار، غیر واقع‌بین نبوده است؛ همواره به عنوان یک بازیگر عقلانی و محاسبه‌پذیر رفتار کرده و کوشیده است در مواقع لازم، انعطاف و نرمش مناسب داشته باشد، اما طرف مقابل، نه تنها به حسن نیت و رفتارهای عقلانی جمهوری اسلامی واکنش مثبت نشان نداده، بلکه همواره بر اساس تصورات قالبی غلط با آن رفتار کرده است.

بنابراین، جمهوری اسلامی همواره تلاش می‌کند تا میان داعیه‌های ایدئولوژیک و منافع مردمش موازنه برقرار کند، اما اینکه چرا رفتارهای عقلانی این نظام در ارتباط با کشورهای دیگر و به طور اخص آمریکا، به کاهش فشارها و تحریم‌ها منجر نمی‌شود، باید در خوی استکباری و زیاده‌خواهانه طرف مقابل جست‌وجو کرد.

### ۸۳ - جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند از نفوذ منطقه‌ای برای تقویت

#### اقتصاد خود بهره‌بردار؟

شادبیت چگونگی استفاده از نفوذ منطقه‌ای برای تقویت اقتصاد کشور به کارویژه تبدیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی برمی‌گردد؛ یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید بتواند ترجمان نفوذ سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی جمهوری اسلامی به منافع مادی و اقتصادی باشد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی باید بتواند از نفوذ و قدرت تعیین‌کننده جمهوری اسلامی در معادلات منطقه‌ای برای تقویت ارتباطات اقتصادی با کشورهای منطقه، به منظور تقویت اقتصاد داخلی بهره‌بگیرد. در این راستا، باید میان نهادهای بوروکراتیک فعال در تنظیم و اجرای سیاست خارجی، شامل سیاسی - دیپلماتیک، اقتصادی - تجاری و نظامی - امنیتی اجماع‌نظر، هم‌نویی و هماهنگی وجود داشته باشد. برای نمونه، باید تلاش شود تا اکنون که بحران سوریه در مرحله خاتمه قرار دارد و دیر یا زود بازسازی این کشور شروع می‌شود، شرکت‌ها و بخش خصوصی کشورمان سهم عمده‌ای در بازسازی سوریه کسب کنند یا در حوزه‌ای مانند عراق، ظرفیت‌های بازار عراق کشف شود و سپس با دولت این کشور برای سهولت تجارت با ایران با شیوه‌هایی مانند تخفیف هزینه‌های گمرکی و تعرفه‌ای برای صادرات کالاهای ایرانی به عراق رایزنی جدی صورت گیرد. البته در حوزه عراق، اقدامات فراوانی صورت گرفته و همین قضیه، ظرفیت بسیار مناسبی است و می‌تواند در دور زدن و خنثی‌سازی تحریم‌ها تأثیر جدی داشته باشد. علاوه بر این، از بخش خصوصی این کشورها می‌توان در دور زدن تحریم‌ها و تأمین نیازهای ارزی کشور بهره‌گرفت.

### ۸۴ - در شرایطی که در داخل کشور با مشکلات اقتصادی مواجهیم، چرا

#### باید در منطقه هزینه کنیم؟

هزینه‌ای که ایران بابت این حمایت انجام می‌دهد، هم در مقابل دستاوردهای بی‌شماری که برای کشورمان به ارمغان آورده ناچیز است و هم در مقابل هزینه‌های گزافی که رقبای

منطقه‌ای و دشمنان بین‌المللی کشورمان در منطقه علیه جمهوری اسلامی و محور مقاومت صرف می‌کنند، رقمی ناچیز است. برای نمونه، آمریکا از زمان حمله نظامی به افغانستان و سپس عراق تاکنون بالغ بر هفت تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده است که در مقابل هزینه‌های محدود چند میلیارد دلاری ایران (بر اساس گزارش اخیر وزارت خارجه آمریکا، هزینه‌های ایران در منطقه از سال ۲۰۱۲ تاکنون ۱۶ میلیارد دلار تخمین زده شده)، رقمی به شدت گزاف است و جالب آنکه آمریکا در قبال این هزینه کمرشکن، دستاورد چندانی هم نداشته است. به هر حال، درباره حمایت‌های ایران از محور مقاومت و نسبت این حمایت با منافع مردم باید به چند نکته توجه داشت:

۱ - حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران یکی از ظرفیت‌های راهبردی کشورمان است که هم عامل قدرتی برای کشورمان در سطح نظام بین‌الملل است و هم عاملی برای تقویت امنیت و موجودیت کشورمان. از این رو، به سبب نقش مهمی که این نفوذ برای ایران دارد، تداوم حمایت‌ها از محور مقاومت باید ادامه داشته باشد. به عبارت دیگر، منافع کشورمان فقط منافع اقتصادی و مادی روزمره نیست. واقعیت آن است که یکی از مهم‌ترین منافع کشورمان، «امنیت پایدار و باثبات» است که چنانچه کوچک‌ترین خدشه‌ای به آن وارد شود، تأمین سایر منافع و مطلوبیت‌های ما با چالش اساسی روبه‌رو می‌شود. حال اگر جمهوری اسلامی با حضور خود در کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه و لبنان توانسته است بخشی از امنیت خود را به نحو احسن تأمین کند، این حضور و هزینه‌هایی که به سبب آن صرف می‌شود، نه تنها هیچ منافاتی با منافع مردم ندارد، بلکه دقیقاً در راستای منافع ملی قابل تعریف است.

۲ - اگرچه در رسیدگی به امورات روزمره مردم، ضعف‌ها و نقص‌هایی وجود دارد، اما راهحل آن، زیر سؤال بردن نفوذ منطقه‌ای کشورمان، که عامل قدرتی برای ما محسوب می‌شود، نیست. به تعبیر دیگر، اگرچه رسیدگی به امور مردم، امری اساسی و مهم است؛ اما حضور و نقش‌آفرینی در منطقه نیز امر مهمی محسوب می‌شود و هرگز به بهانه رسیدگی به یک امر مهم، نمی‌توان نسبت به امر مهم دیگری بی‌توجه بود. در واقع، راهحل توجه بیشتر به مشکلات روزمره مردم، تقویت عزم و اراده مسنولان و مردم است و نه زیر سؤال بردن و حمله‌ور شدن به نفوذ منطقه‌ای کشورمان؛ زیرا اهمیت دومی از اولی اگرچه ممکن است بیشتر نباشد، اما کمتر هم نیست.

گفتار هشتم:

# آرایش گروه‌های سیاسی در آستانه انتخابات

الف. جریان اصولگرا

۸۵ - نواصولگرایان چه می‌گویند؟

مسئله «تغییر» یکی از اولویت‌هایی است که به‌طور نانوشرته مورد اجماع برخی اصولگرایان قرار گرفته است. این مسئله پس از ناکامی در انتخابات گذشته بیش از پیش احساس شده و در کلام بسیاری از بزرگان این جریان با ادبیات متفاوت آمده است. مهدی چمران می‌گوید: «از ضروریات اصولی ما هم این است که باید تغییر کنیم.» این مطلب در سخنان رهبر معظم انقلاب هم مشهود است که می‌فرمایند: «توقف ممنوع!» رهبری همچنین می‌فرمایند: «نباید بر راه‌حل‌های قدیمی و موضوعاتی که امروز دیگر مورد

پسند جامعه نیستند، تکیه کنیم چون این روش دیگر جوابگو نیست. ما باید اصول خود را حفظ کنیم؛ ولی روش‌ها و برنامه‌ها را باید به‌روز کرد تا بتوانیم بین جوانان و برای جذب آنان نیز توانمند شویم.»

جهت‌گیری این تغییر موضوعی است که پس از آسیب‌شناسی اردوگاه اصول‌گرایی به دست می‌آید که در دل این مطالعات پیرامون وضعیت نامطلوب اصول‌گرایی، وجود ضعف‌های گفت‌ماتمی و ضرورت بازاندیشی در آن را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در فرایند تغییر و تحول جریان اصول‌گرایی دانست. در واکنش به این وضعیت، مدتی قبل سخن از «نواصول‌گرایی» بر سر زبان‌ها افتاد. نواصول‌گرایی واژه‌ای است که محمدباقر قالیباف در خلال نامه‌ای خطاب به جوانان انقلابی مطرح کرد. وی دلیل شکست‌های اخیر جریان اصول‌گرایی در جلب نظر مردم در انتخابات را، اشکالات ساختاری، رویکردی و عملکردی در سطوح کلان و خرد می‌داند و «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصول‌گرایی» را مطالبه جوانان انقلابی دانسته و پنج پرسش از جوانان را نخستین گام ترسیم ویژگی‌ها و مبانی «نواصول‌گرایی» معرفی می‌کند:

۱- از یک منظر آسیب‌شناسانه، «اصول‌گرایی» چه ضعف‌های ساختاری، عملکردی و رویکردی دارد که باید آنها را اصلاح کرد؟ «نواصول‌گرایی» در این سه مورد کدام دغدغه‌ها را باید مورد توجه قرار دهد؟ چتر نواصول‌گرایی باید شامل کدام گروه‌های جامعه باشد؟

۲- چگونه و با چه روشی می‌توان از اصول‌گرایی به سمت نواصول‌گرایی حرکت کرد؟ چهره‌های جدیدی که می‌توانند این کار را انجام دهند، باید چه خصایصی داشته باشند و نقش جوانان در این روند چیست؟

۳- جایگاه مردم در نواصول‌گرایی چگونه باید باشد؟ آیا ما نیازمند بازگشت به مردم و توجه به مطالبات و نقش آنها در اداره همه امور نیستیم؟ چگونه می‌توان بدون چشم‌پوشی از آرمان‌ها با واقعیت تغییر سبک زندگی طبقه متوسط کنار آمد؟

۴- شیوه تعامل نواصول‌گرایی با دولت چگونه باید باشد؟

۵- نسبت نواصول‌گرایی با رهبری انقلاب، نهادهای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی رقیب چگونه باید باشد؟

قالیباف در شرح دیدگاه خود ابراز داشت: «نواصول‌گرایی با فرهنگ پدرخواندگی ساخته نمی‌شود؛ نواصول‌گرایی پدرخوانده نمی‌خواهد. هیچ کس دیگر حق ندارد به عنوان پیشکسوت جلوی بروز این ظرفیت عظیم جوانان باانگیزه و پخته را سد کند؛ چون همیشه مانع نیروهای جوان و توانمند شدیم.»

این رویکرد انتقادی در میان اصول‌گرایان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. برخی آن را اقدامی واگرایانه و با هدف خروج از اردوگاه اصول‌گرایی تعبیر کردند و برخی آن را اصلاحی درون گفت‌ماتمی دانستند که هدفی جز بازخوانی در روش‌ها، تاکتیک‌ها و افراد ندارد. از نگاه برخی، آقای قالیباف در حال تغییر رفتار سیاسی خود است، اما از منظر پرویز سروری، «نگاه قالیباف به اصول‌گرایی، واگرایی و ایجاد یک جریان جدید نیست. نگاهی که آقای قالیباف به موضوع اصول‌گرایی دارد، نگاه واگرایی نیست؛ بلکه استفاده بهینه وضعیتی است که در اختیار ماست و اگر بتوانیم با نگاهی منتقدانه ظرفیت‌سازی تحول‌گرایانه‌ای را برای آینده انجام دهیم و در عرصه‌های مختلف بتوانیم برای آینده وضعیت خود را ترمیم کنیم، موفق خواهیم بود.»



برخی واکنش‌ها نیز تندتر از آن بود که انتظار می‌رفت. برای نمونه، حسین ابراهیمی، عضو جامعه روحانیت درباره قالبیاف چنین گفت: «وی اگر رئیس جریان نواصول‌گرایی هم بشود، اتفاقی نمی‌افتد. هر کس خواست جدا شود!... البته قدرت جذب را باید بیشتر و دفع را محدود کرد؛ اما اینکه یک نفر کنار برود، موجب شکست اصول‌گرایی شود، خیر چنین اتفاقی نمی‌افتد.»

اینکه واقعاً نواصول‌گرایی چیست؟ آیا توان تحول‌گفتمانی را در اردوگاه اصولگرایان دارد، یا آنکه تغییرات را در سطح تحولات ساختاری و اصلاح راهکارها می‌بیند، ابهاماتی است که نیازمند تأمل و بررسی بیشتری است. اگر نواصول‌گرایی در قامت تحول‌گفتمانی و اصلاح ساختاری درون اردوگاهی باقی بماند، می‌تواند اقدامی رو به جلو تحلیل شود؛ اما اگر در سطح رویکرد و اگراییانه و با هدف راه‌اندازی جریانی نو در کنار اصول‌گرایی تقلیل یابد، می‌تواند به آفتی جدید در اردوگاه اصولگرایان بدل شود که حاصل آن تشتت و افتراق بیشتر خواهد بود.

البته اندیشه تغییر در اردوگاه اصولگرایان تنها به الگوی «نواصول‌گرایی» محدود نمی‌شود؛ بلکه عده‌ای دیگر هم به این مسئله توجه کرده و در لابه‌لای سخنان‌شان نکاتی را بیان داشته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد هنوز طرح جامع و تدوین شده‌ای که با اقبال عمومی اصولگرایان مواجه شود، در این زمینه وجود نداشته باشد.

#### ۸۶ - آیا گروه‌های اصولگرا در انتخابات پیش رو به وحدت می‌رسند؟

شواهد و قراین موجود نشان می‌دهد اضلاع اصلی جریان اصول‌گرایی، شامل جبهه مردمی نیروهای انقلاب، جبهه پیروان خط امام و رهبری، جبهه پایداری، جبهه ایستادگی، جمعیت ایثارگران، جمعیت رهپویان، حزب مؤتلفه اسلامی و... به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از شروط لازم برای پیروزی در انتخابات وحدت حداکثری است. از این رو، اغلب گروه‌های اصولگرا در شورایی گرد هم جمع شده‌اند و به دنبال ایجاد وحدت و ائتلاف درون این اردوگاه هستند.

#### ۸۷ - شورای ائتلاف برای ایجاد وحدت حداکثری چه تمهیداتی اندیشیده

است؟

یکی از مهمترین مسندهایی که معمولاً احزاب را دچار اختلاف کرده است و مانع دستیابی به لیست واحد می‌شود، موضوع نقش و سهم در لیست نهایی است. شورای ائتلاف به منظور جلوگیری از این مشکل و مقابله با سهم‌خواهی به تعریف فرآیندی برای بستن لیست نهایی اقدام کرده که با مشورت همه اعضای شورا به آن رسیده است. طبق این فرآیند هر نامزدی که مایل به قرار گرفتن در لیست ائتلاف باشد، می‌تواند به سامانه معرفی شده مراجعه و نام‌نویسی کند. احزاب نیز می‌توانند لیست‌های مورد نظر خود را به شورا ارائه دهند.

رساندن این لیست به ۳۰ نفر اصلی لیست تهران طی سه مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله اول، اعضای شورا بدون حضور کسانی که کاندیدا هستند، وظیفه دارند کارنامه کلیه نامزدها را بررسی کنند و از تعداد این لیست ۲۵۰ نفره، ۱۲۰ نفر را بر اساس شاخصه‌های تعریف شده، استخراج کنند. در مرحله دوم، این لیست به ۶۰ نفر

کاهش پیدا می‌کند که وظیفه آن بر عهده جمعی ۱۸۰۰ نفره قرار گرفته است. اعضای این مجمع را نمایندگان احزاب، اقوام، اصناف و محلات تهران شکل می‌دهند. مجمع با رأی‌گیری تکلیف ۶۰ نفر اصلی را مشخص می‌کند و در مرحله سوم، این ۶۰ نفر به نظرسنجی عمومی گذاشته می‌شوند. بدین ترتیب مردم تهران لیست اصلی ائتلاف را مشخص می‌کنند.

در خصوص لیست استان‌ها نیز فرایندی بدین شکل ترسیم شده است که ابتدا هیئت مؤسس شورا با حضور چند نفر تشکیل می‌شود. این هیئت وظیفه دارد معتمدان شهرها را گرد هم بیاورد و با پیشنهاد آنها ۲۵۰ نفر از نخبگان شهر را برای تشکیل مجامع استانی و شهر در هر حوزه انتخابیه دعوت کنند. وظیفه این مجامع معرفی نامزدها به میزان دو یا سه برابر نیاز هر حوزه انتخابیه است. این افراد به شورای ائتلاف مرکزی معرفی می‌شود و شورا با نظرسنجی مردمی افرادی را که دارای مقبولیت بیشتری میان مردم باشند به عنوان نامزد اصلی لیست سراسری معرفی می‌کند.

به منظور حل اختلافات احتمالی، رسیدگی به اعتراضات و نظارت بر حسن اجرای این برنامه، بنا به پیشنهاد نمایندگان احزاب اصول‌گرا، هیئتی از سوی جامعه روحانیت مبارز به عنوان داور انتخاب شده است.

## ۸۸ - آیا همه گروه‌ها و اضلاع ائتلاف فرآیند مورد نظر شورا را پذیرفته

اند؟

تاکنون که به اواخر دی ماه نزدیک می‌شویم و نتایج بررسی صلاحیت نامزدها هم اعلام شده است، همه اعضای شورا فرایند ائتلاف را پذیرفته‌اند و به تعهد خویش در پایبند بودن به نتیجه و خروجی فرایند وفادار هستند. با این وجود نمی‌توان گفت در آینده به طور قطع چه پیش می‌آید؛ اما می‌توان تأکید کرد که حتی اگر بعضی از گروه‌ها نخواهند به لیست نهایی وفادار باشند، اما پذیرفته‌اند که از تخریب یکدیگر خودداری کنند و لیست‌هایی را ببندند که افراد مشترک آنها به شکل عمده مشترک باشند.

## ۸۹ - تا چه اندازه صدور یک لیست از سوی شورای ائتلاف که همه

اصولگرایان به آن پای بند باشند متصور است؟

در حال حاضر این احتمال تا حد زیادی متصور است و هیچ گروهی از اصولگرایان که وزن قابل توجهی داشته باشد، معارضه‌ای با فعالیت شورا نداشته است و همه همراهی لازم را تا اینجا داشته‌اند. با این وجود، ممکن است برخی از جبهه‌ها یا احزاب از خروجی فرایند راضی نشده باشند و لیست جداگانه‌ای بدهند؛ چراکه از هیچ راهی نمی‌توان جلوی این اقدام را گرفت و گروه‌های سیاسی با استفاده از ظرفیت آزادی کشور به تصمیم‌گیری مختار هستند. اما توافقی بین این گروه‌ها صورت گرفته است که اولاً، یکدیگر را تخریب نکنند، ثانیاً، مشترکات لیست‌ها زیاد باشد و فقط چند نفر در لیست‌های بعدی جابه‌جا شده باشند. در این صورت می‌توان گفت مسئله خاصی برای تصمیم‌گیری

گزینش‌گران ایجاد نخواهد کرد؛ اما ممکن است سبب وارد نشدن کامل یک لیست به مجلس شود. نکته مهم این است که انتخاب‌کنندگان دست به استخراج لیست شخصی نزنند. مشکل دوم نیز رأی دادن به تعداد معدودی از لیست است و در گذشته نیز برخی از مردم به لیست کامل رأی نداده‌اند. پرنکردن لیست تا سقف نهایی آن سبب سوخت رأی بدون استفاده از حق فرد به حساب می‌آید و تأثیر منفی بر ترکیب مجلس و موفقیت لیست‌ها می‌شود.

#### ۹۰ - چرا فعالیت انتخاباتی اصولگرایان کمتر رسانه ای شده است؟

به نظر می‌رسد در جریان اصولگرا این تفاهم صورت گرفته است که جلب توجه افکار عمومی به گفتمان، عنوان و شعارهای جدید نیاز دارد. از همین رو، اغلب گروه‌های اصولگرا تصمیم گرفته‌اند تا از این عنوان استفاده نکنند. لذا شورای ائتلاف در حال حاضر جایگزین «جریان اصولگرایی» شده است و احتمال استفاده از عنوان جدید به جای اصولگرایی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به «نواصولگرایی، نیروهای انقلابی، شورای ائتلاف، ائتلاف فردایی بهتر و...» اشاره کرد. اینکه نهایتاً از چه نام و عنوانی استفاده شود، به تصمیم اعضای شورای ائتلاف بستگی دارد.

این شورا با نگرانی از قدرت تخریب جریان رقیب برای فعالیت رسانه‌ای خود اقدام به برنامه‌ریزی کرده است و تلاش می‌کند تا اقدامات خود را از طریق سخنگوی ائتلاف رسانه‌ای کند. به همین علت برای نخستین بار شاهد سیاست رسانه‌ای از سوی این جریان هستیم و احساس می‌شود این جریان کمتر در رسانه‌ها حضور دارند.

#### ب. جریان اصلاح طلب

#### ۹۱ - اصلاح‌طلبان در انتخابات چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

اصلاح‌طلبان فعالیت سیاسی خود را برای دستیابی به اهداف گوناگونی دنبال کرده‌اند، که مهم‌ترین آنان را می‌توان چنین شمرد:

الف - حرکت در جهت تحقق اهداف کلان اصلاح‌طلبی: اصلاح‌طلبان اهداف کلانی را در طول سال‌های اخیر طرح‌ریزی کرده‌اند که با کلیدواژه‌های متفاوتی بیان شده است که هرگونه فعالیت سیاسی این اردوگاه را باید در ذیل آن تعریف کرد. پروژه «مشروطه‌خواهی»، پروژه «توسعه سیاسی» و «دموکراسی‌خواهی»، پروژه «نرمالیزاسیون»، تعبیر گوناگون از یک حقیقت است که اصلاح‌طلبان در بیش از دو دهه اخیر به دنبال آن بوده‌اند.

سعید حجاریان می‌گوید: «جهت‌گیری کلی اصلاح‌طلبی چنانکه بارها بدان اشاره کرده‌ام، در میان‌مدت ذیل پروژه «مشروطه‌خواهی» تعریف می‌شود.» احمد غلامی، سردبیر روزنامه «شرق» نیز در مقاله‌ای می‌نویسد: «طیف دوم اصلاح‌طلبان خصیصه‌ای تنوریک دارند و استراتژی آنان بر مبنای توسعه سیاسی و دموکراسی استوار است. این

استراتژی، مرزهای مشخصی دارد که اصلاح‌طلبان نمی‌توانند از آن بگذرند.» سعید حجاریان در جایی دیگر می‌گوید: «دولت نرمال پیش زمینه و شرط لازم دولت دموکرات است، اما شرط کافی برای آن نیست... نرمالیزه کردن در پیشرفته‌ترین حالتش به دموکراتیزه شدن می‌انجامد؛ اما در حداقلی‌ترین شکل آن، مقدمه‌ای است بر دموکراتیزاسیون.»

**ب - تغییرات ساختاری و استحاله نظام:** استحاله نظام هدف دیگری است که طیف افراطی اصلاح‌طلبان از فعالیت سیاسی خود دنبال می‌کنند. نشانه‌های این سناریو را می‌توان در کلام فردی، همچون مصطفی تاج‌زاده دنبال کرد. وی با صراحت اعلام می‌دارد: «رهبری و ریاست‌جمهوری باید ادغام شوند و دوره‌ای شود، چون ما دیگر نمی‌توانیم چهره مادام‌العمر داشته باشیم، البته با اختیارات محدود و روشن.» بعد دیگر این استحاله نظام اسلامی را می‌توان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و در تغییر سیاست‌های کلان و رابطه با آمریکا مشاهده کرد. مصطفی تاج‌زاده مدعی است: «سیاست‌ها باید تغییر کند، به خصوص در سیاست خارجی و سیاست اقتصادی.»

**ج - تحقق مجلس اصلاح‌طلب:** هدفی نزدیک‌تر، در اختیار گرفتن مجلس یازدهم است. وضعیت کنونی مجلس دهم مطلوب اصلاح‌طلبان نیست و انتقاد به فراکسیون امید مجلس آنقدر زیاد بوده که اصلاح‌طلبان به دنبال تحقق مجلسی اصلاح‌طلب باشند. مجلس ششم الگوی ایده‌آل مجلس اصلاح‌طلب آنهاست که اگر بتوانند به آن نزدیک شوند، خود را پیروز انتخابات خواهند دانست.

**د - بسترسازی برای تحقق دولت اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم:** اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند که پیروزی در انتخابات مجلس می‌تواند مقدمه‌ساز پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ باشد. رویای آنها عبور از وضعیت «زیست در سایه اعتدال» و «به قدرت رسیدن رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب» است که حاصل آن تکرار دولت هفتم و هشتم خواهد بود.

**ه - ضرورت حفظ پیشستازی اصلاح‌طلبان در سیاست‌ورزی:** اصلاح‌طلبان خود را پیشتاز سیاست‌ورزی می‌دانند، از این رو نمی‌توانند در انتخابات غایب باشند و این پیشستازی را از دست بدهند. سعید حجاریان معتقد است: «اصلاح‌طلبی به‌لحاظ تنوریک جریانی پیشتاز محسوب می‌شود و همواره باید به عنوان پیش‌قراول در صحنه سیاست و جامعه حضور داشته باشد.»

## ۹۲ - چرا برخی اصلاح‌طلبان درون نظام، نقش اپوزیسیون نظام را برعهده

می‌گیرند؟ شیوه برخورد با این گروه چگونه می‌تواند باشد؟

اگر بخواهیم علت برخی رفتارهای شبه اپوزیسیونی یا ساختارشکنانه برخی گروه‌های اصلاح‌طلبی در نظام را تحلیل کنیم، می‌توان به دو علت کلان گفتمانی و چهار علت در حوزه کنش سیاسی اشاره کرد:

**الف - دلایل کلان و گفتمانی:**

۱ - به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی این وضعیت به نبود تعریف واحد و مشخص از اصلاح‌طلبی در ایران برمی‌گردد که تاکنون هیچ‌یک از گروه‌ها و افراد شناخته شده این جریان تعریف مشخصی از اصلاح‌طلبی ارائه نکرده و همین وضعیت، آشفتگی گفتمانی و

رفتاری را در این طیف سیاسی به وجود آورده است. هرچند برخی عملکردها و اظهارات افراد و گروه‌های این طیف نشان می‌دهد دامنه اصلاح‌طلبی بسیار وسیع بوده اما قائل به رعایت برخی خطوط قرمز و چارچوب‌های دینی و قانونی کشور نیستند.

۲ - نکته دوم به گفت‌وگو با باورهای اعتقادی و سیاسی این طیف سیاسی برمی‌گردد. گسترش اصلاح‌طلبی به بسیاری از افراد و گروه‌های سیاسی سبب شده است تا افکار و باورهای متعارض با گفت‌وگو با اسلام فقه‌پسند و قانون اساسی در این مجموعه سیاسی راه یابد، معتبر شناخته شود و بر رفتار و عملکرد دیگر عناصر و بازیگران سیاسی این طیف سیاسی تأثیر بگذارد.

ب - دلایل مطرح شده در حوزه کنش سیاسی:

۱- تغییر دستگاه محاسباتی افراد: ممکن است افرادی در ظاهر به انقلاب و ارزش‌ها پایبند باشند، ولی دستگاه محاسباتی آنها به علت شرایط زمانی و مکانی با تغییراتی مواجه شده باشد.

۲- گذار از تفکر انقلابی: برخی نیروهای شبه اپوزیسیونی موجود در نظام، ممکن است به هر دلیلی از اندیشه و رفتار انقلابی اولیه خود عدول کرده باشند.

۳- نبود تقوای جمعی در جریان‌های سیاسی: برخی افراد ممکن است در خصایل فردی خود دارای تقوا باشند، اما ممکن است با قرار گرفتن در دسته‌جات سیاسی، این تقوای فردی تحت الشعاع قرار گرفته و آنها را به انحراف بکشاند. برای نمونه، بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در ۸ خرداد ۱۳۹۰ دال بر نبود تقوای جمعی است.

۴- کسب قدرت به عنوان هدف اصلی: وقتی کسب قدرت به اولویت و هدف اصلی جریان تبدیل شود با دو آسیب همراه خواهد شد که آسیب اول عمل‌گرایی محض یا پراگماتیسم عمل کردن است و آسیب دوم بی‌توجهی به اعتقادات و اخلاق در مناسبات سیاسی است.

### ۹۳ - طرفداران مشارکت مشروط در اردوگاه اصلاح طلبان چه می‌گویند؟

مشارکت از سوی جریان رادیکال اصلاح‌طلبان مطرح شده است و چهره‌هایی، چون سعید حجاریان و مصطفی تاج‌زاده در این باره سخن گفته‌اند. مبتنی بر این سناریو، اصلاح‌طلبان نباید تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت کنند. آنان باید برای نظام شرط بگذارند و بابت حضورشان در انتخابات امتیاز بگیرند. نظام برای برگزاری انتخابات مطلوب و بالا بردن مشارکت سیاسی نیازمند حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات است، از این رو مجبور خواهد شد مطالبات ما را محقق نماید. شرط اصلی حضور در انتخابات برگزاری انتخابات آزاد و تأیید صلاحیت نامزدهاست و اگر نظام در برابر مطالبات ما تمکین نکرد، عطای انتخابات را به لقانش بخشیده و باید از حضور در انتخابات صرف‌نظر کرد. طرفداران این الگو برای منطق خود دلایلی اقامه کرده و در نقد رویکرد مقابل استدلال‌هایی مطرح می‌کنند:

۱- مشارکت مشروط عاقلانه‌ترین راه؛

۲- ناکارآمدی سناریوی مشارکت در هر شرایط؛

۳- مشارکت بدون شرط، محصول رویکرد قدرت‌طلبانه؛

۴- مشارکت بدون شرط، موجب بی‌هویتی اصلاح‌طلبی؛

۵- هزینه سنگین مشارکت بدون شرط؛

- ۶- مشارکت بدون شرط، موجب جدایی مردم از اصلاح‌طلبان؛  
۷- عملکرد ضعیف دولت روحانی و لیست امید، محصول مشارکت بدون شرط.

## ۹۴ - طرفداران مشارکت غیر مشروط در اردوگاه اصلاح طلبان چه

می‌گویند؟

دیدگاه دوم از منظر دیگری به صحنه انتخابات می‌نگرد و معتقد است اصلاح‌طلبان باید به دنبال حضور حداکثری و با همه توان در انتخابات باشند. اصلاح‌طلبی مسیری است که از فرایند انتخابات می‌گذرد و مسیر دیگری پیش روی آن وجود ندارد؛ بنابراین قهر با صندوق‌ها معنا نداشته و باید اهداف خود را از این طریق دنبال کرد؛ لذا مشروط کردن انتخابات و تهدید به قهر و تحریم نیز شیوه اصلاح‌طلبانه نیست. «بهزاد نبوی» بر این باور است که «در هیچ انتخاباتی نه تنها آقای خاتمی، بلکه اصلاح‌طلب‌ها هم انتخابات را تحریم نکرده‌اند، حتی در انتخابات مجلس هفتم. من از سخنان آقای خاتمی ایده مشارکت مشروط استنباط نمی‌کنم.»

خود وی نیز معتقد است: «من پیشتر گفته‌ام در هر شرایطی باید در انتخابات شرکت کنیم. منظورم شرایطی است که امکان حضور باشد. فی‌المثل اگر همه گروه‌های اصلاح‌طلب را به زندان ببرند و یا اگر همه گروه‌های اصلاح‌طلب منحل و غیر قانونی اعلام شوند، در گاه دیگر امکان شرکت وجود ندارد.»

ابعاد استدلال این نگرش را در بندهای زیر می‌توان دنبال کرد:

مبتنی بر این دیدگاه وضعیت کنونی در اردوگاه اصلاح‌طلبان را که از آن می‌توان با عنوان فتح نسبی یاد کرد، محصول مشارکت در انتخابات بوده است؛ از این رو محمد هاشمی، عضو حزب کارگزاران معتقد است: «هنوز و در شرایطی که سرمایه اجتماعی اصلاحات نسبت به سال ۹۲ با کاهش چشمگیری روبه‌رو شده است، باید ائتلاف کرد تا فتح نسبی قربانی انتظار غیرواقعی پیروزی اصلاح‌طلبانه نشود.»

از این دیدگاه، سناریوی تحریم و مشروط کردن انتخابات، سناریوی ورشکسته‌ای است که در سال ۱۳۹۰ و انتخابات مجلس هشتم دنبال شد و به ثمر نرسید؛ بنابراین در شرایط امروز نباید دنبال شود.

همچنین تأکید دارند، مشارکت مشروط موجب افزایش فاصله اصلاحات از نظام می‌شود. روزنامه «آرمان» بر نکته دیگری تأکید دارد: «راهبرد مشارکت مشروط غیر عملی می‌آید. این شرط باید از پیش تعیین شود و مشخص باشد که چه شرطی می‌خواهیم برای حضور در انتخابات بگذاریم. اگر قرار است بگوییم نظارت چنین باشد یا چنان نباشد تا حضور یابیم، مشخص است که این اتفاق نخواهد افتاد و در نتیجه طرح شکست می‌خورد. شروط دیگر نیز اهمیت و تأثیر چندانی ندارد مگر اینکه بتوانیم افراد مؤثر را از مرحله نظارت‌ها عبور داده و وارد مجلس کنیم. اما اگر حرف‌های کلی و بدون پشتوانه زده شود، بی‌تأثیر خواهد بود.»

۹۵ - چرا برخی اصلاح طلبان از عدم لیست سخن می‌گویند؟

در حالی که بخش عمده‌ای از نامزدهای انتخاباتی تأیید صلاحیت شده‌اند، اصلاح‌طلبان از احتمال ارانه ندادن لیست سخن می‌گویند! آذر منصوری، قائم‌مقام حزب «اتحاد ملت» مدعی شده است: «اگر این امکان فراهم شود که اصلاح‌طلبان بتوانند کاندیدای خودشان را داشته باشند، قاعدتاً در انتخابات فعالانه شرکت کرده و لیست هم ارائه خواهند داد، اما چنانچه این امکان برای‌شان فراهم نشود لیستی در شهرهای بزرگ ارائه خواهند داد و در شهرهای کوچک هم از کاندیدای مشخصی حمایت نخواهند کرد.»

افراد دیگری نیز سخنان مشابهی را مطرح کرده و در تلاشند این‌گونه القا کنند که همه چیز در دست دستگاه‌های نظارتی است! اما مروری بر حوادث رخ داده در آبان و آذر ماه، از اتفاق دیگری حکایت دارد.

اصلاح‌طلبان از مدت‌ها قبل برای حضور تمام‌عیار به منظور دستیابی به کرسی‌های حداکثری مجلس آماده می‌شدند. آنها امیدوارانه خود را فاتح انتخابات دانسته و قرار را بر حضور بدون شرط در انتخابات با حداکثر توان در صحنه گذاشته بودند. زمزمه‌های تک فاز مبنی بر مشارکت مشروط را نیز به واقع باید سناریوی مکملی به منظور بسط‌سازی برای سناریوی اصلی دانست که بدون شک در ادامه به مشارکت بدون شرط تبدیل می‌شد.

در این میان حوادث آبان ماه و تصمیم پرحاشیه دولت که به بلوا و آشوب به بهانه گرانی بنزین انجامید، آب سردی بود که اصلاح‌طلبان را از ادامه کار ناامید کرد. اصلاح‌طلبان گمان نمی‌کردند میزان ناراضیاتی از دولتی که با حمایت ایشان به قدرت رسیده است تا این اندازه پایین آمده باشد، عوارض آن دامنگیر اصلاح‌طلبان نیز شود!

البته اصلاح‌طلبان مدت‌های مدیدی است که درگیر چگونگی مواجهه با دولت خودساخته‌اند. از یک سو بیش از شش سال از حمایت تمام‌قد اصلاح‌طلبان از دولت می‌گذرد و افکار عمومی تفاوتی بین اصلاح‌طلبان و دولت اعتدال نمی‌بینند. از دیگر سو، نه این دولت بخشی از سیاست‌های مدنظر اصلاح‌طلبان را دنبال می‌کند و نه آنکه آنقدر موفق عمل کرده که بر این ائتلاف‌نظر جدی بتوان چشم پوشید. ادعاهای دولت مبنی بر مدیریت اقتصاد کشور از طریق مدیریت سیاست خارجی که در قالب برجام خودنمایی کرد نیز با موفقیت همراه نبوده است؛ از این رو نه تداوم حمایت از دولت مقرون به صرفه است و نه جدایی از آن ممکن است!

در این وضعیت، پس از حوادث آبان ماه بخش قابل ملاحظه‌ای از اصلاح‌طلبان شناخته شده که خود را آماده حضور در صحنه انتخابات می‌کردند، پشیمان شده و «نهضت ثبت‌نام» مدنظر اصلاح‌طلبان اتفاق نیفتاد. حادثه تلخی که با واکنش بخشی از فعالان سیاسی این اردوگاه همراه بود؛ برای نمونه محمد قوچانی در روزنامه «سازندگی» نوشت: «این «آغاز یک پایان» است. «آغاز پایان اصلاح‌طلبان» خسته و ناستواری که فقط در زمین هموار می‌توانند سیاست‌ورزی کنند. ما به یک شکست نیاز داریم تا به خود آیین و اصلاح‌طلبی را اصلاح کنیم... ما اصلاح‌طلب می‌مانیم، حتی اگر در اقلیت باشیم... این بی‌تدبیری است که ما را اقلیت می‌کند، نه رأی اکثریت...»

این وضعیت موجب اضطراب اصلاح‌طلبان نسبت به شکست در انتخابات شده و این اضطراب در کلام‌شان آشکار شده است. عبدالله ناصری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب می‌گوید: «با توجه به آنکه چهره‌های رأی‌آور اصلاح‌طلب نامنویسی نکردند؛ در رقابت بین لیست اصلاح‌طلبان، لیست «جبهه پایداری و حامیان احمدی‌نژاد» و لیست «آقای

قابلیت‌اف»، باخت سی بر هیچ اصلاح‌طلبان دور از ذهن نیست.» لذا ترجیح می‌دهند به جای شکست، از انتخابات کناره‌گیری نرم و تدریجی کنند! به واقع اگر اصلاح‌طلبان از موفقیت در انتخابات ناتوان هستند، علتش را باید در ناکارآمدی و بی‌برنامگی این جریان جست‌وجو کرد. اگر هم علت را نداشتن لیست قوی و رأی‌آور معرفی می‌کنند، باید گفت علت آن نیز شکست نهضت نام‌نویسی و حضور نیافتن چهره‌های نام‌آشنای این اردوگاه است و فرافکنی و متهم کردن دستگاه‌های اجرایی و نظارتی اعم از وزارت کشور و شورای نگهبان، اقدامی خلاف اخلاق است که دردی را دوا نمی‌کند.

## ۹۶ - تداوم حمایت یا جدایی اصلاح‌طلبان از دولت اعتدال چه تبعاتی

### برای این جریان خواهد داشت؟

اردوگاه اصلاح‌طلبان از ماه‌ها پیش فعالیت خود را آغاز کرده؛ اما در این میان موانعی جدی پیش روی این جریان برای فعالیت حداکثری معطوف به انتخابات وجود دارد که تا رفع نشدن آن نخواهد توانست با همه توان موفق عمل کند. این چالش‌ها و دغدغه‌ها مدت‌های مدیدی است که بر این اردوگاه سایه انداخته و آثار سوء آن را می‌توان در بخشی از عملکرد این جریان مشاهده کرد.

یکی از مسائل و مناقشات مهم در این عرصه چگونگی مواجهه با روحانی است. این سؤال که «با روحانی چه باید کرد» یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در اردوگاه اصلاح‌طلبان است. به عبارتی می‌توان گفت، آینده سیاسی این جریان با پاسخ به این پرسش گره خورده است. اذهان عمومی به خاطر دارد که چطور حسن روحانی در حالی که طبق نظرسنجی‌ها هیچ شانسی برای پیروزی در انتخابات سال ۱۳۹۲ نداشت، با حمایت اصلاح‌طلبان از وی و کناره‌گیری کردن محمدرضا عارف، توانست پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شود. گویا تاریخ مصرف این حمایت این روزها به سرآمده و در آستانه انتخابات چگونگی مواجهه با روحانی همچنان به مثابه معضلی لاینحل برای اصلاح‌طلبان باقی مانده است.

پیامدهای حمایت یا عدم حمایت از روحانی: در نگاه اصلاح‌طلبان حمایت یا عدم حمایت دو سویه یک معادله پر مجهولند که به سادگی نمی‌توان درباره آن تصمیم گرفت؛ چرا که هر دوی آنها پیامدهایی به همراه خواهد داشت.

در این میان، عده‌ای از اصلاح‌طلبان معتقدند: «اصلاح‌طلبی ستون فقرات دولت روحانی است. ما باید فقط شریک پیروزی‌های روحانی باشیم و جاهایی که شکست می‌خورد فاصله انتقادی‌مان را پررنگ‌تر کنیم و مرزبندی‌های مان را جدی‌تر کنیم.»

در آن‌سو عده‌ای می‌گویند، روحانی ستون فقرات اصلاحات است و اگر حمایت روحانی و دولت اعتدال در انتخابات نباشد، اصلاح‌طلبان نمی‌توانند موفق عمل کنند! از این رو اگر شریک پیروزی هستیم، باید همراه باخت آقای روحانی نیز باشیم. شکست روحانی می‌تواند شکست اصلاحات را به همراه داشته باشد.

در مجموع برای چگونگی مواجهه با این موضوع آثار مثبت و منفی را برشمرده‌اند:

۱- پیامدهای منفی تداوم ائتلاف و حمایت از دولت روحانی



الف) وجود ضعف‌های فراوان و ناکارآمدی دولت در حوزه‌های مختلف، به ویژه حوزه اقتصادی همچنان یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی است که اصلاح‌طلبان را تهدید می‌کند. (ب) کاسته شدن از اعتبار روحانی، موجب کاسته شدن اعتبار اصلاح‌طلبان شده است. (ج) حمایت از روحانی موجب انتقاد و دلخوری هواداران اصلاحات است. (چ) چشم‌اندازی مثبتی برای موفقیت دولت اعتدال در حل مشکلات مردم وجود ندارد. (ه) این حمایت موجب ایجاد ابهام در هویت مستقل اصلاح‌طلبی شده است. (د) حمایت حداکثری از روحانی نماد انفعال سیاسی اصلاح‌طلبی ارزیابی می‌شود. در همین راستا، صادق زیباکلام می‌گوید: «سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان به دلیل حمایت از حسن روحانی و ناکارآمدی لیست امید در مجلس از بین رفته است و اکنون با آوار مطالبات بی‌پاسخ مردم مواجه شده‌اند و حتی آقای خاتمی هم گفت که دیگر تکرار می‌کنم‌ها اثربخش نیست.» وی با بیان اینکه خاتمی در دیدار با فراکسیون امید گفته است: «شاید دیگر «تکرار می‌کنم» نیز آفاقه نکند و کارساز نباشد»، می‌افزاید: «البته این بلا را نه اصولگرایان و نه شورای نگهبان بر سر این طیف سیاسی آوردند، بلکه این موضوع مرتبط با آقای روحانی است و بنده ایشان را مسنول می‌دانم.»

جواد امام، دبیرکل حزب مجمع ایشارگران نیز معتقد است: «نه آقای روحانی در این سال‌ها گفته اصلاح‌طلب است و نه اصلاح‌طلبان فکر کرده‌اند که او اصلاح‌طلب است. گر چه امروز همه به اشتباه فکر می‌کنند که آقای روحانی دولت اصلاح‌طلب دارد و از این جهت است که انتقادات وارد به دولت را متوجه اصلاح‌طلبان می‌کنند. اصلاح‌طلبان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند و اکنون نیز اعلام می‌کنند که ضمن حمایت از دولت، اما عملکردهای دولت بر ذمه اصلاح‌طلبان نیست و قرار نبوده که تمام عملکردهای دولت را بی‌چون و چرا قبول کنیم.»

#### ۲- پیامدهای منفی جدایی و حمایت نکردن از دولت روحانی

الف) این اقدام می‌تواند با واکنش تند اعتدالیون همراه شود و چالش جدیدی برای اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات تولید کند. (ب) این امر موجب تنگ شدن شرایط پیش روی اصلاح‌طلبان خواهد شد. (ج) اصلاح‌طلبان نمی‌توانند چندان در عرصه نقد دولت پیش روند؛ چرا که افکار عمومی ایشان را در عملکرد دولت شریک می‌دانند! (چ) دولت می‌تواند ایشان را به سهم‌خواهی از قدرت و زیاده‌خواهی متهم کند. (ه) اطلاعاتی که از پشت پرده جریان اصلاحات در اختیار دولت اعتدال موجود است، می‌تواند پاشنه آشیلی برای اصلاح‌طلبان باشد که در صورت اوج گرفتن اختلافات، به بسته شدن دست اصلاح‌طلبان خواهد انجامید. (د) چنین تقابل و چالشی بهترین فرصت را برای جریان رقیب اصولگرا فراهم خواهد آورد که همزمان دو جریان اعتدال و اصلاحات را نقد کنند. (ن) حضور مستقل اعتدالیون در انتخابات که حاصل این جدایی خواهد بود، در میزان وزن سید رأی اصلاح‌طلبان تأثیر مستقیم خواهد گذاشت.

۹۷- درباره چگونگی مواجهه اصلاح‌طلبان با اعتدالیون در انتخابات ۱۳۹۸،

چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟

درباره چگونگی مواجهه اصلاح‌طلبان با اعتدالیون در عرصه انتخابات مجلس، سه دیدگاه حائز اهمیت است که هر یک هوادارانی در اصلاح‌طلبان داشته و برای منطقی بودن آن دلیل اقامه می‌کنند:

۱- منطق حفظ ائتلاف با اعتدالیون: بخش عمده‌ای از اصلاح‌طلبان همچنان از ضرورت حمایت از دولت روحانی و حفظ ائتلاف با جریان اعتدال تا انتخابات سال ۱۴۰۰ سخن می‌گویند. فهرست زیر مهم‌ترین دلایل ضرورت تداوم حمایت از روحانی است:  
الف) هر چند دولت روحانی، دولتی اصلاح‌طلب نیست؛ اما کارکردهای آن برای جریان اصلاح‌طلبی آنقدر زیاد است که نباید از آن غفلت کرد. ضمن آنکه روحانی همچنان «خیرالموجودین» است!

ب) گریزی برای تداوم حمایت وجود ندارد. افکار عمومی تفاوت چندانی بین اصلاح‌طلبان و اعتدالیون قائل نیست و آنان را دوری یک سکه می‌داند.

ج) کلید زدن سناریوی «عبور از روحانی»، سناریوی شکست خورده‌ای است که به نوعی از ماجرای «بر شاخ نشستن و بن بریدن» حکایت دارد و پیامدهای سنگینی برای اصلاح‌طلبان به همراه خواهد داشت.

چ) کلید خوردن سناریوی عبور از روحانی اقدامی از جانب رقبای سیاسی اصولگراست که با هدف تضعیف اردوگاه اصلاح‌طلبی و ایجاد تنش و اختلاف در آستانه انتخابات اسفند ماه ۱۳۹۸ طرح‌ریزی شده است که اگر محقق شود، ممکن است به واگذاری مجلس یازدهم به اصولگرایان بینجامد!

ه) بدون شک پایان ائتلاف اصلاح‌طلبی و اعتدالیون و سه ضلعی شدن رقابت‌های انتخاباتی به تفرق و ریزش آرای اصلاح‌طلبان خواهد انجامید که حاصل آن پیروزی رقیب سنتی اصول‌گرایی خواهد بود!

ن) حضور مستقل اعتدالیون در انتخابات ۱۳۹۸ موجب خواهد شد شورای نگهبان در رد صلاحیت اصلاح‌طلبان با دست بازتری عمل کند؛ چرا که برای رقابتی کردن انتخابات جریان سومی وارد میدان شده است!

۲- منطق ائتلاف و مطالبه‌گری توأمان از روحانی: بخشی از اصلاح‌طلبان از ضرورت مطالبه‌گری در کنار حمایت از روحانی سخن می‌گویند و معتقدند، حمایت باید با رویکردی انتقادی به عملکردهای ضعیف دولت دوازدهم و مطالبه‌گری از آن همراه باشد. ایشان برای دفاع از دیدگاه‌شان چنین استدلال می‌کنند:

الف) اولاً این رویکرد واقع‌بینانه است؛ چرا که انتقادات جدی به عملکرد دولت وارد است، ثانیاً؛ اصلاح‌طلبانه است، چرا که روحیه اصلاح‌طلبی با نقد و تلاش برای اصلاح عجین است، ثالثاً؛ منفعت‌طلبانه است، چرا که از هزینه اصلاح‌طلبان می‌کاهد و بین عملکرد پرتنقاد دولت و پرونده اصلاح‌طلبان فاصله ایجاد می‌کند.

ب) دفاع حداکثری از روحانی کمکی به منتقدان سرسخت دولت نخواهد کرد و تنها می‌تواند زمینه‌ساز بریدن هواداران از اصلاح‌طلبان باشد و سناریوی عبور از روحانی را تقویت کند.

ج) ایجاد فضایی مناسب برای نقد، می‌تواند مانعی برای فراگیری «چالش‌پشیمانی» باشد.

چ) این نظر با ارانه راه میانه به میدان آمده است تا از تبدیل شدن سناریوی «عبور از روحانی» به گفتمانی فراگیر در نزد افکار عمومی و توده‌های ناراضی از عملکرد دولت، جلوگیری کند؛ سناریویی که از نگاه این جریان به شکست اصلاح‌طلبان خواهد انجامید!

۳ - منطق خروج از ائتلاف با اعتدالیون: دیدگاه سوم در این میان با صراحت عبور از جریان اعتدال در انتخابات ۱۳۹۸ مجلس را مطرح می‌کند. کم‌توجهی به خواسته اصلاح‌طلبان در چینش کابینه و انتخاب استانداران، بی‌توجهی به نقدهای اصلاح‌طلبان در چهار سال اول روحانی، کم شدن قدرت اسحاق جهانگیری در کابینه جدید، عمل نکردن به بعضی وعده‌های انتخاباتی و حتی پاک کردن صورت مسئله تعدادی از آنها از سوی نزدیکان دولت، علایمی است که اصلاح‌طلبان را به عملکرد روحانی و دولت‌ش حساس‌تر کرده است. این جریان معتقد است:

الف) دولت اعتدال، دولت اصلاح‌طلب نیست و اهداف و برنامه‌های اصلاح‌طلبان از طریق ائتلاف با اعتدالیون تحقق نخواهد یافت.

ب) حمایت از روحانی تنها موجب آن خواهد شد که کارنامه ناکامی‌های وی به اسم اصلاح‌طلبان نوشته شود و با توجه به افزایش روزافزون انتقادات و اعتراضات و اعلام پیش‌بینی‌ها از دولت و کاسته شدن اعتبار و مقبولیت آن، از اعتبار و مقبولیت اصلاح‌طلبان نیز کاسته شود و فرصت برای موفقیت جریان رقیب فراهم آید!

ج) بخشی از بدنه اجتماعی اصلاح‌طلب پیشگام سیاست‌ورزی شده و تلاش دارد جرنل و جسارت لازم را برای رأس فراهم کند که این سناریو را دنبال کند؛ از این رو رأس اصلاحات نباید عقب بماند.

چ) در طول این سال‌ها سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، بدون دستاوردی، خرج دولت روحانی شده است و باید هر چه زودتر جلوی ضرر را گرفت.

د) چرخش به راست آقای رئیس‌جمهور از آغاز به کار دولت دوازدهم شروع شده است. حال اصلاح‌طلبان چرا همچنان بر همگرایی تأکید می‌کنند؟!

ه) در انتخابات اسفند ۱۳۹۸ باید فهرست مستقلی از اعتدالیون ارائه کرد؛ فهرستی که در آن اصلاح‌طلبان حقیقی عضو باشند، نه اصلاح‌طلبان بدلی. لذا حتی اگر ائتلافی هم صورت گرفته و جریان اعتدال فهرست مستقلی ارائه ندهند، تنها تعداد اندک‌شماری سهم برای این جریان کنار گذاشته خواهد شد!

البته گفتنی است، سیاست مذکور سیاستی نیست که اگر بخشی از بزرگان اصلاح‌طلبی به آن اعتقاد داشته باشند، حاضر شوند آشکارا آن را اعلام کنند؛ بنابراین در لابه‌لای اظهارات‌شان باید به دنبال اشاراتی گشت!

۹۸- چرا دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان نتوانست اقتصاد مقاومتی را در

### کشور عملیاتی کند؟

در تفکر دولت یازدهم، پیش‌نیاز ذهنی در تحقق اقتصاد مقاومتی جایگاه مناسبی ندارد؛ زیرا:

۱- اصرار دولت یازدهم به مذاکره و تعامل با قدرت‌های جهانی و در رأس آن آمریکا نشان می‌دهد، ریشه ائتلاف را سطحی می‌داند و نه مبنایی. حال آنکه واقعیات عینی و حتی سخنان علنی مسولان آمریکایی اثبات می‌کند، ریشه دشمنی و خصومت آنها با جمهوری اسلامی ایران اصل و ذات استکباری و سلطه‌جویانه آمریکا و غرب است و مسائلی چون هسته‌ای، حقوق بشر و تروریسم بهانه‌ای بیش نیست.

وقتی تحلیل و نگاه تصمیم‌سازان دولت این‌گونه باشد، جدی بودن کینه و دشمنی آمریکا به حاشیه می‌رود و در نتیجه نیازی به اقتصاد مقاومتی احساس نمی‌شود و سعی می‌شود مشکلات از طریق مذاکره حل شود.

۲- برخی افراد مؤثر در دولت یازدهم به توانایی داخلی باور عمیق ندارند. نمونه‌های زیادی وجود دارد که این موضوع را اثبات می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:  
- «ما غیر از آبگوشت بزیاش و قورمه سبزی هیچ چیز دیگری برای رقابت با دنیا نداریم.»

- «ما همان‌گونه که مربی ورزشی از خارج وارد می‌کنیم، باید مدیر صنعتی هم از خارج بیاوریم.»

- «آمریکا با فشار یک دکمه می‌تواند کل سیستم دفاعی ما را از کار بیندازد.»

- «امروز نقطه عطفی در توسعه صنعت حمل و نقل ریلی ایران خواهد بود.»

- «خارجی‌ها یک ساله به تعهدات خود عمل کردند؛ اما شرکت‌های داخلی بعد از سه سال و نیم و میلیاردها دلار هزینه هنوز کار را تحویل نداده‌اند.»

اینها نمونه‌هایی است که دولتمردان فعلی به طور علنی و رسمی آن را بیان کرده‌اند.

همین تفکر و نگاه است که به جای هزینه در راستای خودکفایی و استقلال در اقلام استراتژیک، با امضای قراردادهای محرمانه با پترو، توتال، ایرباس و بونینگ، خودروسازی و صنعت نفتی و هوایی ما را وابسته می‌کند.

۳- همچنین نقش برخی دولتمردان و خانواده و نزدیکان آنها در شرکت‌های خصوصی که عمدتاً در کار واردات پرسود بوده و طبیعتاً، اقتصاد مقاومتی که مدیریت واردات یکی از ارکان آن است، برای آنها و درآمد سرشارشان ایجاد چالش خواهد کرد.

## ج. جریان احمدی‌نژاد

۹۹ - حامیان احمدی نژاد در انتخابات پیش رو چگونه شرکت خواهند

### کرد؟

احمدی نژاد پس از پایان دوران ریاست جمهوری، تلاش فراوانی داشت تا مجدداً بتواند در عرصه قدرت و سیاست رسمی کشور نقش آفرین بوده و جایگاهی را برای جریان خود در اختیار بگیرد. اما روند حوادث به نحوی شکل گرفت که چنین امکانی برای آن فراهم نگردید. در انتخابات مجلس دهم و ریاست جمهوری دهم و یازدهم، منسوبین به این جریان رد صلاحیت شده و کسی با تابلوی این جریان و به نمایندگی از احمدی نژاد در مجلس حضور نیافت و فراکسیونی با این عنوان در مجلس تشکیل نگردید.

شرایط پیش آمده بدلیل عملکرد پرنقد دولت اعتدال، بالاخص پس از حوادث آبان ماه ۱۳۹۸، این جریان را امیدوار کرده تا بتواند به عنوان جایگزین، رقیبی برای جریان سیاسی حاکم و به عنوان ناجی خود را معرفی نماید. از سویی دیگر اثرگذاری این انتخابات در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نیز نکته مهم دیگری است که انگیزه‌های

این جریان برای فعالیت سیاسی در آستانه انتخابات ۱۳۹۸ را افزون کرده بود. اما این همه ماجرا نیست، چرا که از سویی دیگر، حساسیت‌های شورای نگهبان در این دوره از انتخابات نیز همچنان پایرجا بود، لذا این جریان عملاً نتوانسته بطور منسجم و فراگیر نهضتی برای ثبت نام داشته باشد. البته احتمال اینکه برخی افراد با نام این جریان فعالیت تبلیغاتی خود را برنامه‌ریزی نمایند وجود داشته و ممکن است افرادی از این جریان بصورت فردی وارد مجلس شوند. اما آنکه یک اقلیت تاثیرگذار با این عنوان در مجلس آینده شکل بگیرد، بعید به نظر می‌رسد.

## د. ضدانقلاب و اپوزیسیون

۱۰۰- خط تبلیغاتی اپوزیسیون برای انتخابات مجلس جمهوری اسلامی

### ایران

اپوزیسیون برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی از هر فرصتی استفاده می‌کند. آنها انتخابات در ایران را فرصتی برای به چالش کشیدن مشروعیت نظام و ایجاد اختلاف و در صورت قادر بودن نفوذ در نهادهای تصمیمگیر و تصمیم‌ساز می‌دانند. با بررسی مواضع و اقدامات اپوزیسیون در ماه‌های اخیر و ایام نزدیک به انتخابات خط تبلیغاتی آنها به شرح زیر بوده است:

- ۱- تلاش برای تحریم انتخابات؛
- ۲- ایجاد دوگانگی‌های کاذب در بدنه مردم و حاکمیت؛
- ۳- تلاش برای کاهش مشارکت مردم در انتخابات؛
- ۴- القای وجود دولت پنهان در کشور و بی‌فایده بودن انتخابات؛
- ۵- القای انتصابی بودن کاندیداها و زیر سؤال بردن انتخابات آزاد و عادلانه و بیان این نکته که هدف از انتخابات در ایران، تصرف مناصب انتخابی در جهت منافع فردی، بانوی و حزبی است نه در راستای حل مشکلات مردم؛
- ۶- حمله به نهادهای نظارتی نظام مانند شورای نگهبان، به ویژه زمینه نظارت استصوابی آن نهاد؛
- ۷- حمله به همه طرف‌های دعوت‌کننده برای شرکت در انتخابات؛
- ۸- تیره و تار جلوه دادن آینده نظام و القای یأس و ناامیدی در بین مردم و جوانان؛
- ۹- صدور بیانیته و انجام مصاحبه در سطح گسترده در رسانه‌های مختلف برای تحریم انتخابات و کاهش مشارکت مردم و دلسرد کردن آنان؛
- ۱۰- بزرگنمایی مشکلات در داخل کشور؛
- ۱۱- خیر خواه نشان دادن خود به عنوان کاهنده قدرت حکومت و الزام حاکمان نظام برای پاسخگویی خاضعانه در برابر مردم؛
- ۱۲- پیشنهاد تشکیل کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات به جای شورای نگهبان. البته نباید فراموش کرد که موارد برشمرده، موارد اعلامی این جریان در دو ماه مانده به انتخابات است. ضدانقلاب فرصت طلب، به هیچ اصلی جز منفعت طلبی و ضربه زدن به انقلاب اسلامی و ملت ایران پایبند نیست، لذا با تغییر شرایط بلافاصله ترفندهای رسانه‌ای

خود را تغییر می‌دهد. به همین خاطر هرچند در فاصله دو ماه مانده به انتخابات در تلاش است تا به نحوی خط تحریم انتخابات را از طریق مایوس سازی مردم دنبال کند، اما اگر شرایط را نامناسب دیده و حضور مردم را حداکثری ارزیابی کند، با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای به حمایت از برخی جریان‌های سیاسی که قرابت بیشتر با این جریان دارد، وارد میدان خواهد شد. ضمن آنکه تلاش خواهد کرد تا مشارکت حداکثری را به فرصتی برای افزایش درگیری و تنش و ناامنی بدل کرده و اجازه ندهد تا دستاوردهای حماسه بزرگ ملت، در سبد ارتقاء مشروعیت جمهوری اسلامی قرار گیرد.